

حکمتها

لطمانل امير المؤمنین علی علیہ السلام

مؤلف: احمد ابراہیمی ہرستانی



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

چشمه حیات (فضائل امیرالمومنین علیه السلام و شیعیان)

نویسنده:

احمد ابراهیمی هرستانی

ناشر چاپی:

مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان

ناشر دیجیتال:

مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان

فهرست

۵	فهرست
۱۱	چشمه حیات (فضائل امیرالمومنین علیه السلام و شیعیان)
۱۱	مشخصات کتاب
۱۱	مقدمه
۱۱	فضائل و مناقب مخصوص علی علیه السلام
۱۱	بالاترین فضائل مخصوص علی علیه السلام است
۱۲	اسرار عجیب در زمان ولادت علی علیه السلام
۱۲	زلزله‌ی شدید هنگام ولادت علی علیه السلام و بر طرف شدن آن با اقرار به ولایت علی علیه السلام
۱۳	اتفاق عجیب در غسل دادن علی علیه السلام هنگام تولدش
۱۴	اولین چیزی که امیرالمؤمنین علی علیه السلام میل کردند، آب دهان با برکت رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم بود
۱۴	علی علیه السلام هنگام تولد، به جز بر پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم چشمش را بر هیچ کس دیگر باز نکرد
۱۴	علاقه‌ی مخصوص پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم به علی علیه السلام هنگام تولد علی علیه السلام
۱۵	خداوند بر زبان علی علیه السلام سخن گفت
۱۵	گفتگوی خداوند با پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم در مورد علی علیه السلام
۱۶	خدای متعال نزد فرشتگان به علی علیه السلام افتخار می‌کند
۱۶	سجده پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم به خاطر علاقه‌ی خاص خداوند به علی علیه السلام
۱۶	علی علیه السلام قلب خدا است که در بر دارنده‌ی اسرار است
۱۷	امر ملاً اعلی بر عهده‌ی علی علیه السلام است
۱۷	هیچکس از آفریدگان با او مقایسه نشود
۱۷	حضرت علی علیه السلام در آسمان هفتم همچون خورشید برای اهل آنجا می‌درخشد
۱۸	سلام خداوند متعال بر علی علیه السلام
۱۸	هدیه‌ی خداوند متعال به علی علیه السلام
۱۸	سه هزار منقبت در یک شب

- برکت در نسل اسماعیل علیه السلام، به واسطه‌ی علی علیه السلام ۱۸
- اساس بعثت انبیاء علیهم السلام ولایت علی علیه السلام ۱۹
- قبل از خلقت آسمان و زمین، درب بهشت آشنا با نام علی علیه السلام بود ۱۹
- خداوند با پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم درباره‌ی علی علیه السلام پیمان بسته است ۱۹
- پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند حق علی علیه السلام بر مسلمانان مانند حق پدر بر فرزندان خود است ۲۰
- ترس پیامبر از گفتن تمام فضائل علی علیه السلام ۲۰
- جدایی از علی، جدایی از رسول ۲۰
- علی علیه السلام به منزله‌ی کعبه ۲۰
- نزول ستاره، داله بر وصایت در خانه‌ی امیرالمؤمنین علیه السلام ۲۰
- دست علی علیه السلام با دست پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم مساوی در عدل ۲۱
- به شرافت رسیدن توسط علی علیه السلام ۲۱
- کلام حضرت خضر در فضائل امیرالمؤمنین علیه السلام ۲۲
- پیراهن نبوت بر تن علی علیه السلام ۲۲
- اسرار معراج علی علیه السلام ۲۳
- مذمت پنهان کردن فضائل امیرالمؤمنین علیه السلام ۲۳
- خداوند دوست ندارد جز علی علیه السلام کسی دیگر برادر پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم باشد ۲۴
- علی ملیء الایمان ۲۴
- آمدن امیرالمؤمنین علیه السلام از مدینه به مدائن برای دفن سلمان علیه السلام ۲۴
- قسمتی از زمین که ولایت علی را پذیرفت پاکیزه و زیبا و آنکه سرپیچی کرد، نمکزار شد. ۲۵
- اولین کسی که در آسمان علی علیه السلام را برادر گرفت ۲۶
- بعضی فرشتگان خوراکی و آشامیدنی آنها صلوات بر علی علیه السلام است. ۲۶
- اشتیاق ملائکه برای دیدن علی علیه السلام ۲۶
- سوگند فرشتگان در میان خودشان، سوگند به علی علیه السلام است. ۲۶
- فرشتگان برای گرفتن آبی که از دست علی علیه السلام ریخت سبقت می‌گرفتند. ۲۶

- پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم در معراج از فضائل علی علیه السلام به وَجد می‌آید. ----- ۲۷
- پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم در معراج، خروسی دید که صدا می‌زد علی علیه السلام امیرالمؤمنین است. ----- ۲۸
- عروج علی علیه السلام به آسمان برای حکم بین ملائکه ----- ۲۸
- چشم بینای خداوند در میان بندگان، علی علیه السلام است. ----- ۲۸
- عائب بر امیرالمؤمنین علیه السلام مشرک به خداست ----- ۲۹
- خدایا تا چهره‌ی علی علیه السلام را به من نشان نداده‌ای مرا نمیران ----- ۲۹
- حدیث کوثر ----- ۲۹
- حدیث اصحاب کهف و علی علیه السلام ----- ۳۰
- حدیث مصافحه علی علیه السلام ----- ۳۰
- شوق درخت طوبی به حضرت علی علیه السلام ----- ۳۰
- علی علیه السلام وارث پیراهن شب معراج ----- ۳۱
- شوق درخت سدره المنتهی به علی علیه السلام ----- ۳۱
- وسعت قلب علی علیه السلام ----- ۳۱
- هر کس ولایت علی علیه السلام را داشته باشد به کمال می‌رسد ----- ۳۱
- حدیث الشطل ----- ۳۲
- حک شدن نام علی علیه السلام روی عقیق ----- ۳۲
- عقد اخوت پیامبر فقط با علی علیه السلام ----- ۳۳
- حدیث نخله صیحانی ----- ۳۳
- حدیث جام آسمانی ----- ۳۳
- وسایل خاصه رسول الله فقط به علی علیه السلام سپرده شد ----- ۳۴
- تنها علی علیه السلام بر شانه‌ی پیامبر بالا رفت ----- ۳۵
- علی علیه السلام احساس ناراحتی از سرما و گرما نمی‌کند ----- ۳۵
- حدیث صاحب النعل ----- ۳۶
- حدیث سابقین ----- ۳۶

- ۳۶ حدیث لیلہ الخطاب حضرت موسیٰ علیہ السلام
- ۳۷ علی علیہ السلام میان دو خلیل
- ۳۷ علی علیہ السلام منار الأئام
- ۳۷ حدیث صُلب
- ۳۷ حدیث اول
- ۳۷ حدیث دوم
- ۳۷ حدیث سوم
- ۳۷ حدیث اختیار
- ۳۸ حدیث شباهت
- ۳۸ حدیث اول
- ۳۸ حدیث دوم
- ۳۸ حدیث هُجوم
- ۳۹ حدیث استرشاد
- ۳۹ حدیث فاروق
- ۳۹ دوستی حضرت علی علیہ السلام و فضائل شیعیان
- ۳۹ دوستی حضرت علی علیہ السلام برترین اعمال است.
- ۳۹ دوستی علی علیہ السلام سعادت‌مندی به تمام معنا.
- ۳۹ جان‌کندن او به راحتی صورت می‌گیرد.
- ۴۰ شیعه و دوستدار امیرالمؤمنین علیہ السلام در این دنیا در بهشت است.
- ۴۰ خوشا به حال شیعیان امیرالمؤمنین علیہ السلام
- ۴۰ ما زیارت شیعیان را دوست می‌داریم.
- ۴۰ اجر و ثواب شیعیان امیرالمؤمنین علیہ السلام در تحمل سختی‌ها
- ۴۱ دوستی علی علیہ السلام در قلب محبتین ثابت‌تر از کوه احد
- ۴۱ با دوستی علی علیہ السلام، دوزخ خلق نمی‌شد.

- ۴۱ فقط پرهیزگاران بر دوستی علی علیه السلام ثابتند.
- ۴۱ دوستی علی علیه السلام صحیفه مؤمن
- ۴۱ شیعیان ما از شیرینی آفریده شده‌اند.
- ۴۱ نوشته‌ای در زیر عرش مخصوص شیعیان علی علیه السلام
- ۴۲ ثواب طعام دادن به دوستداران علی علیه السلام
- ۴۲ دوستان علی علیه السلام به اصل و ریشه چنگ زدند.
- ۴۲ شیعیان علی علیه السلام متعلمین هستند.
- ۴۲ محبین علی علیه السلام اهل تحیت الله
- ۴۲ ملائکه‌های الهی برای محبین امیرالمومنین علیه السلام استغفار می‌کنند
- ۴۳ سبیل الله، شیعه است
- ۴۳ کیفیت خانه‌های بهشتی شیعیان
- ۴۳ اگر شیعه علی علیه السلام نبود، مخالفین شیعه ابداً از خوبی بهره‌ای نمی‌بردند
- ۴۳ محب علی علیه السلام بر ملت ابراهیم علیه السلام است
- ۴۳ منادی در عرصه‌ی قیامت، ندای اَیْنَ الْمُجِیْبُوْنَ سر می‌دهد
- ۴۴ حدیث ابوذر رضی الله عنه
- ۴۴ افضل عبادتها حب علی علیه السلام است
- ۴۴ دوست داشتن اهل بیت علیهم السلام شرط توحید
- ۴۴ اولین سوال قیامت درباره‌ی محبت به علی علیه السلام است
- ۴۵ محبت به علی علیه السلام محک نَسَب فرزندان
- ۴۵ پر نورترین افراد روز قیامت، محبین علی علیه السلام
- ۴۵ محبت به علی علیه السلام، موجب تحقق حکمت بر زبان
- ۴۵ دست بریدگی دشمن علی علیه السلام روز قیامت
- ۴۶ دشمن علی علیه السلام ملحق به جرگه‌ی یهود و نصاری
- ۴۶ نابودی دشمنان علی علیه السلام

- ۴۶ نابینایی در روز قیامت
- ۴۶ سیر کردن دشمن امیرالمومنین علیه السلام!؟
- ۴۶ محروم شدن از باران به خاطر دشمنی با علی علیه السلام
- ۴۷ دشمنی با علی علیه السلام دشمنی خدا و پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم اوست
- ۴۷ جایگاه اعراف مخصوص علی علیه السلام و شیعیانش
- ۴۷ محافل و مجالس به واسطه‌ی حب علی علیه السلام زینت داده می‌شود
- ۴۷ منابع و مأخذ:
- ۴۸ پاورقی
- ۵۰ درباره مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

چشمه حیات (فضائل امیرالمومنین علیه السلام و شیعیان)

مشخصات کتاب

سرشناسه: ابراهیمی هرستانی، احمد، ۱۳۵۸. عنوان و نام پدیدآور: چشمه حیات، احمد ابراهیمی هرستانی. مشخصات نشر: اصفهان: قائمیه ۱۳۹۰ مشخصات ظاهری: ۱۱۳ ص. وضعیت فهرست نویسی: فیبا یادداشت: کتابنامه: ص. ۱۱۳؛ همچنین به صورت زیرنویس. موضوع: علی بن ابی طالب علیه السلام، امام اول ۲۳ قبل از هجرت - ۴۰ ق. فضائل و مناقب صفحه آرا: عبدالحمید کریمی ناشر مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان مراکز پخش: ۱- اصفهان. خیابان مسجد سید، روبروی خیابان پنج رمضان، مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان ۲- اصفهان. خیابان حکیم، روبروی مسجد حکیم، کتابسرای حکیم ۳- اصفهان. خیابان عبدالرزاق، بازار ریسمان، کتابسرای طیب رده بندی کنگره رده بندی دیویی شماره کتابشناسی ملی

مقدمه

بسم الله الرحمن الرحيم تقدیم به اول مظلوم عالمِ اِمَامِ الْمُتَّقِينَ وَ قَائِدِ الْغُرِّ الْمُحَجَّلِينَ وَ يَعُوبُ الدِّينِ عَلِيَّ ابْنِ أَبِيطَالِبٍ عَلَيْهِ السَّلَام حمد و سپاس خداوندی را که حمد را سر آغاز کتابش و باعث زیاد شدن فضلش و دلیل بر انعام خود قرار داد و سلام بی پایان الهی به شریف‌ترین و عظیم‌ترین بندگان و هادیان بشر، حضرت محمد و آل محمد علیهم السلام که ما را به دین حنیف راهنمایی نمودند. یکی از راه‌های معرفت و شناخت محمد و آل محمد علیهم السلام ورود به اقیانوس فضائل و مناقب آنهاست به طوری که هر کس بدان رسید به علوم و معارف و قدرت عظیم ولایت خواهد رسید. بر این اساس این رساله چشمه‌ای از اقیانوس فضائل امام المومنین و قَائِدِ الْغُرِّ الْمُحَجَّلِينَ - علی بن ابیطالب علیه السلام - است که حیات دهنده به شیفتگان و عاشقان آن حضرت بوده و بر این اوراق تنظیم گردیده است. علاوه بر آن برخی فضائل شیعیان و دوستان آن حضرت را به طور خلاصه اشاره شده است. این مجموعه تلاش کوچکی است در راستای معرفی بخشی از معارف ولایت علوی به محبین آن حضرت علیه السلام. امید است که مورد عنایت ایشان قرار گیرد. در پایان لازم است از همکاری دلسوزانه و مشفقانه سرور ارجمند استاد مکرّم و معزز، جناب حجت‌الاسلام و المسلمین حاج سید مجید نبوی تشکر و قدردانی نمایم که از ابتدای این رساله ما را مرهون یاری و مساعدت خود نمودند. مسکین آل محمد صلی الله علیه و آله و سلم احمد ابراهیمی هرستانی

فضائل و مناقب مخصوص علی علیه السلام

بالاترین فضائل مخصوص علی علیه السلام است

...عَنْ عُمَرَ بْنِ الْخَطَّابِ ... قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آله وَ سَلَمَ: «مَا أَكْتَسَبَ مُكْتَسَبٌ مِثْلَ فَضْلِ عَلِيٍّ، يَهْدِي صَاحِبَهُ إِلَى الْهُدَى وَ يَزِدُّهُ عَنِ الرَّدَى». قَالَ أَخْرَجَهُ الطَّبْرَانِيُّ (۱) از عمر بن خطاب روایت شده است که رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: هیچکس به اندازه علی علیه السلام به کسب فضایل نائل نیامده است، فضائل آن حضرت به اندازه‌ای است که هر کس به حقیقت آن برسد، او را به راه راست هدایت می‌کند و از گمراهی‌های می‌بخشد. «طبرانی» هم این روایت را نقل کرده است. قَالَ مُحَمَّدُ بْنُ مَنْصُورِ الطُّوسِيِّ يَقُولُ؛ سَمِعْتُ أَحْمَدَ بْنَ حَنْبَلٍ يَقُولُ: مَا جَاءَ لِأَحَدٍ مِنْ أَصْحَابِ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آله وَ سَلَمَ مِنَ الْفَضَائِلِ مَا جَاءَ لِعَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ (۲) محمد بن منصور طوسی روایت کرده است که از احمد بن حنبل شنیدم که می‌گفت: فضائلی که برای علی علیه السلام شمارش شده به اندازه‌ای است که برای هیچیک از صحابه‌ی پیغمبر، آنچنان فضائلی

ذکر نشده است. قَالَ ابْنُ عَسَاكِرٍ عَنِ ابْنِ عَبَّاسٍ قَالَ: مَا نَزَلَ فِي أُحُدٍ مِنْ كِتَابِ اللَّهِ تَعَالَى مَا نَزَلَ فِي عَلِيٍّ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَ اخْرَجَ ابْنُ عَسَاكِرٍ عَنِ ابْنِ عَبَّاسٍ قَالَ: نَزَلَ فِي عَلِيٍّ عَلَيْهِ السَّلَامُ ثَلَاثَ مِائَةِ آيَةٍ. (۳) ابن عساکر از ابن عباس نقل کرده است، آیاتی که در قرآن کریم در شأن حضرت علی علیه السلام روایت شده، در باره‌ی هیچ یک از صحابه، نازل نشده است. قَالَ ابْنُ عَبَّاسٍ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّمَ: لَوْ أَنَّ الْبُحْرَ مَدَادٌ وَ الْغِيَاضُ أَقْلَامٌ وَ الْإِنْسُ كُتَّابٌ وَ الْجَنُّ حُسَّابٌ مَا أَحْصَوْا فَضَائِلَكَ يَا أَبَا الْحَسَنِ (۴) ای ابا الحسن! اگر دریاها مرکب، درختان جنگلها قلم، انسانها نویسند و جیتیان حسابگر شوند نمی‌توانند فضائل تو را بشمارند. وَ مِنْ الْمَنَائِقِ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّمَ: أَتَانِي جَبْرَيْلُ وَقَدْ نَشَرَ جَنَاحَيْهِ وَإِذَا عَلِيٌّ أَحَدُهُمَا مَكْتُوبٌ لَأِلَهَ إِلَّا اللَّهُ مُحَمَّدٌ النَّبِيُّ وَ عَلِيٌّ الْآخِرُ مَكْتُوبٌ لَمَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ عَلِيُّ الْوَصِيِّ وَ از کتاب مناقب حدیثی است که پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: جبرئیل در حالی که دو بالش را گسترده بود نزد آمد، بر یکی از دو بالش نوشته شده بود. خدایی جز خدای بی‌همتا نیست، محمد پیامبر است. و بر بال دیگرش، این جمله به چشم می‌خورد: «خدایی جز خدای بی‌همتا نیست، علی علیه السلام وصی و جانشین او می‌باشد.»

اسرار عجیب در زمان ولادت علی علیه السلام

ولادت با سعادت مولی المتقین امام المشارق و المغارب امیرالمؤمنین علی علیه السلام بنا بر معروف در میان فرقه‌ی ناجیه در سال سی‌ام از عام الفیل واقع شده و به همین تاریخ در کتاب شریف اصول کافی تصریح شده است. تولد آن حضرت با سال سی‌ام از ولادت حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم مقارن بود زیرا که آن حضرت، در سال عام الفیل، بعد از پنجاه و پنج روز از هلاکت اصحاب فیل به عالم دنیا، قدم گذارد و عالم را به نور قدوم خود، منور نمود و موافقت می‌کند این تاریخ، با روایتی که نقل شده از حضرت صادق علیه السلام که فاطمه بنت اسد سلام الله علیها که مادر امیر علیه السلام بود نزد ابوطالب علیه السلام شوهرش آمد تا سرور و خوشحالی را با بشارت دادن به ولادت حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم برای او به ارمغان آورد تا فاطمه بنت اسد سلام الله علیها سخن گفت ابوطالب علیه السلام به او گفت: صبر کن یک «سَبْت» تا من هم بشارت بزرگی را به تو بگویم به مولودی از تو، که در همه چیز - به غیر از پیغمبری - مثل و مانند همین مولود (یعنی حضرت رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم) باشد. و «سَبْت» سی سال است و میان ولادت رسول صلی الله علیه و آله و سلم و حضرت امیر علیه السلام، سی سال فاصله شد. و نیز موافق می‌شود با بعضی از تواریخ که مفادش این است که ولادت رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم در سال چهل و دوم سلطنت پادشاهی انوشیروان بود و ولادت حضرت امیر علیه السلام در سال دوازدهم پادشاهی خسرو پرویز، واقع گردید. و همانطور که قبل از ظهور جلوات محمد صلی الله علیه و آله و سلم بشارت‌های بسیاری بر ولادت او بود که علماء تاریخ در کتب خود به طور مبسوط، نوشته‌اند. همانطور نیز قبل از طلوع خورشید علوی، بشارت داده شد به ابوطالب علیه السلام چنانکه جابر انصاری گفت: راهبی به نام مُثَرِّم بن دُعَيْب (۵) که یکصد و نود سال خدای را عبادت نمود و درخواست و سؤالی در این مدت از خدا نکرد. پس از چندی از خدای متعال خواست که دوست خود را به او بنمایاند پس خداوند حضرت ابوطالب را به سوی راهب فرستاد. و راهب تا ابوطالب علیه السلام را دید از آن حضرت از وطنش، قبیله‌اش سؤال کرد و تا شنید از کجاست و از کدام قبیله است به تندی برخاست و سر و صورت مبارک حضرت ابوطالب علیه السلام را بوسید و گفت: الحمد لله که خدا مرا از دنیا نبرد تا دوست خدا را شناختم. ای ابوطالب! بشارت باد تو را که حق تعالی، مرا الهام نمود که بیرون می‌رود از صُلب تو، فرزند پسری که او ولی الله است و نامش علی علیه السلام است و اگر تو او را دریافتی و دیدی، از من به او سلام برسان.

زلزله‌ی شدید هنگام ولادت علی علیه السلام و بر طرف شدن آن با اقرار به ولایت علی علیه السلام

زمانی که فاطمه بنت آسید، امیرالمومنین علیه السلام را در رَجَم خود داشت. زلزله‌ای شدید اهالی مکه را فرا گرفت به طوری که در موقع زلزله، از شدت حرکت زمین، بت‌ها به رو در می‌افتاد و کوه‌ها، از هم متلاشی می‌شد و بر روی زمین می‌ریخت و مردم متوسل به بت‌ها شدند تا شاید رفع زلزله کنند و آنان را از این امر عظیم نجات دهند ولی خبری از نجات نشد، تا آنکه شبی از شبها امر زلزله شدیدتر شد و کار بر اهل مکه بسیار سخت و طاقت فرسا شد آنان تصمیم گرفتند بت‌ها را به جای بلندی ببرند تا شاید موثر واقع شده و زلزله کمتر شود ولی دیدند هیچ مؤثر واقع نشد، ناچار شدند به پیش حضرت ابوطالب علیه السلام آمده، دست تو سل به دامن سید قریش بزنند. حضرت ابوطالب علیه السلام نیز ردای عربی خود را پوشید و با شکوه و عظمتی به بالای کوه رفت و فریاد بلندی زد که همه آن را می‌شنیدند، فرمود: *أيتها الناس! ای مردم در این شب مخلوقی پا به عرصه‌ی زمین می‌گذارد که اگر اطاعت او را، نیت نکنید و اقرار به امامت و ولایت او ننمایید، این زلزله، دست بردار نیست تا زمین را زیر و زبر کند، اهالی مکه همه اقرار بر امامت و ولادت آن حضرت نمودند، پس حضرت ابوطالب علیه السلام دستهای خود را بلند نمود و گفت: «إِلَهِي وَ سَيِّدِي أَسْأَلُكَ بِالْمُحَمَّدِيَّةِ الْمَحْمُودِيَّةِ وَ بِالْعُلُوِيَّةِ الْعَالِيَةِ وَ بِالْفَاطِمِيَّةِ الْبَيْضَاءِ إِلَّا تَفَضَّلْتَ عَلَي تِهَامِيَّةٍ بِالرَّأْفَةِ وَ الرَّحْمَةِ» (۶) پس آن زلزله، تسکین یافت و عرب از آن موقع به بعد عادت و رسم بر این شد تا شدايد عمومی یا خصوصی، آنها را فرا می‌گرفت به همین نَهَج، دعا می‌کردند و دعای آنها مستجاب می‌شد ولی مصداق و مفهوم آن را نمی‌دانستند. و بالجمله، چون امر زایمان فاطمه بنت اسد نزدیک شد، نزد مسجدالحرام آمد. و گفت «پروردگار من، ایمان دارم به تو و تصدیق می‌نمایم به آنچه تو فرستاده‌ای به سوی خلق، از پیامبران و کتاب‌هایی که نازل فرموده‌ای و تصدیق نمودم به کلام جدم ابراهیم، خلیل الرحمان، خدایا به حق آن کسی که بنا کرد این خانه را و به حق این مولودی که در شکم من است، امر ولادت او را بر من، آسان کن». پس در باز شد و فاطمه داخل خانه شد. فاطمه گفت: دیدم چهار تن از زنان عظیمه‌الشان، حواء، مریم، آسیه و مادر موسی علیه السلام و غیر آنها، از زنان بهشتی را. پس به نحوی که در موقع ولادت رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم رفتار نمودند، در این مورد هم، به جا آوردند. چون حضرت علی علیه السلام متولد شد، سجده برای خداوند به جا آورد و شهادتین بر زبان جاری کرد و بر مادرش و زنان بهشتی سلام کرد و در این هنگام آسمان از نور پیشانی‌اش نورانی شد. پس مادرش فاطمه او را کودکی پاکیزه یافت، او را برداشته از خانه‌ی کعبه بیرون آمد. در خانه‌ی حق، علی چون آمد به وجود صد گونه شرف بر شرف کعبه فزود تبریک فرستاد خدایش به درود کز خلقت خانام همین بُد مقصود*

اتفاق عجیب در غسل دادن علی علیه السلام هنگام تولدش

به روایتی میان پدر و مادر در تسمیه‌ی نام علی علیه السلام صحبت و مجادله‌ای در افتاد و بعد از چند روز به درب حرم آمدند و مادر امیرالمؤمنین علیه السلام رو به سوی آسمان کرده، چیزی آغاز کرد که یک بیتش این است: *بَيْنَ لَنَا بِحُكْمِكَ الْمَرْضَى مَا ذَا تَرَى مِنْ هَذَا الصَّبِيِّ يَعْنِي الْهَي، حَكَمَ فَرَمَا أَنْجَحَ رَضَايَ تَوَسَّطَ دَرِ نَامِ اِن كُودَك، نَاكَاهَ اَز بَام خَانَهِي كَعْبَه اَبِيَاتِي رَسِيَد كَه هَاتَفِي مِي خَوَانَد وَ اَن اَبِيَات يَك بِيْتَش اِن اَسْت: فَاسْمُهُ مِنْ شَامِيخِ عَلِيٍّ عَلِيٍّ اَشْتَقُّ مِنَ الْعَلِيِّ نَام بَلَنَد اَو عَلِي اَسْت، عَلِي اَز عَلِي مَشْتَق اَسْت.* سپس پیامبر فرمودند: کجاست آن مولود؟ او را از غایت محبت و نهایت شفقت از گهواره بیرون آورده، آبی طلب نموده به دست حق پرست خود شستن را آغاز کرد، چون طرف راست حضرت علی علیه السلام را شست، خود به خود بدن مبارک علی علیه السلام به طرف چپ مایل شد بی‌آنکه پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم آن سرور را بگردانند. به وقت غسل از آن گشت از بری به بری که زحمتی نکشد دست حضرت از بر او پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم چون این حال را مشاهده کرد، آنقدر گریست که محاسن مبارکش از آب دیده تر شد. مادر امیرالمؤمنین و حضرت ابوطالب علیهما السلام رو به پیغمبر کرده، گفتند: یا رسول الله! سبب گریه‌ی شما چیست؟ گفت: می‌بینم این کودک مرا غسل می‌دهد، من هم در پیش او می‌گردم بی‌آنکه مرا بگردانند: در روز

اول علی را من غسل دادم، روز آخر او مرا غسل خواهد داد. چون از غسل دادن فارغ شد مدت مزیدی زبان در دهان علی علیه السلام گذاشت، از این رو گوشت و پوست و خون علی علیه السلام از پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم روید. حال آیا کسی که اینچنین تولدش با عظمت و شوکت تمام، توسط اول سیرورِ عالمین، حبیب خدا غسل داده شده و مورد احترام قرار گیرد افضل بشر نخواهد بود، چه کسی است از صحابه‌ی پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم که این گونه مورد احترام و عظمت واقع شده باشد؟ (۷)

اولین چیزی که امیرالمؤمنین علی علیه السلام میل کردند، آب دهان با برکت رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم بود

در صحاح اخبار به تواتر رسیده است که در ابتدا، هر چه مادرش، فاطمه بنت اسد سلام الله علیها می خواست او را شیر دهد، پستان در دهانش می گذاشت، ولی آن حضرت قبول نکرده گریه آغاز می نمود، مدتی بر این نهج بود، چون خبر به سرور کائنات رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم رسید آمد و در کنارش قرار گرفت و زبان در دهانش نهاد و بعد از مکیدن زبان، شیر مادر خورد. المقصود به هر وجه اول چیزی که امیرالمؤمنین علی علیه السلام خورد لعاب دهان با برکات آن سرور است و از میمنت ترشحات لعاب آن نبی که سرچشمه‌ی اسرار «وَمَا يَنْطِقُ عَنِ الْهَوَىٰ بَعْدَ بَرْتَبِهَا دَانَا شَدَّ كَبْرًا بِرْمَبْرَمٍ فَرَمُودًا: سَلُونِي عَمَّا دُونِ الْعَرْشِ

علی علیه السلام هنگام تولد، به جز بر پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم چشمش را بر هیچ کس دیگر باز نکرد

چون علی علیه السلام متولد شد، ابو جهل به سرعت خود را به مسجدالحرام رسانید و خواست در چشم امیرالمؤمنین علی علیه السلام سرمایه بکشد هر چند تلاش کرد نتوانست انگشتان خود را بر چشم امیرالمؤمنین علی علیه السلام گذاشته، نتوانسته چشمان مولا را باز نماید در آن حال، با قوت الهی، دستان امیرالمؤمنین علی علیه السلام چنان سیلی بر صورت ابو جهل گذاشت که بر زمین افتاد و گردنش کج شد و آن ناراست تا آخر عمرش بود و ناراستی آن لعین به خلق عالم می نمود. مادر امیرالمؤمنین علی علیه السلام از این معنی اندوهگین گشته گفت: ای فرزند دلبندم چرا دیده نمی گشایی و نظری به عالم نمی فرمایی؟ در این حال الهام یک مَلَكٌ به سید انام - حضرت محمد صلی الله علیه و آله و سلم - رسید که: «ابن عم تو متولد شده، بشتاب و او را دریاب.» آن حضرت در مسجدالحرام آمد و علی علیه السلام را در دامن گرفت، در آن لحظه، امیرالمؤمنین علی علیه السلام تا بوی گیسوی مشکبار محبوب آفریدگار به مشامش رسید، دیده بر جمال جهان آرای او گشود و سلام و تحیت او به جا آورده، او را ستود و سُرْمه‌ی «مَا زَاغَ الْبَصَرُ» در دیده‌ی آن کشید. (۸) به جز رسول بر روی کسی نظر نگشاد که از ازل نظری داشته به منظر او

علاقه‌ی مخصوص پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم به علی علیه السلام هنگام تولد علی علیه السلام

قَالَ: فَوُلِدَتْ عَلِيًّا يَوْمَ الْجُمُعَةِ الثَّلَاثِ عَشَرَ مِنْ رَجَبٍ سِنَةَ ثَلَاثِينَ مِنْ عَامِ الْفِيلِ وَلَمْ يُوَلَدْ قَبْلَهُ وَلَا بَعْدَهُ مَوْلُودٌ فِي بَيْتِ اللَّهِ الْحَرَامِ سِوَاهُ إِكْرَامًا مِنَ اللَّهِ جَلَّ اسْمُهُ وَإِجْلَالًا لِمَحَلِّهِ فِي التَّعْظِيمِ وَكَانَ يَوْمَئِذٍ لِرَسُولِ اللَّهِ مِنَ الْعَمْرِ ثَلَاثُونَ سَنَةً فَأَحْبَبَّهُ رَسُولُ اللَّهِ حُبًّا شَدِيدًا وَقَالَ لَهَا اجْعَلِي مَهْدَهُ بَقْرَبِ فِرَاشِي. وَكَانَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ يَتَوَلَّى أَكْثَرَ تَرْبِيَّتِهِ وَكَانَ يُطَهِّرُ عَلِيًّا فِي وَقْتِ غَسَلِهِ وَيُوجِرُهُ اللَّبْنَ عِنْدَ شُرْبِهِ وَيَحْرُكُ مَهْدَهُ عِنْدَ نَوْمِهِ وَيُنَاغِيهِ فِي يَقْظَتِهِ وَيَحْمِلُهُ عَلَى صَدْرِهِ وَيَقُولُ: هَذَا أَخِي وَوَلِيِّي وَنَاصِرِي وَصَفِيِّي وَخَلِيفَتِي وَكَهْفِي وَنَاطِرِي وَوَصِيِّي وَزَوْجُ كَرِيمَتِي وَآمِنِي عَلَى وَصِيَّتِي. وَكَانَ يَحْمِلُهُ عَلَى كَتِفِهِ دَائِمًا وَيَطُوفُ بِهِ فِي جِبَالِ مَكَّةَ وَشِعَابِهَا وَأَوْدِيَّتِهَا. (۹) راوی گوید: علی علیه السلام در روز جمعه، سیزدهم ماه رجب، سی سال پس از «عام الفیل» دیده به جهان گشود و پیش از او و پس از او هیچکس در خانه‌ی خدا متولد نشد، تا خداوند به این وسیله، عظمت و مقام او را بنمایاند. هنگام تولد علی علیه السلام، سی سال از عمر مبارک پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم گذشته بود و سخت علی علیه السلام را دوست می داشت و دستور داد تا گهواره‌ی او را در کنار بسترش قرار دادند و بیشتر اوقات تربیت و حضانت او به دست مبارک پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم

صورت می گرفت و هنگام نیاز، بدنش را می شست و در موقع خوردن شیر، او را در پناه خود می گرفت و گهواره‌اش را می جنبانید و در بیداری سرگرمش می کرد و او را به سینه‌ی خود می گرفت و می فرمود: «او برادر و ولی و یاری کننده و برگزیده و جانشین و ملجأ و چشم و وصی و همسر دخت و امین وصیت من است.» پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم همیشه او را بر دوش خود سوار می کرد و به کوهها و دره‌ها و بیابانهای اطراف مکه می برد.

خداوند بر زبان علی علیه السلام سخن گفت

مِنْ كِتَابِ الْمَنَاقِبِ لِلْخَوَارِزْمِيِّ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ عُمَرَ قَالَ: «سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ وَقَدْ سُئِلَ بِأَيِّ لُغَةٍ خَاطَبَكَ رَبُّكَ لَيْلَةَ الْمِعْرَاجِ؟ فَقَالَ: خَاطَبَنِي بِلُغَةِ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ فَأَلْهَمَنِي أَنْ قُلْتُ يَا رَبِّ خَاطَبْتَنِي أَمْ عَلِيٌّ؟ فَقَالَ: يَا أَحْمَدُ أَنَا شَيْءٌ لَيْسَ كَالْأَشْيَاءِ وَلَا أَقَاسُ بِالنَّاسِ وَلَا أَوْصَفُ بِالْأَشْيَاءِ خَلَقْتَكَ مِنْ نُورِي وَخَلَقْتُ عَلِيًّا مِنْ نُورِكَ فَاطَّلَعْتُ عَلَيَّ سِرَّائِرَ قَلْبِكَ فَلَمْ أَجِدْ إِلَيَّ قَلْبَكَ أَحَبَّ مِنْ عَلِيٍّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ، فَخَاطَبْتُكَ بِلِسَانِهِ كَيْ يَطْمَئِنَّ قَلْبُكَ (۱۰)» در مناقب خوارزمی از عبدالله بن عمر روایت شده که گفت: «از پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم شنیدم در پاسخ کسی که از او پرسید خدا در شب معراج با چه زبانی با تو سخن گفت؟ فرمود: با زبان علی علیه السلام، پس به من الهام شد و گفتم خدایا مرا خطاب ساختی یا علی علیه السلام را؟ فرمود: ای احمد صلی الله علیه و آله و سلم من شیئی هستم نه چون اشیاء و با مردم مقایسه نمی‌گردم و با اشیاء توصیف نمی‌شوم ولی تو را از نور خویش و علی علیه السلام را از نور تو آفریدم و به رازهای دلت نگاه کردم، دیدم محبوب‌تر از علی علیه السلام در دلت نیست، لذا با زبان او مخاطبت ساختم، تا دلت آرام گیرد.»

گفتگوی خداوند با پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم در مورد علی علیه السلام

وَمِنَ الْمَنَاقِبِ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ: لَمَّا أُشْرِيَ بِي إِلَى السَّمَاءِ إِلَى سِدْرَةِ الْمُنْتَهَى وَقَفْتُ بَيْنَ يَدَيْ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ فَقَالَ يَا مُحَمَّدُ قُلْتُ لَيْبِكَ وَسِعْدَيْكَ قَالَ قَدْ بَلَوْتُ خَلْقِي فَأَيُّهُمْ رَأَيْتُ أَطْوَعَ لَكَ قُلْتُ رَبِّ عَلِيًّا قَالَ صِدَقْتَ يَا مُحَمَّدُ فَهَلِ اتَّخَذْتَ لِنَفْسِكَ خَلِيفَةً يُودِي عَنْكَ وَيُعَلِّمُ عِبَادِي مِنْ كِتَابِي مَا لَا يَعْلَمُونَ قَالَ قُلْتُ رَبِّ اخْتَرْ لِي إِنْ خَيْرَ تَكَ خَيْرَتِي قَالَ قَدْ اخْتَرْتُ لَكَ عَلِيًّا فَاتَّخِذْهُ لِنَفْسِكَ خَلِيفَةً وَوَصِيًّا وَنَحْلُتُهُ عِلْمِي وَحِلْمِي وَهُوَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ حَقًّا لَمْ يَبْلُغْهَا أَحَدٌ قَبْلَهُ وَلَيْسَتْ لِأَحَدٍ بَعْدَهُ يَا مُحَمَّدُ عَلِيٌّ رَأِيَهُ الْهُدَى وَإِمَامٌ مِنْ أَطَاعِنِي وَنُورٌ أَوْلِيَّائِي وَهُوَ الْكَلِمَةُ الَّتِي أَلْزَمْتُهَا الْمُتَّقِينَ مَنْ أَحَبَّهُ فَقَدْ أَحْبَبَنِي وَمَنْ أَبْغَضَهُ فَقَدْ أَبْغَضَنِي لَوْ لَا عَلِيٌّ لَمْ يُعْرِفْ حِزْبِي وَلَا أَوْلِيَّائِي (۱۱)» در مناقب می‌نویسد: پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: چون مرا به آسمان سیر دادند رسیدم تا سدره المنتهی جایی که ایستادم در پیشگاه خدا عز و جل پس خداوند متعال فرمود: ای محمد! گفتی: لَبَّيْكَ وَ سَعْدَيْكَ، فرمود: مخلوقین مرا آزموده‌ای، کدامیک از آنان، تابع‌ترند، برای تو؟ گفتم خدایا! علی علیه السلام، فرمود: راست گفتمی ای محمد صلی الله علیه و آله و سلم آیا برای خود خلیفه‌ای برگزیده‌ای که از طرف تو (وظیفه) را ادا کند؟ و کتابم را به بندگانم در مواردی که نمی‌دانند آموزش دهد؟ گفتم خدایا تو انتخاب کن برای من، چون انتخاب تو به انتخاب من است؟ فرمود: علی علیه السلام را برایت برگزیدم، پس او را برای خود، خلیفه و وصی بدان و علم و حلم خود را به او می‌آموزیم و او حقاً امیرالمؤمنین است و کسی به این مقام پیش از او نرسیده و پس از او هم نخواهد رسید، ای محمد صلی الله علیه و آله و سلم علی پرچم هدایت و پیشوای کسی است که مرا اطاعت کند و نور اولیای من است و او همان کلمه‌ای است که بر پرهیزکاران واجب کرده‌ام، کسی که او را دوست بدارد مرا دوست داشته و کسی که او را دشمن بدارد مرا دشمن داشته اگر علی علیه السلام نباشد، حزب و اولیای من شناخته نمی‌گردد.

خدای متعال نزد فرشتگان به علی علیه السلام افتخار می‌کند

ابوالحسن فقیه بن شاذان در مناقب الاثمه علیهم السلام از طریق عامه با استناد از امام جعفر صادق علیه السلام از محمد باقر علیه السلام از امام سجاد علیه السلام از امام حسین علیه السلام روایت کرده است که شنیدم رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند: صبح امروز جبرئیل امین علیه السلام بر من نازل شد در حالی که خوشحال و مسرور بود. از او سؤال کردم: به چه علت مسرور و خوشحال هستی؟ جواب داد: ای محمد! چگونه خوشحال و مسرور باشم، همانا تو توسط برادر و وصی و امام امت علی بن ابیطالب علیه السلام پیروز شدی. همانا دیشب خدای تبارک و تعالی به خاطر عبادت کردن علی علیه السلام نزد فرشتگان و حاملان عرش به ایشان افتخار کرد و فرمود: ای فرشتگان من! به حجت من در زمین بعد از پیامبرم - محمد صلی الله علیه و آله و سلم - نگاه کنید، همانا صورت خود را برای تواضع نزد من و عظمت من به خاک می‌مالد، پس ای فرشتگان من! شما را شاهد می‌گیرم که او امام خلق من و ولی آنهاست. (۱۲)

سجده پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم به خاطر علاقه‌ی خاص خداوند به علی علیه السلام

«شیخ بُرْسَی» با استفاده از ابن عباس روایت کرده است: روزی پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم آب خواستند در حالی که حضرت علی علیه السلام و فاطمه زهرا سلام الله علیهما و امام حسن علیه السلام و امام حسین علیه السلام نزد ایشان بودند. پس برای ایشان آب آوردند و از آن نوشیدند. سپس به امام حسن علیه السلام تعارف کردند و ایشان نیز آب نوشیدند و پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم به ایشان فرمودند: «هَئِنَا مَرِيئًا يَا أَبَا مُحَمَّدٍ» نوش جان باشد! پس به امام حسین علیه السلام تعارف کردند و ایشان نیز از آن آب نوشیدند و پیامبر نیز به ایشان فرمودند: «گوارا باشد بر جانت ای اباعبدالله!» سپس به فاطمه سلام الله علیها تعارف کردند و ایشان نیز از آن آب نوشیدند و پیامبر نیز به ایشان فرمودند: «گوارا باشد بر تو ای فاطمه ای سرور زنان عالم.» پس آب را به علی علیه السلام دادند و ایشان نیز نوشیدند. پس یکباره سجده کردند. بعضی از زنان ایشان عرض کردند: یا رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم به حسن و حسین علیهما السلام و فاطمه زهرا سلام الله علیها آب دادی و به آنها فرمودی: «هَئِنَا مَرِيئًا» اما وقتی به علی علیه السلام آب دادی سجده کردی، چرا؟! ایشان فرمودند: وقتی من آب نوشیدم شنیدم، جبرئیل و فرشتگان به من گفتند: گوارا باشد بر تو ای رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم. آنگاه که حسن علیه السلام آب نوشید جبرئیل امین علیه السلام و فرشتگان به او نیز همان را گفتند که به من گفته بودند من هم همان را به حسن علیه السلام گفتم و وقتی حسین و فاطمه سلام الله علیهما آب نوشیدند شنیدم جبرئیل امین و فرشتگان نیز به آنها می‌گفتند: گوارا باشد بر جانتان، اما وقتی به علی علیه السلام آب دادم شنیدم خدای تبارک و تعالی فرمودند: «هَئِنَا مَرِيئًا يَا وَلِيَّيَّ وَ حُجَّتِي عَلَى خَلْقِي» گوارا باشد بر تو ای ولیم و حجت بر خلقم به من به خاطر همین سجده کردم و خدا را به خاطر نعمتی که برای اهل بیتم فرستاده است شکر کردم. (۱۳)

علی علیه السلام قلب خدا است که در بر دارنده‌ی اسرار است

شیخ صدوق «قدس سرّه» از امام صادق علیه السلام و آن حضرت از امیرالمؤمنین علی علیه السلام نقل کرده است که فرمود: أَنَا عِلْمُ اللَّهِ وَ أَنَا قَلْبُ اللَّهِ الْوَاعِي وَ لَيْسَ أُنُ اللَّهِ النَّاطِقُ وَ عَيْنُ اللَّهِ النَّاطِرُ وَ أَنَا جَنْبُ اللَّهِ وَ أَنَا يَدُ اللَّهِ (۱۴) من مظهر و نمایش دهنده‌ی علم خداوندم و قلب خدا هستم که اسرار و علوم خود را در آن نگهداشته است، لسان گویای پروردگار و چشم بینای او هستم و من جَنْبُ اللَّهِ یعنی جانب او هستم که تمام خلق امر شده‌اند به آن جانب توجه کنند و قرب خداوند جز با تقرب به من برای کسی حاصل نشود و من دست توانای حق تعالی می‌باشم. نسبت‌هایی که در حدیث ذکر شده است جنبه احترامات والای امیرالمؤمنین

علیه السلام است و گرنه ذات مقدس الهی پاک و منزّه، از داشتن اعضاء و اجزاء است.

امر ملا اعلی بر عهده‌ی علی علیه السلام است

مُقَدَّاد بن أَشْوَد نقل می‌کند: امیرالمؤمنین علی علیه السلام فرمودند...: «أَنَا حُجَّةُ اللَّهِ عَلَى خَلْقِهِ مِنْ أَهْلِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَمَا فِي السَّمَاءِ مَلَكٌ يَخْطُو قَدَمًا عَنْ قَدَمِ إِبْرَاهِيمَ بْنِ أَبِي ذَرٍّ وَفِي يَزْتَابِ الْمُبْطُلُونَ» (۱۵) من حجت خدا بر تمام خلق از اهل آسمانها و زمین هستم و در آسمانها فرشته‌ای قدم از قدم بر نمی‌دارد مگر به اجازه‌ی من و درباره‌ی من اهل باطل به شک و تردید افتادند.

هیچکس از آفریدگان با او مقایسه نشود

مُحَمَّد بن أَبِي الْفَوَارِسِ در کتاب «اربعین» می‌نویسد: «حدیثی از عایشه نقل شده که گوید: من شخصی را در نزد رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم محبوب‌تر از علی و فاطمه سلام الله علیهما ندیدم. آنگاه سخن خود را چنین ادامه می‌دهد: روزی در حضور پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم بودم که حضرت فاطمه سلام الله علیها رو به پیامبر کرد و عرض نمود: جانم فدای تو ای رسول خدا! درود خدا بر تو باد، برای من چه فضیلتی است؟ رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: يَا فَاطِمَةُ! أَنْتِ خَيْرُ النِّسَاءِ فِي الْبَرِّيَّةِ وَأَنْتِ سَيِّدَةُ نِسَاءِ أَهْلِ الْجَنَّةِ وَأَهْلِهَا. ای فاطمه! تو بهترین زنان در میان آفریدگانی و تو بانوی بانوان بهشتی و اهل بهشت هستی. فاطمه سلام الله علیها عرض کرد: ای رسول خدا! چه فضیلتی برای پسر عمویت است؟ رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: «لَمَّا يُقَاسُ بِهِ أَحَدٌ مِنْ خَلْقِ اللَّهِ. کسی از آفریدگان خدا با او مقایسه نمی‌شود.» فاطمه سلام الله علیها عرض کرد: برای دو فرزندم - حسن و حسین علیهما السلام - چه فضیلتی است؟ رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: هُمَا وَلَدَايَ سَبْطَايَ وَ رِيحَاتَايَ أَيَّامَ حَيَاتِي وَ بَعْدَ وَفَاتِي. آنان فرزندان من و نوادگان و دو گل ریحان من در دوران زندگی و پس از وفاتم هستند. عایشه گوید: در این بین که آن دو مشغول حرف زدن بودند ناگاه علی علیه السلام آمد، رو به پیامبر خدا کرد و فرمود: پدر و مادرم فدای تو باد ای رسول خدا! درود خدا بر تو باد! نظر شما درباره‌ی من چیست؟ رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: ای علی! من، تو، فاطمه سلام الله علیها حسن و حسین علیهما السلام در بهشت در قصری از دُر خواهیم بود، این قصر در زیر عرش خداوند متعال است که اساس آن از رحمت و پیرامونش از رضوان است. يَا عَلِيُّ! بَيْنَكَ وَ بَيْنَ نُورِ اللَّهِ بَابٌ فَتَنْظُرُ إِلَيْهِ وَ يَنْظُرُ إِلَيْكَ وَ عَلَى رَأْسِكَ تَاجٌ مِنْ نُورٍ، قَدْ أَضَاءَ نُورُهُ مَا بَيْنَ الْمَشْرِقِ وَ الْمَغْرِبِ وَ أَنْتَ تَزُفُّ فِي حَلْلِ حُمْرٍ وَرْدِيَّةٍ وَ خَلَقَكَ وَ خَلَقَنِي رَبِّي وَ خَلَقَ مَجِئِنَا مِنْ طِينِهِ تَحْتَ الْعَرْشِ وَ خَلَقَ مُبِغْضَةً مِنَّا مِنْ طِينِهِ الْخَبَالِ ای علی! بین تو و بین نور خدا دری است که تو به آن نگاه می‌کنی و آن به تو، بر سر تو تاجی از نور است که نورش میان شرق و غرب عالم را روشن می‌کند، تو در میان لباس‌هایی که به رنگ گل سرخ است افتخار می‌نمایی. پروردگارت تو و مرا آفریده است و دوستان ما را از طینت زیر عرشی آفریده و دشمنان ما را از گل چرکین اهل دوزخ آفریده است. (۱۶)

حضرت علی علیه السلام در آسمان هفتم همچون خورشید برای اهل آنجا می‌درخشد

سَلِيم بن قَيْس از رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم نقل کرده که آن حضرت فرمود: علی علیه السلام در آسمان هفتم برای اهل آنجا می‌درخشد همانطور که خورشید برای اهل زمین فروزندگی دارد و در آسمان دنیا برای اهل زمین همانند ماه است در شب تاریک و در ادامه فرمود: أُعْطِيَ اللَّهُ عَلِيًّا عَلَيْهِ السَّلَامُ مِنَ الْفَضْلِ جُزْءًا لَوْ قَسَمَ عَلَى أَهْلِ الْأَرْضِ لَوْسِيَعَهُمْ وَ أَعْطَاهُ مِنَ الْفَهْمِ جُزْءًا لَوْ قَسَمَ عَلَى أَهْلِ الْأَرْضِ لَوْسِيَعَهُمْ اِسْمُهُ مَكْتُوبٌ عَلَى كُلِّ حِجَابٍ فِي الْجَنَّةِ بَشَّرَنِي بِهِ رَبِّي. خداوند به حضرت علی علیه السلام به اندازه‌ای فضیلت بخشیده است که اگر بر اهل عالم تقسیم شود همه را کفایت می‌کند و به اندازه‌ای علم و دانش به او عطا کرده

است که اگر بر افراد روی زمین تقسیم شود همه را کفایت می‌کند یعنی همگی عالم می‌شوند نام او بر همه پرده‌های بهشت نگاشته شده است پروردگرم مرا به وجودش مزده داد» (۱۷...)

سلام خداوند متعال بر علی علیه السلام

ابراهیم نخعی می‌گوید: چون پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم به معراج رفتند، هاتفی در آسمانها ندا داد: ای محمد، خداوند عزوجل همیشه بر تو سلام دارد و می‌گوید: أَفْرَأُ عَلِيَّ بْنَ أَبِيطَالِبٍ مَنِّي السَّلَامَ سلام مرا به علی بن ابیطالب برسان. (۱۸)

هدیه‌ی خداوند متعال به علی علیه السلام

در مصابیح القلوب و سیره‌ی النبی و کفایه المؤمنین از امام حسین علیه السلام مروی است که گفت: «روزی پدر من کنار فرات رفت جهت غسل در آب شد. ناگاه موجی برآمده پیراهنش برد. چون بیرون آمد، هاتفی گفت: «أَنْظُرُ عَنْ يَمِينِكَ وَ أَخَذُ مَا تَرَى». چون نگاه کرد پیرهنی دید در دیبایی پیچیده، فرا گرفت. رقعته‌ای از گریبانش افتاد که بر او نوشته بود: «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ هَذِهِ هَدِيَّةٌ مِنَ اللَّهِ الْعَزِيزِ الْحَكِيمِ إِلَى عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ هَذَا قَمِيصٌ يورث عِمْرَانَ كَذَلِكَ وَأَوْرَثْنَاهَا قَوْمًا آخَرِينَ». یعنی، این تحفه‌ای است از خداوند عزیز حکیم به سوی علی بن ابیطالب علیه السلام، این هدیه، قمیص است که ارث داده شده است عمران علیه السلام را، همچنین میراث می‌دهم او را به قومی دیگر. (۱۹)

سه هزار منقبت در یک شب

شیخ صدوق رَحْمَةُ اللَّهِ عَلَيْهِ در کتاب «أَمَالِي» از سعید بن جبیر نقل کرده است که گفت: نزد ابن عباس آمدم و به او گفتم: ای پسر عمومی رسول خدا آمده‌ام تا از تو درباره‌ی علی بن ابیطالب علیه السلام و اختلاف مردم نسبت به او سؤال کنم. فرمود: ای پسر جبیر، آمدی تا از کسی که در یک شب سه هزار منقبت برای او حاصل شده، سؤال کنی؟ آمدی تا از وقتی رسول خدا و جانشین او و صاحب حوض و پرچم و شفاعت سؤال کنی؟ سپس فرمود: به حق کسی که محمد صلی الله علیه و آله و سلم را ختم رسولان اختیار کرد از آغاز خلقت تا انتهای آن همگی که بنویسند نمی‌توانند یک دهم از فضائلی را که خدا به او مرحمت کرده، بنویسند. مراد از آن شبی که در کلام ابن عباس ذکر شد و سه هزار منقبت برای علی علیه السلام است، شب هفدهم ماه مبارک رمضان است که «لَيْلَةُ الْقَرِيْبَةِ» نامیده شده و جنگ بدر در فردای آن واقع شده است و سید حمیری رَحْمَةُ اللَّهِ عَلَيْهِ در اشعار خود به آن اشاره کرده است، می‌گوید: ذَاكَ الَّذِي سَلَّمَ فِي لَيْلَةٍ عَلَيْهِ مِيكَالٌ وَ جَبْرِيْلُ مِيكَالُ فِي أَلْفٍ وَ جَبْرِيْلُ فِي أَلْفٍ وَ يَتْلُوهُمْ سَرَّافِيْلُ لَيْلَةَ بَدْرٍ مَدَدًا أَنْزَلُوا كَانَتْهُمْ طَيْرٌ أَبَابِيْلُ فَسَلَّمُوا لَمَّا أَتَوْا حُدُوْدَهُ وَ ذَاكَ إِعْظَامٌ وَ تَبَجِيْلُ (۲۰) و او کسی است که سلام کرده است در یک شب، بر او میکائیل و جبرئیل. میکائیل در میان هزار فرشته و جبرئیل در میان هزار فرشته و به دنبال آنها اسرافیل در میان هزار فرشته در شب جنگ بدر به عنوان یاری و کمک اینها نازل شدند، همانند ابرهای پرنده‌های ابابیل که بر لشگر ابرهه فرود آمدند. پس همگی سلام کردند چون بر قدمهای او فرود آمدند و این به خاطر احترام بزرگداشت آن حضرت بوده است.

برکت در نسل اسماعیل علیه السلام، به واسطه‌ی علی علیه السلام

قَالَ اللَّهُ تَعَالَى لِأِبْرَاهِيمَ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَ أَمَّا إِسْمَاعِيْلُ فَقَدْ سَمِعْتُ دُعَاءَكَ فِيهِ وَ قَدْ بَارَكْتُهُ وَ سَأْتُمُرُهُ وَ أَكْتَبْتُه جِدًّا جِدًّا وَ أَجْعَلُ مِنْهُ اثْنَيْ عَشَرَ شَرِيْفًا يُوَلِّدُ وَ أَجْعَلُهُ حِرْبًا عَظِيْمًا خدای متعال به ابراهیم علیه السلام فرمود دعای تو را درباره‌ی فرزندان اسماعیل شنیدم، وجود او را، بر برکت ساخته و او را به ثمر خواهم رساند و از وی دوازده فرزند که نسل پاکت را گسترش داده و در نهایت امتی بزرگ از

صالحان و نیکوکاران پدید آورند، به وجود خواهم آورد. تردیدی نیست که علی علیه السلام یکی از آن ستارگان درخشان دوازده گانه است. (۲۱) و این فضیلتی است که هیچ کس با او همتا نخواهد بود.

اساس بعثت انبیاء علیهم السلام ولایت علی علیه السلام

«رَوَى أَحَطَبُ خُوَارِزْمٍ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ مَسْعُودٍ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ يَا عَبْدَ اللَّهِ أَتَانِي مَلَكٌ فَقَالَ يَا مُحَمَّدُ سَلْ مَنْ أَرْسَلْنَا قَبْلَكَ مِنْ رُسُلِنَا عَلَى مَا بُعِثُوا قَالَ قُلْتُ عَلَى مَا بُعِثُوا قَالَ عَلَى وَوَلَايَةِ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ». (۲۲) خطیب خوارزم از عبدالله بن مسعود بازگو نموده که گفت: فرشته‌ای نزد من آمد و پیامی از سوی خداوند آورد که فرمود: ای محمد! از پیامبرانی که قبل از تو مبعوث شدند، سؤال کن که برای چه مبعوث شدند؟ گفتم: شما بگوئید برای چه مبعوث گردیدند؟ در جوابم گفت: اساس مأموریت و بعثت آنها، بر ولایت تو و علی بن ابیطالب علیه السلام استوار بوده است.

قبل از خلقت آسمان و زمین، درب بهشت آشنا با نام علی علیه السلام بود

مِنْ كِتَابِ الْمَنَاقِبِ عَنْ جَابِرِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ الْأَنْصَارِيِّ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ: مَكْتُوبٌ عَلَيَّ بَابِ الْجَنَّةِ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ أَخُو رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ قَبْلَ أَنْ يَخْلُقَ اللَّهُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ بِالْفَيْ عَامٍ (۲۳) و در کتاب مناقب از جابر بن عبدالله انصاری روایتی است که رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: دو هزار سال پیش از خلقت آسمان و زمین (با قلم قضا) بر درب بهشت نوشته شده بود محمد صلی الله علیه و آله و سلم رسول و پیامبر خداست و علی بن ابیطالب علیه السلام برادر اوست.

خداوند با پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم درباره‌ی علی علیه السلام پیمان بسته است

عَنْ أَبِي بَرْزَةَ عَنِ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ: إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَتَعَالَى عَهْدَ إِلَيَّ فِي عَلِيٍّ عَهْدًا قُلْتُ يَا رَبِّ بَيْنَهُ لِي فَقَالَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ اسْتَمِعْ قُلْتُ سَمِعْتُ قَالَ إِنَّ عَلِيًّا رَأْيُهُ الْهُدَى وَإِمَامٌ أَوْلِيَانِي وَنُورٌ مِنْ أَطَاعِنِي وَهُوَ الْكَلِمَةُ الَّتِي أَلْزَمْتُهَا الْمُتَّقِينَ مَنْ أَحَبَّهُ أَحْبَبَنِي وَمَنْ أَطَاعَهُ أَطَاعَنِي فَبَشَّرُهُ بِذَلِكَ قَالَ فَبَشَّرْتُهُ فَقَالَ عَلِيُّ أَنَا عَبْدُ اللَّهِ وَفِي قَبْضَتِهِ فَإِنْ يُعَذِّبُنِي فَبِدْنِي وَلَنْ يظلمني وَإِنْ يُتِمَّ الَّذِي بَشَّرَنِي بِهِ فَاللَّهُ أَوْلَى بِهِ قَالَ فَقُلْتُ اللَّهُمَّ أَجِزْ لِقَلْبِهِ وَاجْعَلْ رُبَيْعَهُ الْإِيمَانَ بِحُكِّ فَقَالَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ قَدْ فَعَلْتُ ذَلِكَ ثُمَّ إِنَّ اللَّهَ عَهْدَ إِلَيَّ أَنِّي أَسِيخِضُهُ مِنَ الْبَلَاءِ مَا لَا أَحْضُ بِهِ أَحَدًا مِنْ أَصِحَابِكَ فَقُلْتُ يَا رَبِّ أَخِي وَصَاحِبِي فَقَالَ اللَّهُ إِنَّ هَذَا أَمْرٌ قَدْ سَبَقَ أَنَّهُ مُبْتَلَى وَمُتَبَلَى بِهِ (۲۴) ابو بَرَزَةَ از پیامبر نقل کرد که حضرت فرمودند: خدای متعال درباره‌ی علی علیه السلام بر من عهد و پیمانی بسته است. گفتم: پروردگارا برایم او را بیان بنما. خدای با قدرت و بزرگ فرمود: بشنو. گفتم: شنیدم. فرمود: علی علم هدایت و پیشوای دوستان من و روشنایی کسی است که مرا اطاعت کند و او همان کلمه‌ای می‌باشد که پرهیزکاران بر خود لازم کرده‌اند، هر که او را دوست بدارد مرا دوست داشته و هر که او را اطاعت کند مرا اطاعت کرده است پس به او مژده بده. پیامبر گفت: به او مژده دادم و علی گفت: من بنده‌ی خدا و در قبضه‌ی قدرت او هستم اگر مرا عقوبت کند به سبب گناه من است و بر من ستم نکرده است و اگر آن چه را که به من بشارت داده، تمام کند، خدا به او سزاوارتر است. گفتم: خدایا قلب او را روشنی ده و بهار او را ایمان به خود قرار بده پس خدای با قدرت و بزرگ فرمود: به تحقیق آن چه را که خواستی پذیرفتم. پس به درستی که خدا بر من پیمانی بسته که امتحان سنگینی را به او اختصاص دهم که به هیچ یک از اصحاب خودم اختصاص نداده‌ام. پس گفتم: ای پروردگارا من، علی، برادر و رفیق من است. خداوند فرمود: به تحقیق این امری است که گذشته است که او خود امتحان می‌شود و به سبب او دیگران امتحان می‌شوند.

پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند حق علی علیه السلام بر مسلمانان مانند حق پدر بر فرزندان خود است

حَدَّثَنِي أَبُو الْعَبَّاسِ أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدٍ بْنُ سَعِيدِ بْنِ عَقْدَةَ الْحَافِظُ قَالَ حَدَّثَنَا عِيسَى بْنُ عَبْدِ اللَّهِ الْمُحَمَّدِيُّ مِنْ وُلْدِ عَلِيِّ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عَمْرِو بْنِ عَلِيٍّ قَالَ حَدَّثَنِي أَبِي عَنْ أَبِيهِ، عَنْ جَدِّهِ عَلِيِّ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ: حَقُّ عَلِيِّ عَلَيْهِ السَّلَامُ عَلَى الْمُسْلِمِينَ كَحَقِّ الْوَالِدِ عَلَى وُلْدِهِ نَقَلَ كَرْدُ بِهِ مَا أَبُو عَبَّاسٍ أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدٍ مُحَمَّدُ بْنُ سَعِيدِ بْنِ عَقْدَةَ الْحَافِظُ كَمَا كَفَتَ حَدِيثُ كَرْدُ بِهِ مَا عِيسَى بْنُ مُحَمَّدٍ عَبْدِ اللَّهِ مُحَمَّدِيٍّ مِنْ فَزْرَنْدَانِ عَلِيِّ بْنِ مُحَمَّدٍ مُحَمَّدُ بْنُ سَعِيدِ بْنِ عَقْدَةَ الْحَافِظُ كَمَا كَفَتَ حَدِيثُ كَرْدُ بِهِ مِنْ پَدْرَمِ از پَدْرَشِ از جَدِّشِ عَلِيِّ عَلَيْهِ السَّلَامُ كَمَا فَرَمُودَ: پِيَامِبِرِ خُدَا صَلَّيْ اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ فَرَمُودَ: حَقُّ عَلِيِّ عَلَيْهِ السَّلَامُ بِرِ مَسْلِمَانَانَ مَانَنْدِ حَقِّ پَدْرِ بِرِ فَزْرَنْدَانَشِ هَسْتِ.

ترس پیامبر از گفتن تمام فضائل علی علیه السلام

«مُوقِّقُ بْنُ أَحْمَدَ خَوَارِزْمِيٌّ» مِنْ عَلِيِّ بْنِ أَبِيطَالِبٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ رَوَايَتُ كَرْدَةُ اسْتِ كَمَا رَسُولُ خُدَا صَلَّيْ اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ فِي رُوزِ فَتْحِ خَيْبَرَ فَرَمُودَ: إِنْ كَرْدِشِ نَمِي كَرْدَمُ مِنْ أَزِ اَيْنَكِهْ بِكُوْبِنْدِ طَوَايِفِيٍّ مِنْ اَمْتِ مِنْ فِي حَقِّ تُو أَنْجِهْ نَصَارِيٍّ فِي حَقِّ عِيسَى بْنِ مَرِيَمَ عَلَيْهِ السَّلَامُ كَفْتَنْدُ هَرِ اَيْنِهْ اَمْرُوزِ فِي فَضْلِ تُو سَخْنِيٍّ مِي كَفْتَمُ كَهْ بِرِ هِيْجِ كَرُوْهِيٍّ مِنْ مَسْلِمَانَانَ نَكْذَرِيٍّ مَكْرَ أَنْكِهْ بِهْ خَاكِ كَفَشِ تُو تَبْرَكِ جُوْبِنْدِ وَ بِهْ زِيَادِيٍّ آبِ وَضُوِيٍّ تُو اسْتِشْفَاءِ نَمَايَنْدِ وَ... كَرِ نَبُوْدِيٍّ خَوْفِ، دُرْهَا شِيْفْتَمِيٍّ أَنْجِهْ فِي دَلِ بُوْدِ يَكْسَرِ كَفْتَمِيٍّ لِيَكْ بِاِ اَيْنِ قَوْمِ كَهْ كُوْرَنْدِ وَ كَرِ چُونِ تُوَانَمُ كَفْتِ اَوْصَافِ قَمَرِ (۲۵)

جدایی از علی، جدایی از رسول

پِيَامِبِرِ صَلَّيْ اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ فَرَمُودَنْدَ: مَنْ فَاَرَقَ عَلِيًّا فَاَرَقَنِيَّ وَ مَنْ فَاَرَقَنِيَّ فَاَرَقَ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ (۲۶) هَرِ كَسِّ مِنْ اَزِ عَلِيِّ عَلَيْهِ السَّلَامُ جَدَا شُوْدِ مِنْ جَدَا شُدِهْ وَ هَرِ كَسِّ مِنْ اَزِ مَنْ جَدَا شُدِ مِنْ خُدَا جَدَا شُدِهْ اسْتِ.

علی علیه السلام به منزله‌ی کعبه

پِيَامِبِرِ صَلَّيْ اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ فَرَمُودَنْدَ: مَثَلُ عَلِيٍّ فِيكُمْ كَمَثَلِ الْكَعْبَةِ الْمَسْتُورَةِ النَّظْرُ إِلَيْهَا عِبَادَةٌ وَ الْحُجُّ إِلَيْهَا فَرِيضَةٌ. (۲۷) مَثَلِ عَلِيِّ فِي دَرِ مِيَانِ شَمَا مَثَلِ هَمِيْنِ كَعْبِهْ اسْتِ كَهْ نِگَاْهْ كَرْدَنْ بِهْ اَنْ عِبَادَتِ وَ حَقِّ اَنْ وَاجِبِ اسْتِ. پِيَامِبِرِ فِي جَايِ دِيْگَرِ فَرَمُودَنْدَ: يَا عَلِيُّ! تُو بِهْ مَنزَلَهِيٍّ كَعْبِهْ اِي كَهْ هَمِهْ بِهْ سُوِيٍّ اَوْ مِي آيَنْدِ وَ لِيٍّ اَوْ بِهْ سُوِيٍّ كَسِيٍّ نَمِي آيْدِ. (۲۸)

نزول ستاره، داله بر وصایت در خانه‌ی امیرالمؤمنین علیه السلام

اِبْنِ مَغَاذِلِيٍّ عَلِيِّ بْنِ مُحَمَّدِ شَافِعِيٍّ فِي اَيْنِ مَوْضُوعِ دُو حَدِيثِ اَوْرَدِهْ اسْتِ؛ اَوَّلِ حَدِيثِيٍّ اسْتِ كَهْ بِاِ اسْنَادِ خُوْدِ اَزِ اَنْسِ بْنِ مَالِكِ فِي «مَنْاقِبِ» خُوْدِ ذَكَرِ كَرْدِهْ اسْتِ وَ عِلَامَهْ بَحْرَانِيٍّ نِيْزِ فِي «غَايَهْ الْمَرَامِ» صَفْحَهٗ ۴۰۹ عِيْنِ اَيْنِ حَدِيثِ رَا اَزِ اَوْ رَوَايَتِ كَرْدِهْ اسْتِ. عَنْ اَنْسِ قَالَ اَنْقَضَ كَوْكَبٌ عَلِيَّ عَهْدِ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ فَمَا اَنْقَضَ هَذَا النَّجْمُ فِي دَارِهِ فَهُوَ الْخَلِيفَةُ مِنْ بَعْدِي، فَنَظَرْنَا فَاِذَا هُوَ اَنْقَضَ فِي مَنْزِلِ عَلِيٍّ فَاَنْزَلَ اللَّهُ تَعَالَى: وَ النَّجْمُ اِذَا هَوَى مَا ضَلَّ صَاحِبُكُمْ وَ مَا غَوَى وَ مَا يَنْطِقُ عَنِ الْهَوَى اِنْ هُوَ اِلَّا وَحْيٌ يُوْحَى عَنْ اَنْسِ قَالَ اَنْقَضَ كَوْكَبٌ عَلِيَّ عَهْدِ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ: مَنْ اَنْقَضَ هَذَا النَّجْمَ فِي دَارِهِ فَهُوَ الْخَلِيفَةُ مِنْ بَعْدِي، فَنَظَرُوا فَاِذَا هُوَ اَنْقَضَ فِي مَنْزِلِ عَلِيٍّ فَاَنْزَلَ اللَّهُ تَعَالَى: وَ النَّجْمُ اِذَا هَوَى مَا ضَلَّ صَاحِبُكُمْ وَ مَا غَوَى وَ مَا يَنْطِقُ عَنِ الْهَوَى اِنْ هُوَ اِلَّا وَحْيٌ يُوْحَى اِنْسِ كُوْبِنْدِ: سِتَارَهْ اِي فِي دَرِ زَمَانِ

رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم خم می‌شد (یعنی به شکل خط نورانی در حرکت بود) حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند: هر کس که این ستاره، در خانه‌ی او فرود آید او بعد از من جانشین من خواهد بود. چون مردم نگریستند، دیدند آن ستاره در منزل علی بن ابیطالب علیه السلام فرود آمد و خداوند متعال این آیه را فرستاد: «سوگند به آن ستاره‌ی درخشان هنگامی که فرود آمد، که صاحب شما گمراه نگشته و اغوا نشده است و از روی هوای نفس تکلم نمی‌کند (و راجع به خلافت و وصایت ابن عم خود امیرالمؤمنین علیه السلام، پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم از نزد خود چیزی نمی‌گوید، تمام گفتار او وحی است که از جانب حضرت رب العزه به او وحی گردیده است)». دوم، حدیثی است که ابن مغازلی نیز در «مناقب» خود با اسناد خود از سعید بن جبیر از ابن عباس روایت نموده است و علامه بحرانی در صفحه ۴۰۹ از «غایه المرام» نیز از ابن مغازلی روایت می‌کند: عَنْ ابْنِ عَبَّاسٍ قَالَ كُنْتُ جَالِسًا مَعَ فِئْتِهِ مِنْ بَنِي هَاشِمٍ عِنْدَ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ إِذَا انْقَضَ كَوْكَبٌ فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ مَنْ انْقَضَ هَذَا النَّجْمُ فِي مَنْزِلِهِ فَهُوَ الْوَصِيُّ مِنْ بَعْدِي فَقَامَ فِئْتُهُ مِنْ بَنِي هَاشِمٍ فَنَظَرُوا فَإِذَا الْكَوْكَبُ قَدْ انْقَضَ فِي مَنْزِلِ عَلِيِّ بْنِ أَبِيطَالِبٍ قَالُوا: يَا رَسُولَ اللَّهِ قَدْ غَوَيْتَ فِي حُبِّ عَلِيٍّ، فَأَنْزَلَ اللَّهُ تَعَالَى وَالنَّجْمُ إِذَا هَوَىٰ إِلَى قَوْلِهِ وَهُوَ بِالْمُفْقِ الْأَعْلَى ابْنِ عَبَّاسٍ كَوَيْدٍ: مَنْ بَاغْرُوهِي مِنْ جَوَانِحِ بَنِي هَاشِمٍ فِي حَضْرَةِ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ نَشِئْتَهُ بُوَدِيمُ كَمَا نَاكُوهَانِ سِتَارِهِ بَسِيرًا نَوْرَانِي حَرَكْتِ نَمُودٍ وَ مِي خَوَاسْتِ فِرُودِ آيِدِ. رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ فِرُودُ: ابْنِ سِتَارِهِ فِي مَنْزِلِ هَرِ كَسِ فِرُودِ آيِدِ او بَعْدِ از مَنْ وَصِي مِنْ خَوَاصْتِ بُوَدِ. جَمَاعَتِي از آن جَوَانِحِ بَنِي هَاشِمِي بِرِخَاسْتِنْدِ كَمَا بِنِگَرِنْدِ سِتَارِهِ فِي خَانِهِي كَمَا فِرُودِ مِي آيِدِ، دِيَدِنْدِ كَمَا فِي مَنْزِلِ عَلِيِّ بْنِ أَبِيطَالِبِ عَلَيْهِ السَّلَامِ فِرُودِ آيِدِ، پَنَهَانِ شُدِ. كَفْتَنْدِ اِي رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ بِرِ مَحَبَّتِ بَرِ عَلِيِّ بْنِ أَبِيطَالِبِ مَفْتُونِ شُدِي وَ بِي ضَلَالِ وَ غَوَايْتِ افْتَادِي. خَدَاوَنْدِ ابْنِ آيِهِ رَا فِرُودِ فِرُوسْتَادِ كَمَا: «سَوِگَنْدِ بِي آن سِتَارِهِي كَمَا فِرُودِ آيِدِ صَاحِبِ شَمَا كَمَرَاهِ نَشِدِهِ وَ بِي غَوَايْتِ فِي نِفْتَادِهِ اسْت.» - تَا قَوْلِ خَدَايِ تَعَالَى كَمَا - «اوسْتِ فِي افقِ بَلِنْدِ وَ عَلَى.» (۲۹)

دست علی علیه السلام با دست پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم مساوی در عدل

علامه خطیب بغدادی به نقل از انس بن مالک از عمر بن خطاب از ابوبکر از ابوهریره آورده است که گفت: در حالی وارد بر پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم شدم که مقداری خرما جلو روی آن حضرت بود. پس سلام کردم و بعد از جواب سلام مشتیی از آن را به من داد و چون شمردم هفتاد و سه دانه بود. آنگاه از نزد پیغمبر به سراغ علی علیه السلام رفتم و در نزد او هم مقداری خرما نهاده شده بود و او هم بعد از اینکه من سلام کردم و جواب داد مشتیی از آن خرماها را به من داد و چون آنها را شمردم بدون کم و زیاد هفتاد و سه دانه بود پس من با تعجب زیاد از هم عددی خرماهای اعطایی به خدمت پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم رفتم و ماجرای یکسان و هم عددی خرما را آن حضرت و علی علیه السلام را که مایه‌ی تعجب من شده بود گزارش دادم. پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم تبسم نمود و فرمود: «یا ابا هریره اما علمت ان یدی و ید علی بن ابیطالب فی العدل سواء» (۳۰) ای ابوهریره! مگر نمی‌دانی که دست من و دست علی بن ابیطالب علیه السلام در عدل یکسان و مساوی است.

به شرافت رسیدن توسط علی علیه السلام

علامه ابن حجر به نقل از «استیعاب» ابن عبدالبر از ابن مسیب روایت نموده که عمر گفت: «تَجَبَّبُوا إِلَى الْأَشْرَافِ وَ تَوَدَّدُوا وَ اتَّقُوا عَلِيَّ أَعْرَاضِكُمْ مِنَ السَّفَلَةِ وَ اَعْلَمُوا أَنَّهُ لَا يَتَمُّ شَرَفٌ إِلَّا بِوَلَايَةِ عَلِيٍّ» (۳۱) نسبت به افراد شریف و با شخصیت محبت و دوستی از خود نشان دهید و در رابطه با حفظ آبروی خود از افراد پست و بی‌شخصیت پرهیزید و بر حذر باشید و دانسته باشید که هیچگونه شرفی به درجه‌ی تمامیت نرسید مگر به ولایت علی.

کلام حضرت خضر در فضائل امیرالمومنین علیه السلام

صَفْوَانِي فِي كِتَابِ «مَحْنٍ» وَ كَلِمِي فِي كِتَابِ «كَافِي» رَوَيْتُ كَرِهًا أَنْدَ أَنَّ حُورَ امِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ بِهٖ شَهَادَتٍ رَسِيدَتِ: جَاءَ شَيْخٌ يَبْكِي وَ هُوَ يَقُولُ الْيَوْمَ انْقَطَعَتْ عِلَاقَةُ الثُّبُوهِ حَتَّى وَقَفَ بِيَابِ الْبَيْتِ الَّذِي فِيهِ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ وَ أَخَذَ بَعْضَ أَدْتِي الْبَابِ فَقَالَ رَحِمَكَ اللَّهُ فَلَقَدْ كُنْتُ أَوَّلَ النَّاسِ إِسْلَامًا وَ أَخْلَصَهُمْ إِيْمَانًا وَ أَشَدَّهُمْ يَقِينًا وَ أَحْوَفَهُمْ مِنَ اللَّهِ وَ أَطْوَعَهُمْ لِنَبِيِّ اللَّهِ وَ أَفْضَلَهُمْ مَنَاقِبًا وَ أَكْثَرَهُمْ سَوَابِقًا وَ أَشَبَّهُهُمْ بِهٖ خَلْقًا وَ خُلُقًا وَ سَيَمَاءً وَ فَضْلًا وَ كُنْتُ أَخْفَضَهُمْ صَوْتًا وَ أَعْلَاهُمْ طُودًا وَ أَقْلَهُمْ كَلَامًا وَ أَصُوبَهُمْ مَنَاطِقًا وَ أَشَجَعَهُمْ قَلْبًا وَ أَحْسَنَهُمْ عَمَلًا وَ أَقْوَاهُمْ يَقِينًا حَفِظْتَ مَا ضَيَّعُوا وَ رَعَيْتَ مَا أَهْمَلُوا وَ شَمَرْتَ إِذْ اجْتَمَعُوا وَ عَلَوْتَ إِذْ هَلِعُوا وَ وَقَفْتَ إِذْ شَرَعُوا وَ أَدْرَكْتَ أَوْتَارَ مَا ظَلَمُوا كُنْتُ عَلَى الْكَافِرِينَ عِدَابًا وَاصِبًا وَ لِلْمُؤْمِنِينَ كَهْفًا وَ حِصْنًا كُنْتُ كَالْجَبَلِ الرَّاسِخِ لَا تُحَرِّكُكَ الْعَوَاصِفُ وَ كُنْتُ لِلطُّفْلِ كَالْمَأْتَبِ الشَّفِيقِ وَ لِلْأَرَامِلِ كَالْبُعْلِ الْعُطُوفِ قَسِمْتُ بِالسُّيُوءِ وَ عِدَلْتُ فِي الرَّعِيَّةِ وَ أَطْفَأْتُ النَّيْرَانَ وَ كَسَرْتُ الْأَضْيَانَامَ وَ أَذَلَّتْ الْأَوْثَانَ وَ عَبَدْتُ الرَّحْمَنَ فِي كَلَامٍ لَهُ كَثِيرٍ فَالْتَفَتُوا فَلَمْ يَرَوْا أَحَدًا فَسَيَّلَ الْحَسَنُ عَلَيْهِ السَّلَامُ مَنْ كَانَ الرَّجُلُ قَالَ الْخَضِرُ عَلَيْهِ السَّلَامُ . (۳۲) چون امیرالمومنین علیه السلام به شهادت رسیدند، پیرمردی گریه‌کنان آمد در حالی که می‌گفت: «امروز زنجیرهای نبوت پاره شد، تا ایستاد در اتاقی که حضرت در آنجا مرغ روحش پرواز نموده بود و با دو دست خود دو بازوی دو طرف در را گرفت و گفت: خدا تو را رحمت کند، حقا که اولین کسی بودی که اسلام آوردی و پاک‌ترین آنها بودی از جهت ایمان و یقینت از همه شدیدتر بود و خوفت از خدا نسبت به همه بیشتر و طاعتت به پیغمبر خدا از همه فروتر و مناقبت و فضائلت از همه عالیت و سوابقت از همه زیادت و شباهتت به رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم از جهت قوای طبیعی و اخلاق معنوی و از جهت علائم روحانی در چهرهات و از جهت فضل و شرافت از همه بیشتر بود و از جهت سر و صدا از همه آرامتر بودی و از جهت استقامت و ثبات از همه بالاتر و رفیع مرتبه‌تر بودی. کلام و سخنت از همه مقبول‌تر و منطقت از همه صحیح‌تر و قلبت از همه شجاعتر و کردارت از همه نیکوتر و یقینت از همه قویتر بود. حفظ کردی آنچه را که ضایع کردند و رعایت کردی آنچه را که مهمل گذاشتند و دامن همت به کمر زدی در وقتی که آنها اجتماع کردند و نفس خود را بلند داشتی هنگامی که آنها حرص زدند و توقف کردی در وقتی که آنها بدعت نهادند و دادخواهی کردی نسبت به ظلم‌هایی که نمودند. ای علی تو نسبت به کافران، عذاب سخت و مداوم بودی و نسبت به مؤمنان پناهگاه و ملجأ و حصن. تو مانند کوهی عظیم و ثابت بودی که تند بادهای اهواء و آراء باطل و طوفانهای سخت امیال و انکار مخالفین ابداً مختصر حرکتی و تکانی در تو به وجود نیاورد. نسبت به کودکان مانند پدر مهربان و نسبت به بیوه زنان چون شوهر رؤوف و عطوف بودی. بیت المال را به طور تساوی تقسیم کردی و در رعیت و توده‌ی مردم به عدالت رفتار نمودی و آتش‌های کفر و شرک و بیداد و تجاوز بر حقوق را خاموش کردی و بت‌های ظاهر و باطن را در هم شکستی و ذلیل نمودی و در مقام بندگی خداوند عز و جل قیام و اقدام کردی و بسیار از این قبیل سخنان گفت و صفات عالی‌ی آن حضرت را بیان کرد و ناگهان ناپدید شد! مردم که التفات کردند کسی را ندیدند و از حضرت امام حسن علیه السلام سؤال کردند؟ فرمود: آن مرد پیر، حضرت خضر علیه السلام بود. کتاب فضل تو را آب بحر کافی نیست که تر کنم سرانگشت و صفحه بشمارم آری چه خوب خضر پیغمبر علیه السلام آن حضرت را بدین صفات عالی ستوده و تمجید نموده و در مصیبت آن حضرت گریان شده است.

پیراهن نبوت بر تن علی علیه السلام

ام سَلِمَهُ گفتم: روزی سه نفر از مشرکان نزد رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم آمدند. یکی از آنها گفت: ای محمد! تو ادعایی کرده‌ای که از ابراهیم فاضلتی، ابراهیم علیه السلام، خلیل خدا بود ولی تو خلیل او نیستی. حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند: ابراهیم علیه السلام، خلیل بود و من حبیب و صفی‌ام. و حبیب و صفی بهتر باشد. گفت: تو گفتی که از موسی علیه

السلام بهترم. در حالی که موسی کلیم علیه السلام خدا بود و با حق تعالی سخن گفت و تو با حق سخن نگفتی. حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم گفت: موسی علیه السلام سخن گفت در زمین و من وراء حجاب و بر بالای هفت آسمان بر سُرَادُق عرش با حق سخن گفتم. دیگری گفت: تو گفتی که من از عیسی علیه السلام بهترم. عیسی علیه السلام مرده زنده کرد و تو نکردی. حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم دست بر هم زد و گفت یا علی! یا علی! در همان لحظه علی علیه السلام از درب وارد شد. فرمود: ای علی کجا بودی؟ فرمود: در فلان نخلستان خرما بودم. آواز شما به من رسید، خود را به اینجا رسانیدم. حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم فرمود بیا و این پیراهن نبوت من را بپوش و با این سه تن به قبرستان «یوسف بن کعب» برو و ما را از بهر ایشان زنده کن تا علامت نبوت و کرامت امامت ببینند. امام علی علیه السلام پیراهن را پوشید و با آنها رفت. ام سلمه می گوید: من نیز از رسول خدا اجازه خواستم و رفتم. شاه مردان علی علیه السلام به قبرستان رسید و در آنجا ایستاد و کلمه‌ای را بر زبان جاری نمود و فرمود. ای صاحب گور! برخیز به فرمان حق تعالی و تصدیق ادعای رسول کن، گور در جنبش آمد، بار دیگر بگفت، گور بشکافته شد. پیری برخاست و خاک از سر خود دور کرد. علی علیه السلام فرمود: تو کیستی؟ گفت: منم یوسف بن کعب صاحب الأُخْدُود و سیصد سال است که مُرده‌ام و این سال آوازی شنیدم که می گفت ای یوسف بن کعب برخیز از برای تصدیق دعوی سید الاولین و الاخرین. آن مشرکان به یکدیگر نگریستند و گفتند مبادا که قریش بدانند که به سبب درخواست ما حضرت محمد صلی الله علیه و آله و سلم را چنین معجزه‌ای ظاهر شد. رو به علی علیه السلام کردند و گفتند ای علی بگو به مقام خود برگردد در این لحظه حضرت دستور دادند و آن مُرده به قبر خود برگشت. (۳۳)

اسرار معراج علی علیه السلام

رَجَب بُرْسِي (ره) در کتاب «مشارق الأنوار» نقل می کند. شخصی به امام صادق علیه السلام عرض کرد: چرا رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم علی علیه السلام را بر دوش خود بالا برد؟ فرمود: تا اینکه مردم مقام رفیع و مرتبه‌ی والای او را بشناسند عرض کرد: زیادتر برایم توضیح دهید. فرمود: تا مردم بدانند او به مقام رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم از هر کس سزاوارتر است. عرض کرد: بیشتر توضیح دهید. فرمود: لِيُعْلَمَ النَّاسُ إِنَّهُ إِمَامٌ بَعْدَهُ وَالْعَلَمُ الْمَرْفُوعُ، تا مردم بدانند علی علیه السلام بعد از او پیشوای مردم و پرچم برافراشته‌ی هدایت است. عرض کرد: زیادتر بفرمایید. حضرت فرمود: هَيْهَاتَ وَاللَّهِ لَوْ أَخْبَرْتُكَ بَكَنه ذَاكَ لَقَمْت عَنِّي وَ أَنْتَ تَقُولُ: جَعْفَرُ بْنُ مُحَمَّدٍ كَاذِبٌ فِي قَوْلِهِ أَوْ مَجْنُونٌ وَ كَيْفَ يَطَّلِعُ عَلَى الْأَشْيَارِ غَيْرَ الْأَبْرَارِ هَيْهَاتَ. اگر از حقیقت و باطن آن به تو خبر دهم از من کناره می گیری و می گویی جعفر بن محمد، دروغگو یا دیوانه است و چگونه بر اسرار کسی جز ابرار و نیکوکاران آگاهی پیدا می کنند. (۳۴)

مذمت پنهان کردن فضائل امیرالمؤمنین علیه السلام

ابن عباس از رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم روایت کرده است که فرمود: لَا يُعَذِّبُ اللَّهُ هَذَا الْخَلْقَ إِلَّا بِذُنُوبِ الْعُلَمَاءِ الَّذِينَ يَكْتُمُونَ الْحَقَّ مِنْ فَضْلِ عَلِيٍّ وَعِثْرَتِهِ. خداوند این مردم را عذاب نمی کند مگر به خاطر گناه دانشمندان ایشان، آنها که حق را کتمان کردند و فضائل علی علیه السلام و عترت طاهرین او را بیان نکردند آلا و إِنَّهُ لَمْ يَمْشِ فَوْقَ الْأَرْضِ بَعْدَ النَّبِيِّينَ وَالْمُرْسَلِينَ أَفْضَلُ مِنْ شَيْعَةٍ عَلِيٍّ وَ مُحِبِّبِهِ الَّذِينَ يُظْهِرُونَ أَمْرَهُ وَيُشَرُّونَ فَضْلَهُ أَوْلَيْكَ تَعْشَاهُمْ الرَّحْمَهُ وَ تَسْتَعْفِرُ لَهُمُ الْمَلَائِكَةُ. بدانید راه نمی رود بر روی زمین بعد از پیغمبران و رسولان کسی که مقامش برتر از شیعیان و دوستان علی علیه السلام باشد، آنهایی که امر ولایت آن حضرت را ظاهر می کنند و فضائل او را منتشر می کنند، رحمت الهی سر تا پای وجود آنها را فرا می گیرد و فرشتگان برای آنها استغفار می کنند. الْوَيْلُ كُلُّ الْوَيْلِ لِمَنْ يَكْتُمُ فَضَائِلَهُ وَ يَكْتُمُ أَمْرَهُ فَمَا أَصْبَرَهُمْ عَلَى النَّارِ. و بدبختی به تمام معنا نصیب کسانی می شود

که فضائل او را کتمان می‌کنند و امر او را پنهان می‌دارند چگونه می‌خواهند در آتش پایداری کنند. این حق است (۳۵) زیرا کسی که فضائل او را از روی جهل و نادانی پنهان کند دچار هلاکت و نابودی است، چون امام زمان علیه السلام خود را نشناخته است و کسی که از روی آگاهی به خاطر دشمنی پنهان کند، منافق است، زیرا طینت و سرشت او ناپاک است و با آن حضرت جز منافق گمراه دشمنی نمی‌کند. ولایت آن حضرت بر طینت او عرضه شد و از پذیرش آن خودداری کرد و لذا مسخ گردید (یعنی تغییر ماهیت و حقیقت داد و در عالم مسوختات بر او ندا داده شده که آن خبیث است. به دیگر خبیثان ملحق گردد، پس او دین ندارد و عبادت‌های او عبادت نیست. (۳۶)

خداوند دوست ندارد جز علی علیه السلام کسی دیگر برادر پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم باشد

عَنْ زَيْدِ بْنِ عَلِيٍّ مِنْ أَبِيهِ، عَنْ جَدِّهِ الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ عَنْ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: أَتَيْتُ النَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ وَهُوَ فِي بَعْضِ حُجْرَاتِهِ، فَاسْتَأْذَنْتُ عَلَيْهِ فَأَذِنَ لِي فَلَمَّا دَخَلْتُ قَالَ لِي: يَا عَلِيُّ! أَمَا عَلِمْتَ أَنَّ بَيْتِي بَيْتُكَ فَمَا لَكَ تَسْتَأْذِنُ عَلِيًّا؟ قَالَ: فَقُلْتُ يَا رَسُولَ اللَّهِ أَخْبَيْتُ أَنْ أَفْعَلَ ذَلِكَ. قَالَ يَا عَلِيُّ أَحْبَبْتَ مَا أَحَبَّ اللَّهُ وَأَخَذْتَ بِآدَابِ اللَّهِ. يَا عَلِيُّ أَمَا عَلِمْتَ أَنَّكَ أَخِي وَأَنَّ خَالِقِي وَرِزَاقِي أَبِي أَنْ يَكُونَ لِي أَخٌ دُونَكَ يَا عَلِيُّ! أَنْتَ وَصَيِّبِي مِنْ بَعِيدِي وَأَنْتَ الْمَظْلُومُ الْمُضْطَّهَدُ بَعِيدِي. يَا عَلِيُّ! الثَّابِتُ عَلَيْكَ كَالْمُقِيمِ مَعِي وَمُفَارِقُكَ مُفَارِقِي. يَا عَلِيُّ! كَذَبَ مَنْ زَعَمَ أَنَّهُ يُجَنِّبُنِي وَيُبَغِّضُكَ لِأَنَّ اللَّهَ تَعَالَى خَلَقَنِي وَإِيَّاكَ مِنْ نُورٍ وَاحِدٍ. (۳۷)

زید بن علی از پدر بزرگوارش حضرت امام سجاد علیه السلام از حضرت اباعبدالله الحسین علیه السلام نقل می‌کنند که حضرت امیرالمؤمنین علی علیه السلام فرمودند: نزد رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم در یکی از اتاق‌های (همسرانشان) آمدم و برای ورود اجازه خواستم، آن حضرت اجازه دادند و فرمودند: ای علی! آیا نمی‌دانی خانه‌ی من خانه‌ی شماست؟ چرا برای داخل شدن اجازه می‌گیرید؟ عرض کردم: ای رسول خدا! دوست داشتم این گونه عمل کنم (بدون اجازه داخل نشوم) پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند: یا علی! شما آنچه را خدا دوست دارد دوست می‌داری و به آداب الهی عمل می‌کنی. ای علی! آیا می‌دانی شما برادر من هستی و همانا خالق و رازق من نمی‌خواهد من برادری غیر از شما داشته باشم؟ ای علی! شما بعد از من وصی من هستی و پس از من مظلوم واقع می‌شوی و حقت پایمال می‌گردد. ای علی! هر کس در کنار شما ثابت قدم بماند، مانند آن است که در کنار من باقی مانده و هر کس از شما جدا شود، از من جدا شده. ای علی! دروغ می‌گویند کسی که گمان می‌کند مرا دوست دارد، در حالی که با شما دشمنی می‌کند، زیرا خداوند تعالی من و شما را از یک نور خلق نموده.

علی ملیء الایمان

پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند: علی ملیء الایمان اِلَى مُشَاشِهِ. علی علیه السلام سراپای وجودش و یکایک اعضای وجودش مالا مال از ایمان است. یعنی علی علیه السلام به خاطر برخورداری همه‌ی ابعاد وجودیش و اعضاء بدنش از ایمان به خدا، هیچگونه کار خلافی از هیچ یک از آنها سر نزده. (۳۸)

آمدن امیرالمومنین علیه السلام از مدینه به مدائن برای دفن سلمان علیه السلام

ابن شهر آشوب روایت کند که از حبیب بن حسن عَنَكِي. از جابر بن عبدالله انصاری که گفت: «حضرت امیرالمومنین علیه السلام نماز صبح را به جماعت در مدینه با ما خواندند و پس از آن رو به ما نموده گفتند: ای مردم خدا اجر شما را در مرگ برادران سلمان، بزرگ قرار دهد و آن وقت عمامه‌ی رسول خدا را به سر بستند و دراعه‌ی رسول خدا را پوشیدند و قضیب رسول خدا را به دست گرفته و شمشیر او را حمایل نموده و بر ناقه‌ی غضباء که از رسول خدا ارث رسیده بود سوار شدند و به قبر گفتند: از یک تا

ده بشمار، قبر گوید: همین که شمردم ما در مدائن پشت درب خانه‌ی سلمان بودیم. زاذان گوید که: چون مرگ سلمان نزدیک شد من به او گفتم: که تو را غسل می‌دهد؟ گفت: همان کسی که رسول خدا را غسل داده است. گفتم: ای سلمان تو در مدائن هستی و او در مدینه است! گفت: ای زاذان چون جانم از بدنم پرواز کرد چانه و لِحیه‌ی مرا ببند، در آن حال صدای چیزی که به زمین افتد خواهی شنید. زاذان گوید: سلمان روحش از قالب تن پرواز کرد، من چانه‌ی او را بستم، در آن حال صدای چیزی که به زمین سقوط نماید در پشت در شنیدم، در را باز کردم دیدم امیرالمؤمنین علیه السلام است. حضرت فرمود: ای زاذان بنده‌ی صالح و عبد پرهیزگار خدا سلمان جان داد؟ عرض کردم: بلی ای آقای من. حضرت وارد شد و رداء را از روی سلمان کنار زد، سلمان بر روی امیرالمؤمنین تسمی کرد. حضرت فرمود: آفرین بر تو ای سلمان چون به محضر مقدس رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم رسیدی بگو بعد از تو امت تو با علی چه کردند. حضرت مشغول غسل و کفن او شدند و چون بر سلمان نماز گذاردند از آن حضرت صدای تکبیر شنیدی شنیدم و دو نفر دیگر را دیدیم که با آن حضرت نماز می‌گذارند، چون سؤال کردیم فرمود: یکی از آنها برادرم جعفر و دیگری خضر علیه السلام است. و با هر یک از آن دو هفتاد صف از ملائکه و در هر صفی هزار هزار ملک بودند». (حضرت سلمان را در قبر گذاشتند و خاک بر او انباشتند و سپس به مدینه مراجعت کردند و هنوز سپیدی صبح ظاهر نشده بود). و ابوالفضل تمیمی در این قضیه گوید: سَمِعْتُ مِنِّي يَسْرًا فِي عَجَائِبِهِ وَ كَلَّ امْرٍ عَلِيٍّ لَمْ يَزَلْ عَجَبًا تَوَازٍ مِنْ مَقْدَارِ كَمِيٍّ مِنْ عَجَائِبِ عَلِيِّ بْنِ أَبِيطَالِبٍ شَنِيدِي وَ تَمَامِ امُورِ عَلِيٍّ هَمِيْشَهٗ عَجِيْبٌ بُوْدَهٗ اَسْت. اَدْرَيْتَ فِي لَيْلِهِ سَارَ الْوَصِيَّةُ اِلَى اَرْضِ الْمَدَائِنِ لَمَّا اَنْ لَهَا طَلْبًا دَانَسْتِي كَهٗ فِي يَكِّ شَبِّ وَصِيِّ رَسُوْلِ خُدَا چُون دَعُوْتِ شُدِهٗ بُوْدَ اَز مَدِيْنَهٗ بَهٗ سِرْزَمِيْنِ مَدَائِنِ اَمَد. فَالْحَدَّ الطُّهْرَ سَلْمَانًا وَ عَادَ اِلَى عِرَاصٍ يَثْرِبَ وَ الْاَصْبَاحُ مَا قَرَّبَا بِسِ بَدَنِ طَاهِرِ سَلْمَانَ رَا فِي مِيَّانِ قَبْرِ جَايِ دَادِ وَ سَبَسَ قَبْلَ اَز اَنَكِهٗ صَبْحِ طُلُوْعِ كُنَدَ بَهٗ سِرْزَمِيْنِ مَدِيْنَهٗ بَرِگَشْت. كَاصِفٍ قَبْلَ رَدِّ الطَّرْفِ مِنْ سَبَا بَعْرَشِ بَلْقَيْسِ وَ اَفَى يَحْرُقُ الْحُجْبَا مَانَدِ اَصْفِ بِنِ بَرخِيَا وَصِيِّ سَلِيْمَانَ بِنِ دَاوُوْدِ كَهٗ قَبْلَ اَز يَكِّ چَشْمِ بَرِ هَمِ زَدَنِ وَ يَكِّ مَزْگَانَ بَرِ هَمِ نِهَادَنِ اَز شَهْرِ سَبَا تَحْتِ بَلْقَيْسِ رَا بَرَايِ سَلِيْمَانَ اَوْرَدِ وَ مَوَانِعِ وَ حَجَابِهَا رَا پَارَهٗ كَرَد. فِي اَصْفِ لَمْ تَقْلُ اَنْتَ بَلِي اَنَا بِحَيْدَرِ غَالٍ اَوْرَدُ الْكَدْبَا؟ دَرِبَارَهٗ اَصْفِ بِنِ بَرخِيَا مَگَرِ تُو تَصْدِيْقِ نَكْرَدِي لِيَكُنْ مِي گُوئِي كَهٗ مِنْ دَرِبَارَهٗ اَمِيْرَالْمُؤْمِنِيْنَ عَلِيٍّ بِنِ اَبِيطَالِبِ حَيْدَرِ عَلِيهِ السَّلَامِ غَلُوْ كَرْدِهٗ اَمِ وَ مَطَالِبِ دَرُوْغِ رَا اَوْرَدِهٗ اَم؟ اِنْ كَانِ اَحْمَدُ الْمُرْسَلِيْنَ فَذَا خَيْرُ الْوَصِيَّةِ اَوْ كُلُّ الْحَيْدِيَّةِ هَبَا اِگَرِ اَصْفِ بِنِ بَرخِيَا كَهٗ وَصِيِّ سَلِيْمَانَ اَسْت، بَتُوَانَدِ عَرَشِ بَلْقَيْسِ رَا دَرِ كَمْتَرِ اَز يَكِّ چَشْمِ بَهٗ هَمِ نِهَادَنِ اَز شَهْرِ سَبَا حَاضِرِ كُنَدِ پَسِ اَحْمَدِ خَاتَمِ الْاَنْبِيَاءِ وَ الْمُرْسَلِيْنَ اَسْتِ وَ وَصِيِّ اَوْ كَهٗ خَيْرِ الْوَصِيَّةِ چَگُوْنَهٗ نَمِي تُوَانَدِ دَرِ يَكِّ شَبِّ اَز مَدِيْنَهٗ بَهٗ مَدَائِنِ اَيَدِ وَ بَرِگَرْدَدِ؟ يَا اَنَكِهٗ بَهٗ كَلِي اَنْكَارِ كُنْ وَ بَگُو تَمَامِ اَيْنِ مَطَالِبِ قِرْآنِ وَ اَوْرَدَنِ تَحْتِ بَلْقَيْسِ اَز سَبَا نِيْزِ سَخْنِ بَهٗ مَجَازِفَهٗ وَ پَرَاكُنْدَهٗ گُوِي بُوْدَهٗ اَسْت. وَ قَلْتُ مَا قُلْتُ مِنْ قَوْلِ الْغُلَاةِ فَمَا ذَنْبُ الْغُلَاةِ اِذَا قَالُوْا الَّذِي وَجَبَا (۳۹) وَ مِي گُوِي كَهٗ اَيْنِ مَعْجَزَاتِ رَا اَهْلِ غَلُوْ بَهٗ عَلِيٍّ نَسَبْتِ مِي دَهْنَدِ، گَنَاهِ اَهْلِ غَلُوْ چِيْسْتِ اِگَرِ اَحْيَانًا حِكَايَتِ اَز اَمْرِ وَاقَعِ شُدِهٗ وَ حَقِيْقِي بِنَمَايَنْدِ.

قسمتی از زمین که ولایت علی را پذیرفت پاکیزه و زیبا و آنکه سرپیچی کرد، نمکزار شد.

در کتاب «المجموع الرائق من أزهار الحقائق» آمده است: برای امیرالمؤمنین علی علیه السلام صد فضیلت و برتری ویژه نقل شده است که این فضائل را شیخ سعید، ابو جعفر محمد بن علی بن حسین بن موسی بن بابویه قُدَسِ سِرُّهُ در روز غدیر خم سال ۳۶۱ روایت نموده است، این فضائل و مناقب از لبان گهربار رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم جاری شده که خداوند متعال امیرالمؤمنین علی علیه السلام را مخصوص این فضائل گردانیده است. که در آنجا چند مورد از آن فضائل این است که ...: «او نخستین شخصیتی است که در روز رستاخیز با نامش خوانده می‌شود، او کسی است که فرشتگان به ولایت او به سوی خدا تقرب می‌جویند، او کسی است که ولایتش به نقاط مختلف زمین عرضه شد، آن قسمت که پذیرفت پاکیزه و قابل کشت گشت و آنکه سرپیچی کرد نمکزار شد. او کسی است که ولایتش به گیاهان عرضه شد، آنکه پذیرفت گیاه سودمند گشت و آنکه سر، باز زد

سَمَّ كُشْنَدَه كُشْت.» (۴۰)

اولین کسی که در آسمان علی علیه السلام را برادر گرفت

خوارزمی که از علمای اهل سنت در کتاب «المناقب» از ابن مسعود نقل می‌کند که رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: اول کسی که از اهل آسمان علی علیه السلام را برای خود برادر گرفت اسرافیل بود و بعد از او میکائیل و جبرئیل بودند و اول کسانی که از اهل آسمان به دوستی علی علیه السلام مفتخر گردیده‌اند فرشتگانی هستند که عرش الهی را به دوش دارند، بعد از آنها رضوان است که خزانه‌دار بهشت است و بعد از او فرشته‌ی قبض روح یعنی عزرائیل است. إِنَّ مَلَكَ الْمَوْتِ يَتَرَحَّمُ عَلَيَّ مُجِيبِي عَلَيَّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ كَمَا يَتَرَحَّمُ عَلَيَّ الْأَنْبِيَاءِ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ وَ أَوْ بِه دُوسْتَانِ عَلِيِّ بْنِ أَبِيطَالِبٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ رَحِمَ مِي كُنْد هِمَانُظُورِ كِه بَر پيامبران ترحم می‌نماید. (۴۱)

بعضی فرشتگان خوراکی و آشامیدنی آنها صلوات بر علی علیه السلام است.

ابن شاذان رَحْمَةُ اللَّهِ عَلَيْهِ در کتاب «مَائَةُ مَنْقَبَةٍ» از ابوهریره نقل کرده است که رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: «خداوند تبارک و تعالی در آسمان چهارم صد هزار فرشته و در آسمان پنجم سیصد هزار و در آسمان هفتم فرشته‌ای را آفرید که سرش زیر عرش الهی و پاهایش زیر زمین است و نیز فرشتگانی را آفرید که عدد آنها از دو طایفه‌ی بزرگ عرب آن روز به نام رَبِيعَةَ وَ مُضَرَ بیشتر است.» لَيْسَ لَهُمْ طَعَامٌ وَ لَمَّا شَرَبُوا إِلَّا الصَّلَاةَ عَلَى أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَ مُجِيبِيهِ وَ الْإِسْمِ تَغْفَارِ لِيَسْتَعْتَبَهُ الْمُؤْمِنِينَ وَ مَوَالِيهِ. (۴۲) خوراک آنها و نوشیدنی ایشان چیزی به جز صلوات فرستادن بر امیرالمؤمنین علیه السلام و دوستانش و استغفار کردن برای شیعیان گنهکار و موالیانش نیست.

اشتیاق ملائکه برای دیدن علی علیه السلام

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آله وَ سَلَمٍ ...: «إِنَّ مَلَائِكَةَ السَّمَاوَاتِ وَ الْأَرْضِ لَيَسْتَأْذِنُونَ إِلَى رُؤْيَيْهِ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ كَمَا تَسْتَأْذِنُ الْوَالِدَةُ الشَّفِيقَةُ إِلَى وَلَدِهَا الْبَارِّ الشَّفِيقِ» (۴۳) حضرت رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند: «همانا فرشتگان آسمانها و حُجُب، همانند شوق و علاقه‌ی مادر مهربان به فرزند نیکوکار دلسوز مشتاق دیدار علی بن ابیطالب علیه السلام هستند.»

سوگند فرشتگان در میان خودشان، سوگند به علی علیه السلام است.

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آله وَ سَلَمٍ ...: «وَ الَّذِي شَرَفَ عَلِيًّا عَلَى جَمِيعِ الْوَرَى بَعْدَ مُحَمَّدٍ الْمُصْطَفَى» (۴۴) پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند: «سوگندی که فرشتگان میان خود دارند اینچنین است؛ سوگند خدایی را که علی مرتضی را پس از محمد صلی الله علیه و آله و سلم بر همه‌ی مردم برتری داد.»

فرشتگان برای گرفتن آبی که از دست علی علیه السلام ریخت سبقت می‌گرفتند.

عَنْ ابْنِ عَبَّاسٍ (ره) أَنَّهُ قَالَ: «كَانَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آله وَ سَلَمٍ فِي مَجْلِسِهِ وَ مَسْجِدِهِ وَ عِنْدَهُ جَمَاعَةٌ مِنَ الْمُهَاجِرِينَ وَ الْأَنْصَارِ إِذْ نَزَلَ عَلَيْهِ جِبْرَائِيلُ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَ قَالَ لَهُ: يَا مُحَمَّدُ! الْحَقُّ يُقْرِئُكَ السَّلَامَ وَ يَقُولُ لَكَ: «أَحْضِرْ عَلِيًّا وَ اجْعَلْ وَجْهَكَ مُقَابِلَ وَجْهِهِ» ثُمَّ عَرَجَ جِبْرَائِيلُ عَلَيْهِ السَّلَامُ إِلَى السَّمَاءِ فَمَدَّعَا النَّبِيَّ عَلِيًّا فَأَحْضَرُوهُ وَ جَعَلُوا وَجْهَهُ مُقَابِلَ وَجْهِهِ فَنَزَلَ جِبْرَائِيلُ ثَانِيًا وَ مَعَهُ طَبَقٌ فِيهِ رُطْبٌ فَوَضَعَهُ بَيْنَهُمَا ثُمَّ قَالَ: كُلَّا فَأَكَلَا ثُمَّ أَحْضَرَ طَشْتًا وَ إِبْرِيْقًا وَ قَالَ يَا رَسُولَ اللَّهِ صَلِّ عَلَى عَلِيٍّ وَ أَلَيْكَ قَدْ أَمَرَكَ اللَّهُ أَنْ تَصَبَّ الْمَاءَ

عَلَى يَدَيْ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ فَقَالَ لَهُ السَّمْعُ وَالطَّاعِيَةُ لِلَّهِ وَلِمَا أَمَرَنِي بِهِ رَبِّي ثُمَّ أَخَذَ الْبَابِيقَ وَقَامَ يَصُبُّ الْمَاءَ عَلَى يَدِ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ فَقَالَ لَهُ عَلِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ: يَا رَسُولَ اللَّهِ! أَنَا أَوْلَى أَنْ أَصَبَّ الْمَاءَ عَلَى يَدِكَ فَقَالَ لَهُ يَا عَلِيُّ إِنَّ اللَّهَ شُبِّحَانُهُ وَتَعَالَى أَمْرُنِي بِذَلِكَ وَكَانَ كُلَّمَا صَبَّ الْمَاءَ عَلَى يَدِ عَلِيِّ لَمْ يَقَعْ مِنْهُ قَطْرَةٌ فِي الطُّشْتِ فَقَالَ عَلِيُّ: يَا رَسُولَ اللَّهِ إِنِّي لَمْ أَرِ شَيْئًا مِنَ الْمَاءِ يَقَعُ فِي الطُّشْتِ؟! فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ: يَا عَلِيُّ! إِنَّ الْمَلَائِكَةَ يَتَسَابِقُونَ عَلَى أَخْذِ الْمَاءِ الَّذِي يَقَعُ مِنْ يَدِكَ فَيَغْسِلُونَ بِهِ وُجُوهَهُمْ يَتَبَرَّكُونَ بِهِ» (۴۵) ابن عباس نقل می‌کند که رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم در مسجد حضور داشتند و جمعی از مهاجرین و انصار نزد آن حضرت بودند، ناگهان جبرئیل علیه السلام بر آن حضرت نازل شد و عرض کرد: ای محمد! حق تعالی بر تو سلام می‌رساند و می‌فرماید علی را حاضر کن و او را روبروی خودت بنشان. جبرئیل این فرمان الهی را رساند و به آسمان برگشت. رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم هم علی علیه السلام را حاضر کرد و او را روبروی خود نشانید. جبرئیل دوباره نازل شده و به همراه خود طبعی از خرما آورد و بین آن دو بزرگوار قرار داد و عرض کرد: از آن میل کنید و آنها خوردند سپس تشمت و آفتابه‌ی آبی آورد و عرض کرد: ای رسول خدا! پروردگارت فرموده است که تو آب را روی دستهای علی بن ابیطالب علیه السلام بریزی. فرمود: سَمْعًا وَطَاعَةً، آنچه را خداوند امر کند اطاعت می‌کنم، آنگاه آفتابه را برداشت و برخاست که آب روی دستهای علی علیه السلام بریزد. علی علیه السلام به آن حضرت عرض کرد: ای رسول خدا! من سزاوارترم که آب روی دستهای مبارک شما بریزم. فرمود: ای علی! خداوند چنین فرمان داده است و به من چنین مأموریتی داده است؛ و آب را روی دستهای علی علیه السلام که می‌ریخت قطره‌ای از آن در تشمت نمی‌ریخت. علی علیه السلام عرض کرد: ای رسول خدا! آبها را نمی‌بینم که در میان تشمت بریزد. فرمود: «ای علی! فرشتگان از یکدیگر سبقت می‌گیرند در اینکه آبی که از دستهای تو می‌ریزد بگیرند و به عنوان تبرک چهره‌ی خود را با آن شستشو دهند.»

پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم در معراج از فضائل علی علیه السلام به وجد می‌آید.

عَنْ ابْنِ مُسَيْكَانَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ لَمَّا أُسْرِيَ بِرَسُولِ اللَّهِ إِلَى السَّمَاءِ وَأَوْحَى اللَّهُ إِلَيْهِ فِي عَلِيٍّ مَا أَوْحَى مِنْ شَرَفِهِ وَمِنْ عَظَمِهِ عِنْدَ اللَّهِ وَرَدَّ إِلَى الْبَيْتِ الْمَعْمُورِ وَجَمَعَ لَهُ النَّبِيِّينَ وَصَلُّوا خَلْفَهُ عَرْضَ فِي نَفْسِ رَسُولِ اللَّهِ مِنْ عَظَمِ مَا أَوْحَى إِلَيْهِ فِي عَلِيٍّ فَأَنْزَلَ اللَّهُ فَبِأَنَّ كُنْتُ فِي شَكِّ مِمَّا أَنْزَلْنَا إِلَيْكَ فَسَأَلَ الَّذِينَ يَقْرَأُونَ الْكِتَابَ مِنْ قَبْلِكَ يَعْنِي الْأَنْبِيَاءَ - فَقَدْ أَنْزَلْنَا عَلَيْهِمْ فِي كُتُبِهِمْ مِنْ فَضْلِهِ مَا أَنْزَلْنَا فِي كِتَابِكَ لَقَدْ جَاءَكَ الْحَقُّ مِنْ رَبِّكَ فَلَا تَكُونَنَّ مِنَ الْمُتَمَرِّينَ وَلَا تَكُونَنَّ مِنَ الَّذِينَ كَذَّبُوا بِآيَاتِ اللَّهِ فَتَكُونَ مِنَ الْخَاسِرِينَ فَقَالَ الصَّادِقُ عَلَيْهِ السَّلَامُ فَوَ اللَّهُ مَا شَكَّكَ وَمَا سَأَلَ ابْنَ عَبَّاسٍ أَنَّ امَامَ صَادِقٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ نَقَلَ شَدَّةَ أَنَّ حَضْرَتَ فَرَمُودَنَد: هَنَّا كَامِي كَه رَسُولِ خَدَا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ شَبَّ مَعْرَاجَ بَه سَوَى آسْمَانِهَا بَرْدَه شَدَنَد، خَدَاوَنَد اَز شَرَا فَتَ وَعَظْمَتَ حَضْرَتِ عَلِيِّ عَلَيْهِ السَّلَامُ بَرَايَ پِيَا مَبْرَ تَعْرِيفَ كَرَد، تَا اَيْنَكِه پِيَا مَبْرَ بَه بَيْتِ الْمَعْمُورِ رَفْتَنَد وَتَمَامَ پِيَا مَبْرَانَ پِشْتِ سَرِ اَو نَمَازَ گَزَارَدَنَد. بَعْدَ اَز نَمَازَ، پِيَا مَبْرَ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ اَز اَنچِه خَدَاوَنَد دَر بَارِهِي عَلِيِّ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَمَقَامَ وَنَزَلَتِ اَو بَرَايشَ صَحْبَتَ كَرْدِه بُوَد بَه شَكْفَتِ اَمَدِ وَ (دَر فِكْرِ فَرُورِ فِت) وَ دَر هَمِينِ حَالِ بُوَد كَه وَحِي اَلْهِي نَازَلَ شَد كَه: «فَبِأَنَّ كُنْتُ فِي شَكِّ مِمَّا أَنْزَلْنَا إِلَيْكَ فَسَأَلَ الَّذِينَ يَقْرَأُونَ الْكِتَابَ مِنْ قَبْلِكَ» (۴۶) اِي پِيَا مَبْرَ مَا، اِگَر دَر اَنچِه بَر تُو نَازَلَ كَرْدِيمَ وَ حَرَفْشَ رَا زَدِيمَ شَكَّكَ دَارِي، پَسَ اَز كَسَانِي كَه قَبْلَ اَز تُو كِتَابَ خَدَا رَا خَوَانَدَه اَنَد سَوَالِ كَن كَه اِيَا چنين است يا نه؟ يعنى از پیامبران پشت سر خود سؤال کن، که آنچه در کتب ایشان از فضائل علی علیه السلام بیان شد، برای تو هم همان را بیان کردیم. «لَقَدْ جَاءَكَ الْحَقُّ مِنْ رَبِّكَ فَلَا تَكُونَنَّ مِنَ الْمُتَمَرِّينَ وَلَا تَكُونَنَّ مِنَ الَّذِينَ كَذَّبُوا بِآيَاتِ اللَّهِ فَتَكُونَ مِنَ الْخَاسِرِينَ هَمَانَا حَقَّ اَز جَانِبِ پَرُورِد گَارَتِ اَمَد. پَسَ دَر حَقَانِيَتِ اَو هِيچگَا ه شَكَّكَ مَكْنِ وَ اَز كَسَانِي مَبَاشَ كَه اِيَا تِ اَلْهِي رَا تَكْذِيبَ كَرْدَنَد (كَه اِگَر چنين كُنِي) اَز زِيَا نَكَا رَانَ عَالَمِ خَوَاهِي شَد.» سَخْنِ كَه بَدِينجَا رَسِيدَ اَمَامَ صَادِقٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ فَرَمُودَنَد: بَه خَدَا قَسَمِ، نَه پِيَا مَبْرَ دَر فُضَائِلِ عَلِيِّ عَلَيْهِ السَّلَامُ شَكَّكَ كَرْدَ وَ نَه اَز اَنبِيَاءِ سَوَالِ نَمُودَ؛ (بَلَكِه اَز فُضَائِلِ عَلِيِّ عَلَيْهِ

السلام به شور و شعف در آمده بود و تمام وجود او را خوشحالی محض فرا گرفته بود. (۴۷)

پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم در معراج، خروسی دید که صدا می‌زد علی علیه السلام امیرالمؤمنین است.

عَنْ ابْنِ عَبَّاسٍ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ رَأَيْتُ لَيْلَةً أُسْرِي بِي إِلَى السَّمَاءِ الرَّابِعَةِ دَيْكًا يَدْنُهُ دُرَّةٌ بَيْضَاءُ وَ عَيْنَاهُ يَاقُوتَيَانِ حَمْرَاوَانِ وَ رِجْلَاهُ مِنَ الزَّبْرِجَدِ الْأَخْضَرِ وَ هُوَ يَنَادِي «لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ وَلِيُّ اللَّهِ فَاطِمَةُ وَ وَلَدَهَا الْحَسَنُ وَ الْحُسَيْنُ صَفْوَةُ اللَّهِ يَا غَافِلِينَ اذْكُرُوا اللَّهَ عَلَى مُبْغِضِهِمْ لَعْنَةُ اللَّهِ» ابن عباس می‌گوید: پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند: شبی که به معراج رفته بودم خروسی را دیدم که بدنش در سفید و دو چشمش از یاقوت قرمز و دو پایش از زبرجد سبز بود و این خروس صدا می‌زد: «هیچ خدایی جز الله نیست، محمد صلی الله علیه و آله و سلم فرستاده‌ی خداست، علی بن ابیطالب علیه السلام امیرالمؤمنین، دوست صمیمی خداست، فاطمه سلام الله علیها و دو فرزندش حسن و حسین علیهما السلام برگزیدگان خدا هستند. ای غافلین، یاد خدا کنید که بر دشمنان اینان لعنت خداست (و با لعنت بر دشمنان اینان، به یاد خدا باشید).»

عروج علی علیه السلام به آسمان برای حکم بین ملائکه

عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ مَسْعُودٍ قَالَ: أَتَيْتُ فَاطِمَةَ سَلَامَ اللَّهِ عَلَيْهَا فَقُلْتُ لَهَا: أَيْنَ بَعْلُكَ؟ فَقَالَتْ عَرَجَ بِهِ جَبْرَائِيلُ عَلَيْهِ السَّلَامُ إِلَى السَّمَاءِ. فَقُلْتُ فِي مَاذَا؟ فَقَالَتْ: إِنَّ نَفْرًا مِنَ الْمَلَائِكَةِ تَشَاجَرُوا فِي شَيْءٍ فَسَأَلُوا حَكَمًا مِنَ الْإِدْمِينِ فَأَوْحَى اللَّهُ تَعَالَى إِلَيْهِمْ أَنْ تَخَيَّرُوا، فَاخْتَارُوا عَلِيَّ بْنَ أَبِيطَالِبٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ. عَبْدُ اللَّهِ بْنُ مَسْعُودٍ كَفْتَهُ: خَدِمْتَ حَضْرَتَ زَهْرَا سَلَامَ اللَّهِ عَلَيْهَا رَسِيدًا وَ عَرَضَ كَرْدَمَ شَوْهَرْتِ كَجَاسْتِ؟ فَرَمُودُ: جَبْرَائِيلُ أَوْ رَا بَهْ آسْمَانَ بَرْدَهْ أَسْت. عَرَضَ كَرْدَمَ دَر چَه رَابِطَهْ آي؟ فَرَمُودُ: گَرُوهِي اَز مَلَائِكَه دَر مَسْأَلَهْ آي مَشَاجِرَه نَمُودَه خَوَاسْتَارِ حَكَمِي اَز مِيَانِ آدَمِيَانِ شَدَنَد. سَبَسِ خَدَاوَنَد تَعَالَى بَه أَنَهَا وَحِي فَرَمُودَ كَه حَكَمَ رَا اِنْتِخَابَ نَمَايِيد وَ مَلَائِكَه عَلِيَّ بْنَ أَبِيطَالِبٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ رَا بَرگَزِيدَنَد. (۴۸)

چشم بینای خداوند در میان بندگان، علی علیه السلام است.

رَوَى الْأَصْبَغُ بْنُ نَبَاتَةَ أَنَّ أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ كَانَ يَجْلِسُ لِلنَّاسِ فِي نَجْفِ الْكُوفَةِ، فَقَالَ يَوْمًا لِمَنْ حَوْلَهُ مَنْ يَرِي مَا أَرِي؟ فَقَالُوا: وَ مَا تَرَى يَا عَيْنَ اللَّهِ النَّاطِرَةَ فِي عِيَادِهِ؟ فَقَالَ: أَرَى بَعِيرًا يَحْمِلُ جِنَازَةً وَ رَجُلًا يَسُوقُهُ وَ رَجُلًا يَقُودُهُ وَ سَيَأْتِيكُمْ بَعِيدٌ ثَلَاثًا. فَلَمَّا كَانَ الْيَوْمَ الثَّلَاثُ قَدِمَ الْبَعِيرُ وَ الْجِنَازَةُ مَشْدُودَةٌ عَلَيْهِ وَ رَجُلَانِ مَعَهُ فَسَلَّمَ عَلَيَّ الْجَمَاعَةُ فَقَالَ لَهُمَا أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ بَعْدَ أَنْ حَيَّاهُمَا مَنْ أَنْتُمْ وَ مَنْ أَيْنَ أَقْبَلْتُمْ وَ مَنْ هَيْدِهِ الْجِنَازَةُ وَ لِمَاذَا قَدِمْتُمْ؟ أَصْبَغُ بْنُ نَبَاتَةَ رَوَايَتِ كَرْدَمَ كَه اَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ دَر بَلَنْدِيهَای كُوفَه بَرَايَ بَرَاوَرْدَنِ حَاجَاتِ مَرْدَمِ مِي نَشَسْت. رُوزِي بَه اَفْرَادِي كَه دَر اَطْرَافِ آن جَنَابِ بُونَدَن فَرَمُودُ: كَدَامِيَكِ اَز شَمَا أَنچَه رَا كَه مَن مِي بِيَنَمِ مِي بِيَنَد؟ كَفْتَنَد: آي چَشْمِ بِيَنَایِ خَدَا دَر مِيَانِ بَنَدگَانَش! چَه چيزِي رَا مِي بِيَنِي؟ فَرَمُودُ: شَتْرِي رَا مِي بِيَنَمِ كَه جِنَازَهْ آي رَا حَمَلِ مِي كَنَد وَ مَرْدِي رَا مِي بِيَنَمِ كَه شَتْر رَا مِي رَاَنَد وَ مَرْدِ دِيگَرِي زَمَامِ آن رَا مِي كَشَد وَ بَه زُودِي بَعْدَ اَز گَزَشْتِ سَه رُوزِ بَر شَمَا وَارَدِ مِي شُونَد. وَ قَتِي رُوزِ سَوْمِ فَرَا رَسِيدِ آن دُو مَرْدِ بَه هَمْرَاهِ شَتْرِ دَر حَالِي كَه جِنَازَهْ آي بَر رُويِ آن بَسْتَه شَدَه بُوَد، وَارَدِ شَدَنَد وَ بَر جَمَاعَتِ سَلَامِ كَرْدَنَد. اَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ بَعْدَ اَز اَحْوَالِ پَرَسِيدِ شَمَا كِي هَسْتِيد وَ اَز كَجَا مِي آيِيد وَ اِينِ جِنَازَهْ كِيَسْت وَ بَرَايِ چَه آمَدَه آيِد؟ فَقَالُوا: نَحْنُ مِنَ الْيَمَنِ وَ أَمَّا الْمَيْتُ فَأَبُونَا وَ إِنَّهُ عِنْدَ الْمَيِّتِ أَوْصِي إِيْنَا فَقَالَ إِذَا غَسَلْتُمُونِي وَ كَفَّيْتُمُونِي وَ صَلَّيْتُمْ عَلَيَّ فَاحْمِلُونِي عَلَيَّ بَعِيرِي هَذَا إِلَى الْعِرَاقِ وَ اذْفُنُونِي هُنَاكَ بِنَجْفِ الْكُوفَةِ فَقَالَ لَهُمَا أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ هَلْ سَأَلْتُمَا لِمَاذَا فَاقَالَا أَجَلٌ قَدْ سَأَلْنَاهُ فَقَالَ يَدْفَنُ هُنَاكَ رَجُلٌ لَوْ شَفَّعَ فِي يَوْمِ الْعَرَضِ فِي أَهْلِ الْمَوْقِفِ لَشَفَّعَ فَقَامَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَ قَالَ صِدَقَ أَنَا وَ اللَّهُ ذَلِكَ الرَّجُلُ. عَرَضَه دَاشْتَنَد مَا اَز أَهْلِ يَمَنِ هَسْتِيم. اَمَا اِينِ مِيَتِ پَدَرِ مَاسْتِ وَ هَنگَامِ مَرگِ بَه مَا وَصِيَتِ كَرْد وَ كَفْت: وَ قَتِي كَه مَرَا غَسَلِ

دادید و کفن نمودید و بر من نماز خواندید، مرا به این شترم سوار کنید و به جانب عراق بیرید و در بلندیهای کوفه دفن نمایید. امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود: آیا از او سؤال کردید برای چه چنین کنیم؟ گفتند: آری از او پرسیدیم و او پاسخ داد که در آنجا مردی دفن می‌شود که اگر در روز قیامت تمام اهل محشر را شفاعت نماید به شفاعتش پذیرفته می‌شود. امیرالمؤمنین علیه السلام برخاست و فرمود: راست گفته، به خدا قسم آن مرد من هستم. (۴۹)

عائب بر امیرالمومنین علیه السلام مشرک به خداست

حَدَّثَنَا سَعِيدٌ الْأَعْرَجُ قَالَ دَخَلْتُ أَنَا وَ سَلِيمَانُ بْنُ خَالِدٍ عَلَى أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ فَأَبْتَدَأْنَا فَقَالَ: يَا سَلِيمَانُ مَا جَاءَ عَنْ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ يُؤْخَذُ بِهِ وَ مَا نَهَى عَنْهُ يُنْتَهَى عَنْهُ جَزَى لَهُ مِنَ الْفَضْلِ مَا جَزَى لِرَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّمَ وَ لِرَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّمَ الْفَضْلُ عَلَى جَمِيعِ مَنْ خَلَقَ اللَّهُ الْمُعَيَّبُ عَلَى أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ فِي شَيْءٍ مِنْ أَحْكَامِهِ كَالْمُعَيَّبِ عَلَى اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ وَ عَلَى رَسُولِهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّمَ وَ الرَّأْدُ عَلَيْهِ فِي صَغِيرَةٍ أَوْ كَبِيرَةٍ عَلَى حَدِّ الشَّرْكِ بِاللَّهِ كَانَ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ صَلَوَاتِ اللَّهِ عَلَيْهِ بَابِ اللَّهِ الَّذِي لَا يُؤْتَى إِلَّا مِنْهُ وَ سَبِيلَهُ الَّذِي مَنْ سَلَكَ بِغَيْرِهِ هَلَكَ وَ بِذَلِكَ جَرَتْ الْأَيْمَةُ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ وَاحِدٌ بَعِيدٌ وَاحِدٌ جَعَلَهُمُ اللَّهُ أَرْكَانَ الْأَرْضِ أَنْ تَمِيدَ بِهِمْ وَ الْحُجَّةَ الْبَالِغَةَ عَلَى مَنْ فَوْقَ الْأَرْضِ وَ مَنْ تَحْتَ الثَّرَى. سعيد اعرج گوید: من و سلیمان بن خالد، خدمت امام صادق علیه السلام رسیدیم، حضرت آغاز به سخن نمود و فرمود: ای سلیمان، هر امری که از امیرالمومنین علیه السلام رسید، باید اخذ شود و از هر چه نهی فرموده باید ترک شود. برای او همان فضیلتی است که برای رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم است و رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم برتر از تمام مخلوقات خداست. کسی که نسبت به چیزی از احکام او عیب گیرد، مانند کسی است که بر رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم عیب گرفته است و هر که او را در امری، کوچک یا بزرگ، رد کند در مرز شرک به خداست. امیرالمومنین علیه السلام دری است که از غیر آن به خدا نتوان رسید و راه به سوی خداست که هر که جز آن پوید، هلاک شود و همچنین است مقام ائمه علیهم السلام یکی پس از دیگری، خدا ایشان را ارکان زمین قرارداد تا اهلش را نجنباند و حجت رسای خویش نمود تا بر کسانی که روی زمین و زیر خاک هستند.

خدایا تا چهره‌ی علی علیه السلام را به من نشان نداده‌ای مرا نمیران

... (ابو جراح گفت: نقل نمود به من جابر فرزند صبیح گفت: حدیث کرد به من ام سرجیل و گفت: نقل کرد به من ام عطیه که رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم لشکری را به جنگی فرستاد و علی ابن ابیطالب علیه السلام در میان آنان بود، پس من شنیدم که رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم دعا کرده و دستش را بلند کرده و می‌فرمود: خدایا تا چهره‌ی علی علیه السلام را به من نشان نداده‌ای مرا نمیران. (۵۰)

حدیث کوثر

عَنْ أَنَسِ بْنِ مَالِكٍ قَالَ سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّمَ يَقُولُ لَمَّا أُشْرِيَ بِي إِلَى السَّمَاءِ السَّابِعَةِ قَالَ لِي جَبْرَائِيلُ تَقَدَّمَ يَا مُحَمَّدُ أَمَامَكَ وَ أَرَانِي الْكَوْثَرَ وَ قَالَ يَا مُحَمَّدُ هَذَا الْكَوْثَرُ لَكَ دُونَ النَّبِيِّينَ فَرَأَيْتُ عَلَيْهِ قُصُورًا كَثِيرَةً مِنَ اللَّوْلُؤِ وَ الْيَاقُوتِ وَ الدَّرِّ وَ قَالَ يَا مُحَمَّدُ هَذِهِ مَسَاكِنُكَ وَ مَسَاكِنُ وَزِيرِكَ وَ وَصِيَّتِكَ عَلِيٌّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ وَ ذُرِّيَّتُهُ الْأَبْرَارُ قَالَ فَضَرَبْتُ بِيَدِي إِلَى بِلَاطِهِ فَشَمَمْتُهُ فَإِذَا هُوَ مَشِيكٌ وَ إِذَا أَنَا بِالْقُصُورِ لَبِنَةٌ ذَهَبٌ وَ لَبِنَةٌ فِضَّةٌ. آنس بن مالک می‌گوید: از رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم شنیدم که می‌فرمود: شب معراج در مکانی از آسمان هفتم جبرئیل به من گفت: ای محمد به جلو برو و در همین حال کوثر را به من نشان داد و گفت: ای محمد؛ این کوثر در میان تمام انبیاء فقط اختصاص به تو دارد. و من در آن قصرهای زیادی از لؤلؤ و یاقوت و در دیدم.

جبرئیل به من گفت: یا محمد؛ این قصرها جایگاه تو و جایگاه جانشین و وزیر تو علی بن ابیطالب علیه السلام و ذریه‌ی پاک و نیکوکار او می‌باشد. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم در ادامه فرمودند: پس من دستم را بر سنگی از آن زدم و آن را بو کردم و بوی مشک دستم را فراگرفته بود و دیدم که قصرهای کوثر از طلا و نقره ساخته شده بود. (۵۱)

حدیث اصحاب کهف و علی علیه السلام

مَا رَوَى عَنْ شَرِيكَ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ ... أَنَّ النَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ بَعَثَ عَلِيًّا عَلَيْهِ السَّلَامُ وَابَابَكْرَ وَعُمَرَ إِلَى أَصْحَابِ الْكَهْفِ فَقَالَ اتَّوَهُمُ فَأَبْلَغُهُمْ مَنِي السَّلَامِ. فَلَمَّا خَرَجُوا مِنْ عِنْدِهِ قَالُوا: «لِعَلِّي تَذَرِي أَيْنَ هُمْ». فَقَالَ: «مَا كَانَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ يَبْعَثُنَا إِلَى مَكَانٍ إِلَّا هَدَانَا اللَّهُ لَهُ» فَلَمَّا أَوْقَفَهُمْ عَلَى بَابِ الْكَهْفِ قَالَ: «يَا أَبَا بَكْرٍ سَلِّمْ فَإِنَّكَ أَسْتَنَّا». فَسَلَّمَ فَلَمْ يُجِبْ. ثُمَّ قَالَ: «يَا أَبَا حَفْصٍ سَلِّمْ فَإِنَّكَ أَسْنُ مَنِي». فَسَلَّمَ فَلَمْ يُجِبْ. قَالَ: فَسَلِّمْ عَلَيَّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ فَزِدُوا السَّلَامَ وَحَيَّوْهُ وَأَبْلَغُهُمْ سَلَامَ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ فَزِدُوا عَلَيْهِ. فَقَالَ أَبُو بَكْرٍ: «سَلِّمْ مَا لَهُمْ سَلَّمْنَا عَلَيْهِمْ فَلَمْ يُسَلِّمُوا عَلَيْنَا». قَالَ: «سَلِّمْ هُمْ أَنْتَ». فَسَأَلَهُمْ فَلَمْ يَتَكَلَّمُوا ثُمَّ سَأَلَهُمْ عُمَرُ فَلَمْ يُكَلِّمُوهُ، فَقَالَ: «يَا أَبَا الْحَسَنِ سَلِّمْ هُمْ أَنْتَ». قَالَ عَلِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ: «إِنَّ صَاحِبِي هَذَيْنِ سَأَلَانِي أَنْ أَسْأَلَكُمْ لِمَ رَدَدْتُمْ عَلَيَّ وَلَمْ تَزِدُوا عَلَيْهِمَا؟» قَالُوا: «لَأَنَّا لَا نَكَلِّمُ إِلَّا نَبِيًّا أَوْ وَصِيَّ نَبِيٍّ». شَرِيكَ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ مِي گويد: پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم علی علیه السلام و ابو بکر و عمر را به سوی اصحاب کهف فرستاد و فرمود: سلام مرا به آنها برسانید. وقتی که از نزد پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم بیرون رفتند، آن دو به علی علیه السلام گفتند: جای آنها را می‌شناسی؟ حضرت فرمود: «پیامبر ما را جایی نمی‌فرستد. مگر اینکه خدا ما را به آنجا هدایت کند!» هنگامی که بر در غار رسیدند، علی علیه السلام به ابوبکر گفت: «تو سلام کن چون تو مومن تر از ما هستی». او سلام کرد ولی به او جواب ندادند. امام علیه السلام به عمر گفت: «ای ابا حفص تو سلام کن، چون سن تو نیز از سن من زیادتر است». عمر سلام کرد ولی به او نیز جواب ندادند. اما وقتی که علی علیه السلام سلام داد. جواب او را دادند و حضرت سلام پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم را به آنها رساند و آنها نیز بر پیامبر سلام رساندند. ابوبکر گفت: از اینها پرس چرا جواب ما را ندادند ولی جواب تو را دادند؟ حضرت فرمود: خودت پرس. ابوبکر پرسید، ولی با او سخن نگفتند: عمر نیز پرسید باز هم حرف نزدند. به حضرت گفتند: ای ابا الحسن! تو سؤال کن. حضرت فرمود: رفقای من می‌گویند: چرا جواب آنها را ندادید، ولی جواب مرا دادید. گفتند: «ما فقط با پیامبر و وصی او سخن می‌گوییم.» (۵۲)

حدیث مصافحه علی علیه السلام

عَنْ ابْنِ عَبَّاسٍ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ: مَنْ صَافَحَ عَلِيًّا عَلَيْهِ السَّلَامُ فَكَأَنَّمَا صَافَحَنِي وَمَنْ صَافَحَنِي فَكَأَنَّمَا صَافَحَ أَرْكَانَ الْعَرْشِ وَمَنْ عَانَقَنِي فَكَأَنَّمَا عَانَقَ الْأَنْبِيَاءَ كُلَّهُمْ وَمَنْ صَافَحَ مُجِيبًا لِعَلِّي غَفَرَ اللَّهُ لَهُ الذُّنُوبَ وَأَدْخَلَهُ الْجَنَّةَ بِغَيْرِ حِسَابٍ. (۵۳) ابن عباس می‌گوید: رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند: هر کس با علی علیه السلام مصافحه کند، مانند آن است که با من مصافحه نموده و هر کس با من مصافحه نماید، مانند آن است که با ارکان عرش مصافحه کرده و هر کس با علی علیه السلام معانقه کند، مانند آن است که با من معانقه کرده و هر کس با من معانقه کند مانند آن است که با همه‌ی انبیاء علیهم السلام معانقه کرده باشد و هر کس با محبت، علی علیه السلام را مصافحه نماید، خداوند گناهان او را ببخشد و او را بدون حساب داخل بهشت کند.

شوق درخت طوبی به حضرت علی علیه السلام

امام محمد باقر علیه السلام از اجداد طاهرينشان عليهم السلام نقل می‌کنند که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند: در

شب معراج در آسمان ششم درختی دیدم که زیباتر و بزرگتر از آن درخت را تا به حال ندیده بودم. پس به جبرئیل گفتم: ای دوست من! - جبرئیل - این درخت چیست؟ گفت: این درخت طوبی است ای حبیب من. گفتم: این صدای زیبا و بلند که می‌آید چیست؟ گفت: این صدای درخت طوبی است. گفتم چه می‌گوید: گفت: مرتب می‌گوید: «وَأَشْوَقَاةً إِلَيْكَ يَا عَلِيُّ بْنَ أَبِي طَالِبٍ» ای علی چقدر مشتاق تو هستم. (۵۴)

علی علیه السلام وارث پیراهن شب معراج

در روایتی است که امام صادق علیه السلام فرمودند: پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم در آخرین لحظه‌های زندگی خود حضرت علی علیه السلام را وارث اموال خود معرفی نمودند و از جمله آن اموال پیراهنی بود که پیامبر با آن به معراج رفته بودند: «وَالْقَمِيصِ الَّذِي أُسْرِيَ بِهِ فِيهِ» (۵۵)

شوق درخت سدره المنتهی به علی علیه السلام

عَنْ أَبِي أَيُّوبَ الْأَنْصَارِيِّ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ لَمَّا أُسْرِيَ بِي إِلَى السَّمَاءِ وَانْتَهَيْتُ إِلَى سِدْرَةِ الْمُنْتَهَى شِمَمْتُ وَهَبَّتْ مِنْهَا رِيحٌ نَبَقَهَا فَقُلْتُ لِحَبْرَائِيلَ: مَا هَذَا؟ فَقَالَ: هَذِهِ سِدْرَةُ الْمُنْتَهَى اشْتَاقْتُ إِلَيَّ ابْنِ عَمِّكَ حِينَ نَظَرْتُ إِلَيْكَ فَسَمِعْتُ مُنَادِيًا يَنَادِي مِنْ عِنْدِ رَبِّي مُحَمَّدٌ خَيْرُ الْأَنْبِيَاءِ وَالْمُرْسَلِينَ وَآمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ خَيْرُ الْأَوْلِيَاءِ عَلَيْهِمُ الصَّلَاةُ وَالسَّلَامُ. (۵۶) ابویوب انصاری (علیه الرحمه) نقل می‌کند که پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند: چون شب معراج به آسمانها برده شدم، در سدره المنتهی نسیم و بوی خوشی احساس کردم. به جبرئیل گفتم: این نسیم و بوی خوش چیست؟ گفت: این سدره المنتهی است موقعی که به تو نگاه کرد مشتاق پسر عمویت علی بن ابیطالب علیه السلام شد در این هنگام به سوی تو نگاه کرد پس شنیدم که منادی ندا می‌دهد که محمد بهترین انبیاء و امیرالمومنین بهترین اولیاء است.

وسعت قلب علی علیه السلام

عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ قَالَ: كُنْتُ عِنْدَ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ إِذَا أَقْبَلَ عَلَيَّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ فَقَالَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ: «يَا أَبَاهُزَيْرَةَ! أَتَدْرِي مَنْ هَذَا؟» قُلْتُ نَعَمْ يَا رَسُولَ اللَّهِ هَذَا عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ فَقَالَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ: هَذَا الْبَحْرُ الرَّاخِرُ هَذَا الشَّمْسُ الطَّالِعَةُ أَسِيحِي مِنَ الْفِرَاتِ كَفًّا وَأَوْسَعُ مِنَ الدُّنْيَا قَلْبًا فَمَنْ أَبْغَضَهُ فَعَلَيْهِ لَعْنَةُ اللَّهِ (۵۷) ابوهزیره می‌گوید: در خدمت رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم بودیم که علی بن ابیطالب علیه السلام وارد شد؛ پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند: ای أباهزیره! آیا می‌دانی این کیست؟ عرضه داشتم: آری ای رسول خدا! این علی بن ابیطالب است. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند: این است دریای مواج، این است خورشید فروزان، دست با سخاوت او بخشنده‌تر از فرات، قلب او وسیع‌تر از دنیاست؛ پس هر که بغض و کینه‌ی او را در دل داشته باشد لعنت خدا بر او باد.

هر کس ولایت علی علیه السلام را داشته باشد به کمال می‌رسد

عن ابن عباس قال: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ: عَلِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ مَنِّي بِمَنْزَلَةِ دَمِي مِنْ يَدَنِي مَنْ تَوَلَّاهُ رَشَدَ وَمَنْ أَحْبَبَهُ نَهَجَ وَمَنْ تَبِعَهُ نَجَا أَلَا وَ إِنَّ عَلِيًّا رَابِعُ الْأَرْبَعَةِ فِي الْفِرْدَوْسِ: أَنَا وَهُوَ وَ الْحَسَنُ وَ الْحُسَيْنُ (۵۸) ابن عباس می‌گوید: رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند: علی علیه السلام نسبت به من، به منزله‌ی خون من در بدنم است، هر کس ولایت او را داشته باشد، رشد می‌کند (به کمال می‌رسد) و هر کس او را دوست داشته باشد، راهش روشن است و در صراط مستقیم است و هر کس از او

تبعیت کند نجات یابد آگاه باشید! علی علیه السلام چهارمین نفر از چهار نفر (ممتاز) اهل بهشت می‌باشد (آن چهار نفر عبارتند از: من و علی علیه السلام و حسن و حسینعلیهما السلام).

حدیث السطل

عن طاووس، عن ابن عباس، قال صَلَّى بنا رسولُ الله صلى الله عليه وآله وسلم صِيْلَةَ الْعَصْرِ، ثُمَّ قَامَ عَلَي قَدَمَيْهِ، فَقَالَ: «مَنْ يَجِبُنِي وَ يَحِبُّ أَهْلَ بَيْتِي فَلْيَتَّبِعْنِي» فَاتَّبَعْنَاهُ بِأَحْمَعْنَا حَتَّى أَتَى مَنْزِلَ فَاطِمَةَ سَلَامِ اللَّهِ عَلَيْهَا فَفَرَعَ الْبَابَ قَرْعًا خَفِيْفًا فَخَرَجَ إِلَيْهِ عَلِيُّ بْنُ أَبِيطَالِبٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَ عَلَيْهِ شِمْلَةٌ وَ يَدُهُ مُلَطَّخَةٌ بِالطَّيْنِ، فَقَالَ لَهُ «يَا أَبَا الْحَسَنِ! حَدِّثِ النَّاسَ بِمَا رَأَيْتَ أَمْسِ» فَقَالَ عَلِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ: «نَعَمْ فِدَاكَ أَبِي وَ أُمِّي يَا رَسُولَ اللَّهِ! بَيْنَمَا أَنَا فِي وَقْتِ صِيْلَةِ الظُّهْرِ أَرَدْتُ الظُّهْرَ، فَلَمْ يَكُنْ عِنْدِي الْمَاءُ، فَوَجَّهْتُ وَ لَدَى الْحَسَنِ وَ الْحُسَيْنِ فِي طَلَبِ الْمَاءِ فَأَبْطِئًا عَلَي إِذَا أَنَا بِهَاتِفٍ يَهْتَفُ: يَا أَبَا الْحَسَنِ! أَقْبِلْ عَلَي يَمِينِكَ، فَالْتَفْتُ إِذَا أَنَا بِقَدَسٍ مِنْ ذَهَبٍ مُعَلَّقٍ، فِيهِ مَاءٌ أَشَدُّ بِيَاضًا مِنَ الثَّلْجِ وَ أَحْلَى مِنَ الْعَسَلِ فَوَجَدْتُ فِيهِ رَائِحَةَ الْوَرْدِ فَتَوَضَّأْتُ مِنْهُ وَ شَرَبْتُ جُرْعَاتٍ ثُمَّ قَطَّرْتُ عَلَي رَأْسِي قَطْرَةً وَ جَدْتُ بَرْدَهَا عَلَي فُوَادِي». فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّمَ: «هَلْ تَدْرِي مِنْ أَيْنَ ذَلِكَ الْقَدَسُ؟» قَالَ «اللَّهُ تَعَالَى وَ رَسُولُهُ أَغْلَمُ» قَالَ: الْقَدَسُ مِنْ أَقْدَاسِ الْجَنَّةِ وَ الْمَاءُ مِنْ تَحْتِ شَجَرِهِ طُوبَى أَوْ قَالَ مِنْ نَهْرِ الْكُوْتَرِ وَ أَمَا الْقَطْرَةُ فَمِنْ تَحْتِ الْعَرْشِ» ثُمَّ صَمَّه رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّمَ إِلَى صَيْدَرِهِ وَ قَبَّلَ مَا بَيْنَ عَيْنَيْهِ ثُمَّ قَالَ حَبِيبِي مَنْ كَانَ خَادِمُهُ بِالْأَمْسِ جَبْرِئِيلُ عَلَيْهِ السَّلَامُ فَمَحَلُّهُ وَ قَدْرُهُ عِنْدَ اللَّهِ عَظِيمٌ» (۵۹) ابن عباس می‌گوید: نماز عصر را پشت سر رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم خواندیم، آنگاه پس از نماز روی پای مبارک ایستادند و فرمودند: هر کس من و اهل بیت مرا دوست می‌دارد، با من بیاید. ما همگی پشت سر رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم به راه افتادیم تا به منزل فاطمه سلام الله علیها رسیدیم آنگاه پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم آهسته در زدند، پس علی بن ابیطالب علیه السلام آمدند، در حالی که عبا به دور خود پیچیده و دست ایشان گل آلود بود، پیامبر خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند: ای ابالحسن! آنچه را روز گذشته دیده‌ای برای مردم تعریف کن. علی علیه السلام عرض کرد: آری، پدر و مادرم فدای شما باد ای رسول خدا! دیروز هنگام نماز ظهر، خواستم وضو بگیریم، اما آب در خانه نبود پس فرزندانم حسن و حسین علیهما السلام را به دنبال آب فرستادم، اما آنها دست خالی بازگشتند. ناگهان هاتفی ندا داد: ای ابالحسن! به طرف راست برو! پس به سمت راست نگاه کردم، سطل آبی میان زمین و آسمان معلق بود، در آن آبی از برف سفیدتر و از عسل شیرین‌تر بود که بویی همچون عطر گل داشت با آن آب وضو ساختم و چند جرعه نیز از آن آب آشامیدم، پس قطره آبی هم بر سرم ریختم، که خنکی آن در قلبم احساس نمودم. پس رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند: آیا می‌دانی این سطل آب از کجا آمده بود؟ علی علیه السلام عرض کرد: خدا و رسولش دانایتر است. رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند: این سطل از سطل‌های بهشت و آب داخل آن از زیر درخت طوبی بود و اما آن قطره که (خنکی آن را در قلبت احساس نمودی) از زیر عرش الهی بود پس رسول خدا او را در آغوش گرفتند و سینه‌ی خود را به سینه‌ی او چسبانیدند و بین دو چشم او را بوسیدند و فرمودند: حبیب من کسی است که جبرئیل علیه السلام دیروز خادمش بوده پس قدر و منزلت او نزد خداوند بسیار عظیم است.

حک شدن نام علی علیه السلام روی عقیق

سید رضی در مناقب مفاخر می‌گوید: شیخ واعظ پدر مجد پسر رشاد از شیخ غزالی روایت کرده است: وقتی مهاجرین خواستند از حَبَشَةُ به مدینه بازگردند، پادشاه حَبَشَةُ به آنها گفت: من می‌خواهم هدیه‌ای برای پیامبران بفرستم، آن‌گاه چند دانه یاقوت و عقیق داخل کیسه‌ای گذاشت و به آنها داد، پس مهاجرین خداحافظی کردند و به مدینه بازگشتند و آن هدایا را به پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم دادند، ایشان آن هدایا را بین اصحاب تقسیم کردند و هیچ چیزی برای خودشان نگذاشتند به جز یک دانه عقیق، سپس به

امام علی علیه السلام رو کردند و فرمودند: ای علی! برو نزد نقاش تا آنچه من دوست دارم یعنی «لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ» را روی این عقیق حک کند. علی علیه السلام هم نزد نقاش رفت و به او گفت: روی این عقیق آنچه را رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم دوست دارد یعنی «لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ» را و هر آنچه را که من دوست دارم یعنی «مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ» را حک کن. نقاش نیز آن را به دستور امام علی علیه السلام روی عقیق حک کرد و امام علی علیه السلام آن را برداشتند و نزد پیامبر برگشتند و آن را به پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم دادند، وقتی پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم عقیق را دیدند خیلی تعجب کردند و به امام علی علیه السلام فرمودند: ای علی! آیا به تو نگفتم فقط یک سطر روی آن حک کند، پس چرا این سه سطر است؟ امام علی علیه السلام در جواب پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم عرض کردند: قسم به آن خدایی که شما را بر حق برگزید، من فقط به نقاش گفتم دو سطر روی عقیق حک کند، آنچه را که شما دوست داشتید «لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ» و آنچه را که من دوست داشتم «مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ» و من از سطر سوم هیچ خبر ندارم، پس در همان لحظه جبرئیل امین علیه السلام نازل شد و فرمود: ای محمد! پروردگارت به تو سلام می‌رساند و ... می‌فرماید: سلام مرا به علی علیه السلام برسان و ... ای محمد! تو به علی امر فرمودی آنچه را که دوست داشتی حک کند و علی علیه السلام نیز آنچه را که دوست داشت به نقاش امر فرمود و ما نیز آنچه را که دوست داشتیم امر فرمودیم؛ «عَلَيَّْ وَلِيُّ اللَّهِ». (۶۰)

عقد اخوت پیامبر فقط با علی علیه السلام

احمد بن حنبل آورده است که عمر گفت: پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم مراسم اخوت و برادری را بین مسلمانان برقرار کرد و علی علیه السلام را ترک نمود تا کار به پایان رسید و برادری برای علی معرفی نشد. پس علی علیه السلام فرمود: یا رسول الله! مراسم اخوت را بین افراد مسلمان برقرار نمودی اما مرا ترک کردی! پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: از چه رو پنداری تو را ترک کردم؟ همانا تو را ترک نمودم برای خودم آنگاه فرمود: «أَنْتَ أَخِي وَأَنَا أَخُوكَ فَإِنْ ذَاكَرَكَ أَحَدٌ فَقُلْ أَنَا عَبْدُ اللَّهِ وَأَخُو رَسُولِ اللَّهِ لَا يَدْعِيهَا بَعْدَكَ إِلَّا كَذَّابٌ تُوِّبَ لَكَ مِنْهُ وَمَنْ بَرَّادٌ تُوِّبَ لَكَ مِنْهُ» پس اگر کسی در این باره با تو سخن گفت، بگو من بنده خدا و برادر رسول هستم، هرگز کسی بعد از من ادعای این مقام را نکند مگر کذاب دروغگو. (۶۱)

حدیث نخله صیحانی

علامه عینی صنفی با ذکر سند نقل کرده است که ابوبکر گفت: رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم گویا هنگامی که ندایی از درخت خرمایی به گوش حضرتش رسید فرمود: اُتَدْرُونَ مَا قَالَتِ النَّخْلَةُ؟ آیا می‌دانید نخله چه گفت؟ ما گفتیم: خدا و رسولش بدان آگاهتر باشند. پیامبر فرمود: صاحت «هَذَا مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ وَصِدِّيُّهُ عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ» (۶۲) درخت نخله‌ی فریاد زد: این محمد، رسول خدا است و وصیش علی بن ابیطالب علیه السلام «فَسَمَّاهَا النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ مِنْ تِلْكَ الصَّخِيهِ؛ «نَخْلَةُ الصَّيْحَانِي» پس به همین علت (که آن نخل صیحه زد) پیامبر خدا صلی الله علیه و آله و سلم آن را نخل صیحانی نامیدند.

حدیث جام آسمانی

در ارشاد القلوب دیملی از حضرت صادق علیه السلام روایت شده که: رسول خدا در جای از مسجدش در مدینه نشست و گروهی از مهاجرین و انصار گردش بودند و حضرت امیرالمومنین هم در طرف راست و ابوبکر و عمر هم در طرف چپ پیامبر بودند ناگاه ابری بر او سایه افکند حضرت رسول فرمود ای ابوالحسن! از طرف خداوند ارمغانی به ما داده شد بعد پیامبر دستش را به سوی ابر دراز کرد و نزدیک شد، به دست پیامبر از آن ابر جامی آشکار شد و به طوری می‌درخشید که چشمهای مسجدیان را خیره کرد آن جام را بوهای خوشی بود که عقل را از سر مردم می‌برد آن جام با زبان عربی تسبیح و تقدیس و تمجید خدای تعالی را می‌کرد تا

اینکه در کف دست راست پیامبر قرار گرفت و می گفت: السَّلَامُ عَلَیْكَ يَا حَبِيبَ اللَّهِ وَ صِدْقُوتَهُ، وَ رَسُوْلُهُ الْمُخْتَارَ مِنَ الْعَالَمِيْنَ وَ الْمُفْضَلَ عَلَیْ أَهْلِیْ مُلْكِكَ اللَّهُ أَجْمَعِيْنَ مِنَ الْأَوَّلِيْنَ وَ الْآخِرِيْنَ وَ عَلَیْ وَصِيَّتِكَ خَيْرِ الْوَصِيَّيْنَ وَ إِمَامِ الْمُتَّقِيْنَ وَ أَمِيْرِ الْمُؤْمِنِيْنَ وَ نُورِ الْمَشِيَّتِيْرِیْنَ وَ سِرَاجِ الْمُفْتَدِيْنَ وَ عَلَیْ زَوْجَتِهِ ابْنَتِكَ فَاطِمَةَ خَيْرِ نِسَاءِ الْعَالَمِيْنَ الزَّهْرَاءِ فِي الزَّاهِرِيْنَ الْبُتُوْلِ أُمِّ الْأَيْمَةِ الرَّاشِدِيْنَ الْمُعْصُوْمِيْنَ وَ عَلَیْ سِبْطِيْكَ وَ نُورِيْكَ وَ رِيْحَانَتِيْكَ وَ قُوَّتِيْ عَيْنِيْكَ الْحَسَنُ وَ الْحُسَيْنُ فَسَمِعَ ذَلِكَ رَسُوْلُ اللَّهِ وَ أَمِيْرُ الْمُؤْمِنِيْنَ وَ الْحَسَنُ وَ الْحُسَيْنُ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ وَ جَمِيْعٌ مِنْ حَضَرَ يَسْمَعُوْنَ مَا يَقُوْلُ الْجَامُ وَ يَغْضُوْنَ أَبْصَارَهُمْ عَنْ تَلَاوُ نُورِهِ وَ رَسُوْلُ اللَّهِ يَكْتُمُ مِنْ حَمْدِ اللَّهِ وَ وَ شُكْرِهِ دَرُوْدٌ بِرِ تُو اِي دُوسْتِ خُدا وَ بِرِ گَرِيْدهِ حَقِّ اَزِ جِهَانِيَانِ وَ بِرِ تَرِي دَارِنْدِهِي بِرِ تَمَامِ بِنْدِگَانِ خُدا اَزِ اوْلِيْنِ وَ آخِرِيْنِ وَ دَرُوْدٌ بِرِ جَانَشِيْنِ تُو كِهِ بَهْتَرِيْنِ جَانَشِيْنِيَانِ اسْتِ. اِمَامِ پَرِهِيْزِ كَارَانِ اَمِيْرِ الْمُؤْمِنِيْنَ، نُورِ كَسَانِي كِهِ طَلَبِ نُورِ مِي كِنَنْدِ، چَرَاغِ اِقْتِدا كِنَنْدِگَانِ وَ دَرُوْدٌ بِرِ هَمْسَرِ او دَخْتَرِ تُو فَاطِمَه بَهْتَرِيْنِ زَنَانِ جِهَانِيَانِ زَهْرَايِ بَتُوْلِ مَادِرِ پِيْشُوَايِيَانِ هِدَايْتِ كِنَنْدِهِي مَعْصُوْمِ وَ پَا كِدَامَنْ وَ دَرُوْدٌ بِرِ دُو سَبْطِ تُو، دُو رِيْحَانِهِي تُو نُورِ چِشْمِهَايِ تُو حَسَنُ وَ حَسِيْنِ. رَسُوْلُ خُدا وَ اَمِيْرِ الْمُؤْمِنِيْنَ وَ حَسَنُ وَ حَسِيْنِ تَمَامْشَانِ شَنِيدَنْدِ اَنْچِه رَا كِهِ جَامِ كَفْتِ تَمَامِ حَاضِرَانِ دِيْدِگَانِ رَا اَزِ دَرِخْشِشِ جَامِ بَسْتَنْدِ رَسُوْلُ خُدا سِپَاسِ وَ شُكْرِ خُدا فَرَاوَانِ كَرْدِ تَا اِيْنَكِهِ جَامِ كَفْتِ: اِي رَسُوْلُ خُدا! خُدا مَرَا بِهِ سُوِي تُو وَ بَرَادَرْتِ عَلِي وَ دَخْتَرْتِ فَاطِمَه وَ حَسَنُ وَ حَسِيْنِ فَرَسْتَادِ. اِي رَسُوْلُ خُدا! مَرَا بِهِ دَسْتِ عَلِي عَلَيْهِ السَّلَامِ بَدِه. رَسُوْلُ خُدا صَلِي اللهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَمِ فَرَمُوْدِ بَگِيْرِ جَامِ رَا اِي اِبَا الْحَسَنِ كِهِ هِدِيَهِي خُدا اسْتِ بِهِ سُوِي تُو، عَلِي عَلَيْهِ السَّلَامِ جَامِ رَا گَرَفْتِ وَ بُوْسِيْدِ وَ بُوْيِيْدِ وَ كَفْتِ مَرْحَبَا بِهِ كَرَامَتِ خُدا بَرَايِ رَسُوْلِ وَ آلِ رَسُوْلِ. جَامِ، مُحَمَّدِ رَا سَتَايِشِ وَ تَبْشِيْرِ كَرْدِ وَ پَرُوْرِدِگَارِ رَا تَكْبِيْرِ وَ تَهْلِيْلِ كَفْتِ سِپَسِ كَفْتِ اِي رَسُوْلُ خُدا! بِهِ عَلِي بَگُو مَرَا بِهِ فَاطِمَه وَ حَسَنُ وَ حَسِيْنِ بَدِهْدِ چِنَانِ كِهِ خُدايِ عَزِ وَ جَلِ بِهِ مِنْ فَرْمَانِ دَادِه وَ رَسُوْلُ خُدا فَرَمُوْدِ: بِرِخِيْزِ يَا اِبَا الْحَسَنِ جَامِ رَا دَرِ اِخْتِيَارِ فَاطِمَه وَ دُو حَبِيْبِ مِنْ حَسَنُ وَ حَسِيْنِ قَرَارِ دِه. عَلِي حَرَكْتِ كَرْدِ وَ جَامِ رَا بَرِداشْتِ دَرِ حَالِي كِهِ نُورِ جَامِ اَزِ نُورِ خُوْرَشِيْدِ زِيَادْتَرِ بُوْدِ، بُوِي خُوْشِ اَنْ، خَرْدِهَا رَا زَايِلِ كَرْدِهِ بُوْدِ تَا اَنْكِهِ عَلِي بِرِ فَاطِمَه وَ حَسَنُ وَ حَسِيْنِ وَارِدِ شَدِ جَامِ رَا بِهِ اَنَانِ بَرِگَرْدَانْدِ هَمِه تَحِيْتِ كَفْتَنْدِ وَ جَامِ رَا بُوْسِيْدَنْدِ، ذَكْرِ مُحَمَّدِ وَ سِپَاسِ خُدا فَرَاوَانِ كَفْتَنْدِ بَعْدِ جَامِ رَا بِهِ رَسُوْلُ خُدا بَرِگَرْدَانْدَنْدِ. چُوْنِ جَامِ دَرِ دَسْتِ رَسُوْلِ خُدا قَرَارِ گَرَفْتِ عَمْرُ بَلَنْدِ شَدِ بِرِ دُو پَا اِيْسْتَادِ وَ كَفْتِ اِي رَسُوْلُ خُدا چَرَا هَرِ اَرْمَغَانِي كِهِ اَزِ طَرَفِ خُدا بَرَايِ تُو آوَرْدِه مِي شُوْدِ دَرِ اِخْتِيَارِ عَلِي وَ فَاطِمَه وَ حَسَنُ وَ حَسِيْنِ قَرَارِ مِي دِهِي، سِپَسِ رَسُوْلُ خُدا صَلِي اللهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَمِ فَرَمُوْدِ: وَايِ بِرِ تُو اِي عَمْرُ چِه چِيْزِ بِهِ تُو جَرَأْتِ دَادِه اِيَا سَخْنَانِ جَامِ رَا نَشَنِيدِي كِهِ اَزِ مَنْ مِي خُوَاسْتِ كِهِ او رَا بِهِ دِيْگَرَانِ اَزِ اَهْلِ بَيْتِمِ بَدِهْمِ. پَسِ عَمْرُ كَفْتِ: رَسُوْلُ خُدا اِجَازَه مِي دِهِي مِنْ هَمِ جَامِ رَا بَگِيْرِمِ وَ بَبُوْسِمِ وَ بَبُوْيِمِ فَرَمُوْدِ: وَايِ بِرِ تُو اِي عَمْرُ، بِهِ خُدا سُوْگَنْدِ كِهِ اِيْنِ كَارِ بَرَايِ غَيْرِ اَزِ مَا نِيْسْتِ نِه تُو وَ نِه تَمَامِي مَرْدَمِ. عَرَضِ كَرْدِ: اِي رَسُوْلُ خُدا اِجَازَه مِي فَرْمَايِيْدِ كِهِ دَسْتِي بِرِ جَامِ بَرِساْنَمِ حَضْرَتِ رَسُوْلِ فَرَمُوْدِ چَقْدَرِ اَصْرَارِ مِي كِنِي؟ اِگَرِ تُوَانَسْتِي دَسْتِ بِهِ جَامِ بَزْنِي مِنْ مُحَمَّدِ رَسُوْلِ خُدا نِيْسْتِمِ وَ اِيْنِ جَامِ هَمِ بِهِ حَقِّ اَزِ طَرَفِ خُدا نِيَامَدِه اسْتِ. عَمْرُ بَلَنْدِ شَدِ وَ دَسْتِ بِهِ طَرَفِ جَامِ دَرَازِ كَرْدِ دَسْتِشِ بِهِ جَامِ نَرَسِيْدِ جَامِ حَرَكْتِ كَرْدِ وَ بِهِ طَرَفِ اِبْرِ بَلَنْدِ شَدِ وَ مِي كَفْتِ اِي رَسُوْلُ خُدا بَا زَايِرِ اِيْنِ چِنِيْنِ رِفْتَارِ مِي كِنَنْدِ؟ سِپَسِ رَسُوْلُ خُدا فَرَمُوْدِ: وَايِ بِرِ تُو اِي عَمْرُ چِه چِيْزِ تُو رَا بِرِ خُدا وَ رَسُوْلِشِ جَرِي كَرْدِ. اِي اِبَا الْحَسَنِ بِرِخِيْزِ وَ دَسْتِ بِهِ سُوِي او دَرَازِ كِنِ، جَامِ رَا بَگِيْرِ وَ بِهِ او بَگُو خُدا بِهِ تُو فَرْمَانِ دَادِه كِهِ جَامِ رَا بِهِ مَا بَرِگَرْدَانِي تَا بِهِ جَامِ بَرِسِيْمِ، جَامِ رَا گَرَفْتِ عَلِي عَلَيْهِ السَّلَامِ بِهِ جَامِ كَفْتِ رَسُوْلُ خُدا مِي فَرْمَايِيْدِ چِه چِيْزِ خُداوَنْدِ بِهِ تُو فَرْمَانِ دَادِه كِهِ اَنْ رَا بَگُوِي كِهِ تُو فَرَامُوْشِ كَرْدِي بَگُوِي. جَامِ كَفْتِ: بَلِي اِي بَرَادَرِ رَسُوْلِ خُدا، خُداوَنْدِ بِهِ مَنْ فَرْمَانِ دَادِه بَگُوِيْمِ بَرَايِ شَمَا كِهِ خُداوَنْدِ مَرَا وَ قَفِ كَرْدِه بِرِ هَرِ مَرْدِ مُؤْمِنِ وَ مُؤْمَنِهِي اَزِ شِيْعِيَانِ شَمَا وَ فَرْمَانِ دَادِه كِهِ هَنْگَامِ مَرِگَشِ حَاضِرِ شُوْمِ.

وسایل خاصه رسول الله فقط به علی علیه السلام سپرده شد

در کتاب مَوَدَّاتِ از امام باقر علیه السلام منقول است که فرمود: «در بیماری پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم سر مبارک حضرت صلی الله علیه و آله و سلم در کنار امیرالمومنین علی علیه السلام بود و مهاجر و انصار نیز در منزل سید المرسلین مجتمع بودند و در

آن هنگام پیامبر رو به سوی امیرالمومنین علیه السلام کرده، فرمود: یا اخی، قبول می‌کنی وصیت مرا و به جا می‌آوری وعده‌های مرا؟ امیرالمومنین علیه السلام فرمود: بلی یا رسول الله و پس گریه شدیدی نمود؛ چنانچه از کثرت رقت، بیهوش گردید. پس رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: ای بلال! بیاور شمشیر و کلاه خود و زره و اسب و ناقه و سنگ پارچه‌ای که در ایام فاقه هنگام عبادت بر شکم می‌بستم. بلال به فرموده‌ی پیامبر قیام نمود و هر آنچه را که حضرت بیان نمودند، عملی کرد، سپس پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند: یا اخی و وصی این اسباب خاصه من به تو تعلق دارد، اینها را ببر به منزل خود که هیچ کس را بعد از من در این امور با تو مضایقه نباشد. امیرالمومنین علی علیه السلام آن وسایل را متبرک بر سر و دیده مالیده در حضور مهاجر و انصار به خانه خود برد». (۶۳) در اینجا دو نکته از زبان مبارک پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم بیان گردیده که اهل ادراک و تعقل باید روی آن اندیشه کنند؛ یکی آنکه حضرت امیرالمومنین را به اخی و وصی صدا می‌زدند تا همه‌ی مهاجران و انصار در آخرین لحظات نیز پی به وصایت علی علیه السلام برده دست از او بردارند و او را یاری نمایند و دیگر آنکه در این وصیت هیچ کدام از انصار و مهاجرین چنین منقبت و فضیلتی را دریافت نکردند که بتوانند آنچه را که پیامبر بدان سفارش کرده بود عملی نمایند جز علی علیه السلام و این از بالاترین فضیلت‌های امیرالمومنین علیه السلام است که عقول بسیاری از آن عاجز است و سخن دیگر آنکه امروزه وهابی‌ها به شیعه ایراد می‌گیرند که دلیل تبرک قبور ائمه معصومین شرک و کفر است و تبرک کردن بدعت گذاری شیعه بوده و چنین در تاریخ بیان نشده است! اما این حدیث پاسخی مستحکم برای آنهاست که چنین تفکری را دارند زیرا که علی علیه السلام از افضلین صحابه پیامبر و در حقیقت از نظر ما جان هستی، وقتی وسایل و اسباب پیامبر را دریافت کردند برای عظمت و بزرگی صاحب آن (پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم) آن را به چشم مالیدند و بوسه زدند و گریه شدید سر دادند.

تنها علی علیه السلام بر شانه‌ی پیامبر بالا رفت

علی علیه السلام می‌گوید: با رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم رفتیم تا به کعبه رسیدیم رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم بر شانه‌های من بالا رفتند و حضرت را بر پا کردم. چون رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم ناتوانی من را احساس کردند فرمودند بنشین، نشستم پیامبر پایین آمدند و نشستند و فرمود بر شانه‌های من بایست پس رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم برخاستند و من را بلند کرده گویی آن قدر بالا رفته بودم که اگر می‌خواستم به افق آسمان دست می‌یافتم پس بر فراز کعبه آمدم و سپس با دستهای خود بت‌های کوچک و بزرگ را که از جا برکندم و چون از جا کنده شد و بر آن فائق آمدم پیامبر فرمود به منزل شتابان برویم. آری این چه توان و قدرت است که بتواند بار ولایت علی علیه السلام را جز پیامبر متحمل شود و آنچه توانی است که بتواند بر دوش نبوت محمد صلی الله علیه و آله و سلم جز علی علیه السلام بایستد.

علی علیه السلام احساس ناراحتی از سرما و گرما نمی‌کند

عن عبدالرحمان بن ابی لیلی: أن علیاً خرج علینا فی حرّ شدید، و علیه ثیاب الشتاء، و خرج علینا فی الشتاء و علیه ثیاب الصيف، ثم دعا بماء فشرّب، ثم مسح العرق عن جبهته. فلما رجع إلى أبيه قال: يا أبا؛ أ رأيت ما صنع أمير المؤمنين؟ خرج إلینا فی الشتاء و علیه ثیاب الصيف، و خرج علینا فی الصيف و علیه ثیاب الشتاء! فقال أبو لیلی: هل فطنت؟ و أخذ بيد ابنه عبد الرحمن، فأتی علیاً فقال له الأذی صنع فقال له علی: «إنّ النبیّ صلی الله علیه و آله و سلم کان بعث إلیّ و أنا أرمد، شدید الرمد، فبزق فی عینی، ثم قال: افتح عینیک، ففتحتهما فما اشتکتیهما حتّی الساعة، و دعا لی فقال: اللهم أذهب عنه الحرّ و البرد. فما وجدت حرّاً و لا برداً حتّی یومی هذا». (۶۴) عبدالرحمان می‌گوید: علی علیه السلام در گرمای شدید، لباس زمستانی و در سرما با لباس تابستانی نزد ما می‌آمد و در آن هوای سرد آب می‌طلبید و می‌نوشید و عرق از پیشانی خود پاک می‌کرد. عبدالرحمان به پدرش ابولیلی می‌گوید: پدرم، آیا

امیرالمؤمنین را دیدی؟ وی در زمستان با لباس تابستانی و در تابستان با لباس زمستانی نزد ما می آید. ابولیلی به او گفت: آیا به راز این نکته پی بردی؟ و دست پسرش عبدالرحمان را گرفت و نزد علی علیه السلام آمد و به ایشان ماجرا را گفت، حضرت به وی فرمود: روزی پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم من را فراخواندند و من دچار چشم درد شدیدی بودم. آب دهان در چشم مالیدند و سپس فرمود: چشمانت را باز کن» باز کردم، دیگر تاکنون احساس چشم درد نکرده‌ام. پس برای من دعا کرد و فرمود: «خدایا احساس سرما و گرما را از وی ببر.» پس از آن تاکنون احساس گرما و سرما نمی‌کنم.

حدیث صاحب النعل

ابو سعید الخدری قال: كُنَّا جُلُوسًا نَنْتَظِرُ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ، فَخَرَجَ إِلَيْنَا قَدْ انْقَطَعَ شَيْعُ نَعْلِهِ، فَرَمَى بِهَا إِلَيَّ عَلَى فَقَالَ: «إِنَّ مِنْكُمْ مَنْ يُفَاتِلُ عَلِيَّ تَأْوِيلِ الْقُرْآنِ كَمَا قَاتَلْتُ عَلِيَّ تَنْزِيلِهِ». فقال أبو بكر: أنا؟ قال: «لا». قال: عمر: أنا؟ قال: «لا»، وَلَكِنَّ صَاحِبَ النَّعْلِ». ابوسعید خدری می‌گوید: ما به انتظار رسول خدا بودیم حضرت که بند کفششان پاره شده بود به نزد ما آمدند کفش را به علی علیه السلام دادند تا وصله زند. پس فرمود: «از شما کسی است که بر اساس تآویل قرآن می‌جنگد، همانگونه که من بر اساس تنزیل قرآن می‌جنگم.» ابوبکر گفت: آن کس منم؟ فرمود، نه، عمر گفت: منم؟ فرمود: «نه، او کسی است که هم اکنون کفش پاره‌ی مرا وصله می‌زند.» (۶۵)

حدیث سابقین

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ: سَبَقَ يُوشَعَ بْنِ نُونٍ إِلَى مُوسَى عَلَيْهِ السَّلَامُ وَصَاحِبِ يَسَ إِلَى عِيسَى وَسَبَقَ عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ إِلَى مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ. از ابن عباس روایت کرده فقیه شافعی ابن مغزالی در تفسیر آیه شریفه «السابقون السابقون» که رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: سبقت گرفت یوشع بن نون به سوی موسی و صاحب یس به سوی عیسی و سبقت گرفت علی بن ابی‌طالب علیه السلام امیرمؤمنان به سوی محمد صلی الله علیه و آله و سلم دیلمی از عایشه و طبرانی و ابن مردویه از ابن عباس گویند رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: سابقین و پیشی گیرندگان سه نفرند. سابق موسی، یوشع بن نون است و سابق عیسی، صاحب یس و سابق به سوی من علی بن ابی‌طالب علیه السلام است. (۶۶)

حدیث لیلہ الخطاب حضرت موسی علیه السلام

وَمِنْ ذَلِكَ مَا رَوَاهُ وَهْبُ بْنُ مُبَيَّهٍ قَالَ: إِنَّ مُوسَى عَلَيْهِ السَّلَامُ لَيْلَةَ الْخُطَابِ وَجَدَ كُلَّ شَجَرَةٍ وَمِيدَرَةٍ فِي الطُّورِ نَاطِقَةً بِحِكْمِ مُحَمَّدٍ وَنُقَيَّائِهِ، فَقَالَ: رَبِّي إِنِّي لَمْ أَرْ شَيْئًا مِمَّا خَلَقْتَ إِلَّا وَهُوَ نَاطِقٌ بِحِكْمِ مُحَمَّدٍ وَنُقَيَّائِهِ فَقَالَ اللَّهُ: يَا ابْنَ عِمْرَانَ إِنِّي خَلَقْتُهُمْ قَبْلَ الْأَنْوَارِ وَجَعَلْتُهُمْ خَزَانَةَ الْأَسْرَارِ يُشَاهِدُونَ أَنْوَارَ مَلَكُوتِي وَجَعَلْتُهُمْ خَزَانَةَ حِكْمَتِي وَمَعْدَنَ رَحْمَتِي وَلِسَانَ سِرِّي وَكَلِمَتِي خَلَقْتُ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةَ لِأَجْلِهِمْ. فَقَالَ مُوسَى عَلَيْهِ السَّلَامُ: رَبِّي فَمَا جَعَلْتَنِي مِنْ أُمَّةٍ مُحَمَّدٍ. فَقَالَ: يَا ابْنَ عِمْرَانَ إِذَا عَرَفْتَ مُحَمَّدًا وَأَوْصِيَاءَهُ وَعَرَفْتَ فَضْلَهُمْ وَآمَنْتَ بِهِمْ فَأَنْتَ مِنْ أُمَّتِهِ. (۶۷) روایت کرده وهب بن مبیّه که گفت: موسی علیه السلام شبی که مورد پذیرش و خطاب الهی قرار گرفت وقتی به کوه طور رفت به هر درختی که می‌رسید مشاهده می‌کرد که درختان همه ذاکر به ذکر محمد و آل محمد علیهم السلام هستند. پس موسی گفت: پروردگارا به درستی که من ندیدم شیء‌ای از مخلوقات را جز اینکه ناطق به ذکر محمد و آل محمد علیهم السلام بودند. حضرت حق فرمودند: ای پسر عمران، به درستی که من خلق کردم ائمه را قبل از اینکه اشیاء دیگر را خلق کنم و آنها را خزانه‌داران اسرار و شاهدان انوار ملکوتم قرار دادم و اینها خزانه‌دار حکمتم هستند و معدن رحمتم و زبان سرّ و کلمه‌ی من و دنیا و آخرت را فقط به خاطر اینها خلق کردم. پس موسی گفت: پروردگارا مرا از امت محمد قرار ده. پس حضرت

حق جلت عظمته، فرمودند: ای پسر عمران هنگامی که محمد و اوصیانش را شناختی و به فضل اینها معرفت پیدا کرده و ایمان به ایشان آوردی تو از امت محمد خواهی بود.

علی علیه السلام میان دو خلیل

فی کنز العمال و لفظه: (۶۸) قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ: إِنَّ اللَّهَ اتَّخَذَنِي خَلِيلًا كَمَا اتَّخَذَ إِبْرَاهِيمَ خَلِيلًا، فَقَصْرِي فِي الْجَنَّةِ وَقَصِيرُ إِبْرَاهِيمَ فِي الْجَنَّةِ مُتَقَابِلَيْنِ وَقَصِيرُ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ بَيْنَ قَصْرِي وَقَصْرِ إِبْرَاهِيمَ فَيَأْتِيهِ مِنْ حَبِيبٍ بَيْنَ خَلِيلَيْنِ (قَالَ أَخْرَجَهُ الْحَاكِمُ فِي تَارِيخِهِ وَالْبَيْهَقِيُّ فِي فَضَائِلِ الصَّحَابَةِ). رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرموده است: خدای تعالی مرا خلیل خود ساخت همانطور که ابراهیم علیه السلام را خلیل خود قرار داده بود، برای همین قصر من در بهشت روبروی قصر حضرت ابراهیم علیه السلام قرار دارد و قصر علی علیه السلام هم در میان قصر من و قصر حضرت ابراهیم علیه السلام بر پا شده است. اینک خوشا به حال محبوبی که در میان دو خلیل است. «متقی» گفته است که «حاکم» این حدیث را در «تاریخ بیهقی» در فضائل صحابه نقل کرده است. (۶۹)

علی علیه السلام منار الأنام

رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم خطاب به حضرت علی علیه السلام فرمودند: يَا عَلِيُّ! إِنَّكَ مَنَارَةُ الْأَنَامِ وَغَايَةُ الْهُدَى. (۷۰) ای علی! همانا تو منار مردم و غایت هدایتی.

حدیث صلب

حدیث اول

الطَّبْرَانِيُّ عَنِ الْخَطِيبِ عَنِ جَابِرٍ قَالَ قَالَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ: «إِنَّ اللَّهَ جَعَلَ ذُرِّيَّةَ كُلِّ نَبِيٍّ فِي صُلْبِهِ وَجَعَلَ ذُرِّيَّتِي فِي صُلْبِ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ». (۷۱) طبرانی از جابر و خطیب از ابن عباس گوید: رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: خدای سبحان قرار داد فرزندان هر پیغمبری را در صلب او و فرزندان مرا در صلب علی بن ابیطالب علیه السلام.

حدیث دوم

«خداوند نسل و اولاد هر پیغمبری را در صلب او قرار داد و ذریه مرا در صلب علی بن ابی طالب علیه السلام گذاشت.»

حدیث سوم

جابر فرزند عبدالله انصاری گفت: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: خدای با قدرت و جلالت نسل هر پیامبری را در پشت خودش قرار داده است. و خدا نسل محمد را از پشت علی بن ابیطالب علیه السلام قرار داده است. (۷۲)

حدیث اختیار

عَنْ أَبِي أَيُّوبَ أَنْصَارِيٍّ إِنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ قَالَ بِفَاطِمَةَ: أَمَّا عَلِمْتَ أَنَّ اللَّهَ أَطَّلَعَ إِلَى أَهْلِ الْأَرْضِ فَاخْتَارَ مِنْهُمْ أَبَاكَ فَبَعَثَهُ نَبِيًّا ثُمَّ أَطَّلَعَ نَابِيَّةً فَاخْتَارَ مِنْهُمْ بِغَلْكَ فَأَوْحَى إِلَيَّ فَأَنْكَحْتُهُ إِيَّاكَ وَاتَّخَذْتُهُ وَصِيًّا. (۷۳) ابو ایوب انصاری گوید: که رسول خدا

صلی الله علیه و آله و سلم به فاطمه سلام الله علیها فرمود: آیا نمی‌دانی که خداوند به مردم روی زمین نگرست و از میان همه‌ی آنها پدرت را انتخاب کرده و به پیغمبری مبعوث فرمود؟ آنگاه بار دوم نگرست شوهرت را اختیار کرد و به من وحی فرستاد که تو را به او تزویج نموده و او را جانشین خود قرار دهم.

حدیث شباهت

حدیث اول

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ: يَا عَلِيُّ إِنَّ اللَّهَ جَعَلَ فِيكَ مَثَلًا مِنْ عِيسَى عَلَيْهِ السَّلَامُ أَبْغَضَهُ الْيَهُودُ حَتَّى بَهْتُوا أُمَّهُ وَ أَحَبَّتْهُ النَّصَارَى حَتَّى أَنْزَلُوهُ الْمَنْزِلَ الَّذِي لَيْسَ لَهُ بِأَهْلٍ (۷۴) ای علی خداوند در تو شباهتی به عیسی بن مریم علیه السلام قرار داده، یهود او را دشمن داشتند، حتی این که به مادرش بهتان زدند، نصاری او را دوست داشتند و منزلتی برای او قائل شدند که اهل آن نبود.

حدیث دوم

و احمد و بزار و ابویعلی و حاکم از علی علیه السلام نقل کردند که فرمود: رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم مرا خواند نزد خود و فرمود: در تو شباهتی می‌باشد به عیسی علیه السلام (در حق تو گفته می‌شود آنچه برای عیسی علیه السلام گفتند). یهود دشمن وی بودند تا آنجا که به مادرش بهتان زدند و نصاری دوست او بودند. تا آنجا که گفتند برای او چیزی را که دارا نبود. بعد علی علیه السلام فرمود: بدانید در من دو گروه و دو طایفه هلاک و نابود می‌شوند، دوست مفرط که به من نسبت می‌دهد آنچه که در من نیست و دشمنی که او دارد دشمنی من او را به بهتان زدن در من. (۷۵)

حدیث هجوم

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ: إِنَّ اللَّهَ حَرَّمَ الْجَنَّةَ عَلَى مَنْ ظَلَمَ أَهْلَ بَيْتِي أَوْ قَاتَلَهُمْ أَوْ أَغَارَ عَلَيْهِمْ أَوْ سَبَّيَهُمْ (۷۶) خداوند بهشت را بر کسی که به خاندان من ستم کند یا با آنها مقاتله کند یا به آنها هجوم بیاورد و یا دشنام به آنها دهد حرام کرده است. احمد و حاکم به سند صحیح از ام سَلَمَةَ گوید: شنیدم از رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: کسی که دشنام بدهد علی را، مرا دشنام داده است. (۷۷) از طرفی باید گفت که کلیه مردم مدینه ظالم به اهل بیت علیهم السلام بودند به جز تعداد افرادی که انگشت شمار در مدینه در کنار اهل بیت علیهم السلام قرار گرفتند. به این دلیل تمام مردم مدینه ظالم به اهل بیت علیهم السلام بودند که دختر رسول خدا فاطمه سلام الله علیها در روزهای آخر عمر خویش به علی علیه السلام خطاب نمودند که ای علی! من راضی نیستم آنهایی که به من ظلم کرده‌اند در تشییع جنازه‌ام حاضر شوند و این مسئله مُحَرَّز و یقینی می‌باشد که هیچ کس از مردم مدینه توفیق بر نماز و تشییع بدن دختر پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم را پیدا نکرد حتی محبین آن حضرت و از باب غلبه باید گفت اینان ظالم بودند چون هیچ کدام توفیق تشییع و تجلیل از پیکر پاک گوهر تابناک اهل بیت را پیدا نکردند «أَوْ قَاتَلَهُمْ» و آنهایی که قاتل اهل بیت علیهم السلام بودند آنها نیز بهشت بر ایشان حرام می‌باشد یعنی قاتلین حضرت زهرا سلام الله علیها (غاصبین، معاندین، مهاجمین به خانه و آنانی که آتش زدند در خانه‌ی حضرت را) و قاتل علی علیه السلام و قاتل امام حسن علیه السلام و قاتل امام حسین علیه السلام و سایر ائمه‌ی اطهار علیهم السلام «أَوْ أَغَارَ عَلَيْهِمْ» مهاجمین در مدینه مهاجمین در صفین و جمل و نهروان و مهاجمین در کربلا که چون گرگ به خیمه‌های اباعبدالله الحسین علیه السلام حمله کردند و پرده‌های خیم را پاره پاره کردند ... السَّلَامُ عَلَى الْمُهْتَوِكِ الْخَبَاءِ. «أَوْ سَبَّيَهُمْ» معاویه و همان افرادی که به دستور معاویه به علی علیه السلام دشنام می‌دادند

که در نهایت با صلح مصلحتی امام حسن علیه السلام با معاویه یکی از شرایط معاهده ممنوع بودن دشنام در بالای منبر به علی علیه السلام و پذیرش معاویه شد پس این پیش بینی حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم تحقق پذیرفت و معاویه مصداق ظاهر و آشکار دشنام دهنده‌ی به اهل بیت علیهم السلام قرار گرفت که آتش دوزخ جایگاهش خواهد بود. (۷۸)

حدیث استرشاد

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ: أَلَا أَدُلُّكُمْ عَلَى مَنْ إِنْ اسْتَرَشَدْتُمُوهُ لَنْ تَضِلُّوا وَلَنْ تَهْلِكُوا؟ قَالُوا بَلَى يَا رَسُولَ اللَّهِ، قَالَ هُوَ هَذَا وَإِشَارَ إِلَى عَلِيٍّ بْنِ أَبِيطَالِبٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ، ثُمَّ قَالَ وَأَخُوهُ وَوَارِثُهُ وَأَصْدِقُوهُ وَأَنْصَحُوهُ فَإِنَّ جَبْرَيْلَ أَخْبَرَنِي بِمَا قُلْتُمْ لَكُمْ. (۷۹)

زید بن ارقم گوید ما هنگامی که در خدمت پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم نشسته بودیم حضرت فرمود: آیا شما را راهنمایی نکنم به کسی که چون از او استرشاد کنید هرگز گمراه نشوید و هرگز به هلاکت نیفتید؟ گفتند: آری یا رسول الله! حضرت فرمود: آن شخص این است و اشاره به علی بن ابیطالب علیه السلام نمود و سپس فرمود: با او برادری کنید و یاری اش نمایید و او را محب صادق و دوست راستین باشید زیرا آنچه را که (درباره‌ی او) به شما گفتم جبرئیل به من خبر داد.

حدیث فاروق

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ: سَيَكُونُ بَعْدِي فِتْنَةٌ فَإِذَا كَانَ ذَلِكَ فَالْزِمُوا عَلِيَّ بْنَ أَبِي طَالِبٍ فَإِنَّهُ أَوَّلُ مَنْ آمَنَ بِي وَأَوَّلُ مَنْ يَصَافِحُنِي يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَهُوَ الصَّدِيقُ الْأَكْبَرُ وَهُوَ فَارُوقُ هَذِهِ الْأُمَّةِ يُفَرِّقُ بَيْنَ الْحَقِّ وَالْبَاطِلِ وَهُوَ يَعْسُوبُ الدِّينِ. (۸۰) پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: به زودی پس از من فتنه‌ای برپا خواهد شد، پس زمانی که چنین شد ملازم علی بن ابیطالب علیه السلام باشید زیرا که او اول کسی است که به من ایمان آورد و اول کسی است که در روز قیامت با من مصافحه می‌کند، او صدیق اکبر و فاروق (جدا کننده) این امت است که میان حق و باطل جدایی افکند و او بزرگ و پیشوای دین است.

دوستی حضرت علی علیه السلام و فضائل شیعیان

دوستی حضرت علی علیه السلام برترین اعمال است.

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ: إِنَّ حُبَّ عَلِيٍّ سَيِّدُ الْأَعْمَالِ (۸۱) دوستی علی بهترین عمل و سرور همه‌ی اعمال است.

دوستی علی علیه السلام سعادت‌مندی به تمام معنا.

پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم اشاره به علی علیه السلام نموده و فرمود: «هُوَ هَذَا الَّذِي أَحْصَى اللَّهُ فِيهِ عِلْمَ كُلِّ شَيْءٍ، وَأَنَّ السَّعِيدَ كُلَّ السَّعِيدِ حَقَّ السَّعِيدِ مَنْ أَحَبَّ عَلِيًّا عَلَيْهِ السَّلَامُ فِي حَيَاتِهِ وَبَعْدَ وَفَاتِهِ، وَإِنَّ الشَّقِيَّ كُلَّ الشَّقِيِّ حَقَّ الشَّقِيِّ مَنْ أَبْغَضَ عَلِيًّا فِي حَيَاتِهِ وَبَعْدَ وَفَاتِهِ» «او امام مبین است که خدا علم هر چیز را در او فراهم آورده است و همانا خوشبخت و سعادت‌مند به تمام معنا کسی است که علی علیه السلام را در دوران زندگی و پس از مرگ دوست داشته باشد، گمراه و بدبخت به تمام معنا کسی است که با علی علیه السلام در دوران زندگی و پس از مرگ خود دشمنی کند.» (۸۲)

جان‌کندن او به راحتی صورت می‌گیرد.

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ: أَلَا وَمَنْ أَحَبَّ عَلِيًّا يَهْوُنُ اللَّهُ عَلَيْهِ سَيَكْرَاتِ الْمَوْتِ وَيَجْعَلُ قَبْرَهُ رَوْضَةً مِنْ رِيَاضِ الْجَنَّةِ

آگاه باشید هر کس علی علیه السلام را دوست داشته باشد خدا جان کندن را بر او در هنگام مرگ آسان می‌گرداند و قبر او را باغی از باغهای بهشت قرار می‌دهد. (۸۳)

شیعه و دوستاند امیرالمؤمنین علیه السلام در این دنیا در بهشت است.

در محضر امام صادق علیه السلام شخصی عرض نمود: خدایا بهشت خود را نصیب ما بفرما! حضرت فرمودند: شما شیعیان در همین دنیا هم در بهشت هستید، از خداوند بخواهید که از بهشت خارجتان نسازد. عرض شد: فدایتان شوم چگونه در بهشت هستیم در حالی که در دنیا هستیم؟ حضرت فرمودند: آیا شما اقرار به امامت ما ندارید؟ عرض شد چرا و فرمودند: همین (لذت ایمان شما) بهشت شماست و آن کسی که اقرار به امامت ما داشته باشد در بهشت است، از خداوند بخواهید که ولایت ما را از شما نگیرد. (۸۴)

خوشا به حال شیعیان امیرالمؤمنین علیه السلام

عمرو بن ابی المقدام از امام صادق علیه السلام روایت کرده که حضرت فرمودند: آگاه باشید که هر چیزی را گوهری است و گوهر فرزندان آدم علیه السلام حضرت محمد است و پس از آن حضرت، ما ائمه طاهرین و شیعیانمان هستیم. خوشا بر شیعیان ما که چه نزدیکند به عرش خدای عزوجل و چه نیکو است رفتار خدای عزوجل نسبت به آنان در روز قیامت. به خدا سوگند! اگر بر مردم بزرگ و گران نمی‌آمد و شیعیان را خودبینی فرا نمی‌گرفت فرشتگان رو در رو به آنها سلام می‌کردند. به خدا سوگند! هیچ بنده‌ای از شیعیان ما نیست که قرآن را ایستاده در حال نماز بخواند جز آن که در برابر هر حرفی از آن صد حسنه به او دهند و اگر نشسته بخواند به هر حرفی پنجاه حسنه به او دهند و شخص خموش از شیعیان ما ثواب قرآن خوان مخالفین را دارد، شما به خدا قسم در بسترهای خود خفته‌اید و مزد مجاهدان را دارید و در نماز هستید و ثواب صف بستگان در راه خدا را دارید، شما به خدا سوگند آن کسانی که خدای عزوجل درباره‌شان فرموده: «وَنَزَعْنَا مَا فِي صُدُورِهِمْ مِنْ غَلٍّ إِخْوَانًا عَلَىٰ سُرُرٍ مُتَقَابِلِينَ (۸۵) یعنی «کینه‌ای که در سینه‌شان بوده کنده‌ایم و برادرانه بر تختها روبروی هم هستند» به راستی که شیعیان ما چهار چشم دارند، دو چشم در سر، دو چشم در دل، آگاه باشید که همه این طورند ولی خدای عزوجل چشمهای شما را بینا کرده به ولایت ما و چشمهای مخالفین ما را به ولایت کور کرده است. (۸۶)

ما زیارت شیعیان را دوست می‌داریم.

امام صادق علیه السلام فرمودند: به خدا قسم من دوست می‌دارم بوی شما شیعیان جدّم علی علیه السلام و روح شما و دیدن و زیارت نمودن شما را و من بر دین خدا و ملائکه خدا هستم. پس شما شیعیان کمک کنید ما را به وسیله ورع و پاکدامنی و من در مدینه مثل یک تار مو این طرف و آن طرف نگاه می‌کنم تا یکی از شما را ببینم و دلم آرام بگیرد. (۸۷)

اجر و ثواب شیعیان امیرالمؤمنین علیه السلام در تحمل سختی‌ها

مُحَمَّدُ بْنُ أَبِي عُمَارَةَ كُوفِيٌّ مِي گويد: از امام صادق علیه السلام شنیدم که فرمود: هر کس در راه ما به خاطر خونی که از ما ریخته شده، یا حقی که از ما تاراج رفته، یا پرده‌ی آبرو و حیثیتی که از ما اهل بیت علیهم السلام یا یکی از شیعیان ما دریده گشته قطره‌ی اشکی بریزد، بدین سبب خداوند متعال او را یک حُقْب (که هشتاد سال است) در بهشت جای دهد. (۸۸)

دوستی علی علیه السلام در قلب محبین ثابت تر از کوه احد

...«امیرالمؤمنین علیه السلام رو به اصحابش کرد و فرمود: ای صحابه، به خدا قسم به هیچ کاری اقدام نکردم مگر آنچه پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم درباره‌ی آن با من عهد و پیمان کرده بود. خوشا به حال کسی که محبت ما اهل بیت در قلب او رسوخ داشته باشد، ایمان در قلب چنین کسی ثابت تر از کوه احد در مکانش خواهد بود و هر کس که دوستی ما در قلب او جای نگیرد ایمان در قلب او مانند ذوب شدن نمک در آب است. (۸۹)

با دوستی علی علیه السلام، دوزخ خلق نمی‌شد.

عن ابن عباس قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ: لَوْ اجْتَمَعَ النَّاسُ عَلَى حُبِّ عَلِيِّ بْنِ أَبِيطَالِبٍ لَمَا خَلَقَ اللَّهُ النَّارَ. (۹۰) از ابن عباس نقل شده که رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: اگر مردم بر دوستی علی بن ابیطالب علیه السلام گرد می‌آمدند خداوند دوزخ را نمی‌آفرید.

فقط پرهیزگاران بر دوستی علی علیه السلام ثابتند.

قال ابو جعفرٍ عليه السلام: إِنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ قَالَ: لَا يَثْبُتُ عَلَى وَلَا يَرِيهِ عَلِيٌّ عَلَيْهِ السَّلَامُ إِلَّا الْمُتَّقُونَ (۹۱) پیامبر فرمود: جز پرهیزگاران کسی بر ولایت علی علیه السلام ثابت نمی‌ماند.

دوستی علی علیه السلام صحیفه مؤمن

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ: عُثْوَانُ صَاحِبَةُ الْمُؤْمِنِ حُبُّ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ. (۹۲) حضرت رسول فرمودند: عنوان صحیفه مؤمن دوستی علی است.

شیعیان ما از شیرینی آفریده شده‌اند.

عَنْ أَحْمَدَ بْنِ هَارُونَ بْنِ مَوْفِقِ الْمَدِينِيِّ عَنْ أَبِيهِ قَالَ بَعَثَ إِلَيَّ الْمَاضِي عَلَى السَّلَامِ يَوْمًا فَأَكَلْتُ عِنْدَهُ وَ أَكْثَرَ مِنَ الْحَلْوَاءِ فَقُلْتُ مَا أَكْثَرَ هَذِهِ الْحَلْوَاءِ فَقَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: إِنَّا وَ شَيْعَتُنَا خُلِقْنَا مِنَ الْحَلَاوَةِ فَنَحْنُ نَحِبُّ الْحَلْوَاءَ. (۹۳) احمد بن هارون بن موفق المدیننی از پدرش نقل کرده که گفت: روزی امام کاظم علیه السلام دنبال من فرستادند پس در محضر حضرتش طعام خوردم و این در حالی بود که سر سفره حضرت شیرینی زیادی قرار داشت پس عرض کردم چقدر این شیرینی‌ها زیاد است، پس امام علیه السلام در جواب فرمودند: همانا ما و شیعیانمان از شیرینی آفریده شده‌ایم پس ما شیرینی را دوست داریم.

نوشته‌ای در زیر عرش مخصوص شیعیان علی علیه السلام

عَنْ أَبِي سَعِيدِ الْمَدِينِيِّ قَالَ: قُلْتُ لِأَبِي عَبِيدٍ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ مَا مَعْنَى قَوْلِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ فِي مُحْكَمِ كِتَابِهِ: «وَمَا كُنْتُ بِجَانِبِ الطُّورِ إِذْ نَادَيْتُنَا» فَقَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: كِتَابًا لَنَا كَتَبَهُ اللَّهُ يَا أَبَا سَعِيدٍ فِي وَرَقٍ قَبْلَ أَنْ يَخْلُقَ الْخَلَائِقَ بِالْفِي عَامِ صَبْرِهِ مَعَهُ فِي عَرْشِهِ أَوْ تَحْتَ عَرْشِهِ فِيهِ يَا شَيْعَةَ آلِ مُحَمَّدٍ أَعْطَيْتُكُمْ قَبْلَ أَنْ تَسْأَلُونِي وَ عَفَرْتُ لَكُمْ قَبْلَ أَنْ تَسْتَغْفِرُونِي مَنْ أَنَانِي مِنْكُمْ بَوْلَايَةِ آلِ مُحَمَّدٍ أَسَكَّنْتُهُ جَنَّتِي بِرَحْمَتِي (۹۴) ابوسعید مدائنی گفت: به امام صادق علیه السلام عرض کردم: معنی این سخن خداوند عزوجل در قرآن چیست؟ «و تو نبودی آن زمانی که ما در طور ندا کردیم» امام علیه السلام فرمودند: نوشته‌ای است که خداوند دو هزار سال قبل از آفرینش مخلوقات آن

را برای ما بر روی ورقی نوشت و آن را با خود در عرض یا در زیر عرشش قرار داد و در آن مکتوب آمده است: ای شیعیان آل محمد، من به شما عطا کردم قبل از آنکه درخواست کنید و قبل از آنکه استغفار کنید. شما را آمرزیدم و هر که با ولایت آل محمد صلی الله علیه و آله و سلم نزد من بیاید او را با رحمت خود در بهشت ساکن می‌کنم.

ثواب طعام دادن به دوستان علی علیه السلام

عَنْ عَمْرِو بْنِ أَبِي الْمِقْدَامِ عَنْ أَبِيهِ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: لَمَّا أُطْعِمَ رَجُلًا مِنْ شِيعَتِي أَحَبُّ إِلَيَّ مِنْ أَنْ أُطْعِمَ أَفْقًا مِنَ النَّاسِ قُلْتُ كَمْ الْأَفْقُ قَالَ مِائَةٌ أَلْفٍ. (۹۵) عمرو بن ابی مقدام از قول پدرش از قول امام باقر علیه السلام نقل کند که فرمودند: اگر مردی از شیعیان را طعام دهم نزد من از اطعام افقی از مردم محبوبتر است. راوی می‌گوید پرسیدم: افق چه تعدادی از مردم است؟ فرمودند: یکصد هزار نفر.

دوستان علی علیه السلام به اصل و ریشه جنگ زدند.

عَنْ حَبِيبٍ قَالَ قَالَ لَنَا أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ مَا أَحَدٌ أَحَبَّ إِلَيَّ مِنْكُمْ إِنَّ النَّاسَ سَلَكُوا سُبُلًا شَتَّى مِنْهُمْ آخِذٌ بِرَأْيِهِ وَ إِنْكُمْ آخِذْتُمْ بِأَمْرِ لَهُ أَضَلُّ (۹۶)

شیعیان علی علیه السلام متعلمین هستند.

عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ إِنَّ النَّاسَ رَجُلَانِ عَالِمٌ وَ مُتَعَلِّمٌ وَ سَائِرُ النَّاسِ غُثَاءٌ فَخَنُ الْعُلَمَاءِ وَ شِيعَتُنَا الْمُتَعَلِّمُونَ وَ سَائِرُ النَّاسِ غُثَاءٌ امام صادق علیه السلام فرمودند: در میان مردم دو دسته مرد وجود دارد: عالم و متعلم و سایر مردم خار و خاشاک هستند. پس ما عالمان هستیم و شیعیان و دوستان ما اهل آموختن علم (متعلم) و بقیه‌ی مردم خار و خاشاک هستند. (۹۷)

محبین علی علیه السلام اهل تحیت الله

بِالسَّلَامِ وَ أَهْلُ أَثَرِهِ اللَّهُ بِرَحْمَتِهِ وَ أَهْلُ تَوْفِيقِ اللَّهِ بَعْضِهِمْ تَهْوَى بِطَاعَتِهِ لَا خَوْفٌ عَلَيْكُمْ وَ لَا أَنْتُمْ تَخْزَنُونَ أَسْمَاؤَكُمْ عِنْدَنَا الصَّالِحُونَ الْمُصْلِحُونَ وَ أَنْتُمْ أَهْلُ الرِّضَا لِرِضَائِهِ عَنْكُمْ وَ الْمَلَائِكَةُ إِخْوَانُكُمْ فِي الْخَيْرِ فَإِذَا اجْتَهَدْتُمْ ادْعُوا وَإِذَا أَدْبَنْتُمْ اسْتِغْفِرُوا وَ أَنْتُمْ خَيْرُ الْبَرِيَّةِ بَعْدَنَا دِيَارُكُمْ لَكُمْ جَنَّةٌ وَ قُبُورُكُمْ لَكُمْ جَنَّةٌ - لِجَنَّةِ خُلِقْتُمْ وَ فِي الْجَنَّةِ نَعِيمُكُمْ وَ إِلَى الْجَنَّةِ تَسِيرُونَ ... قَالَ حَدَّثَنَا الْمُفَضَّلُ عَنْ أَبِي حَمْزَةَ قَالَ سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَقُولُ أَنْتُمْ أَهْلُ تَحِيَّةِ اللَّهِ وَ سَلَامِهِ وَ أَنْتُمْ أَهْلُ أَثَرِهِ اللَّهُ بِرَحْمَتِهِ وَ أَهْلُ تَوْفِيقِ اللَّهِ وَ عِصْمَتِهِ وَ أَهْلُ دَعْوَةِ اللَّهِ وَ طَاعَتِهِ لَا حِسَابَ عَلَيْكُمْ وَ لَا خَوْفٌ وَ لَا حُزْنَ ابْنِ حَمْزَةَ گوید شنیدم امام صادق علیه السلام می‌فرمود: (۹۸) شما (محبین) اهل تحیت خدا و رحمت او هستید و از اکرام شدگان حقید و اهل توفیق و در عصمت پروردگارید و اهل دعوت خدا و بندگی او می‌باشید حساب و ترس و اندوهی بر شما نیست.

ملائکه‌های الهی برای محبین امیرالمومنین علیه السلام استغفار می‌کنند

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آله وَ سلم: خَلَقَ اللَّهُ مِنْ نُورٍ وَجْهَ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ سَبْعِينَ أَلْفَ مَلَكٍ يَسْتِغْفِرُونَ لَهُ وَ لِمُحِبِّهِ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ. (۹۹) رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند: خداوند از نور چهره‌ی علی بن ابیطالب علیه السلام هفتاد هزار ملک بیافریده که تا روز قیامت برای او و محبین او استغفار کنند.

سبیل الله، شیعه است

عَنْ الْحَسَنِ بْنِ رَاشِدٍ قَالَ سَأَلْتُ الْعُسْكَرِيَّ عَلَيْهِ السَّلَامُ بِالْمَدِينَةِ عَنْ رَجُلٍ أَوْصَى بِمَالٍ فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَقَالَ سَبِيلُ اللَّهِ شَيْعَتُنَا. (۱۰۰) حسن بن راشد گوید: در مدینه از امام عسکری علیه السلام در مورد مردی که وصیت کرده بود مالی را در راه خدا (سبیل الله) خرج کنند سؤال کردم که سبیل الله چه راهی است؟ امام فرمودند: سبیل الله شیعیان ما هستند.

کیفیت خانه‌های بهشتی شیعیان

قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: إِنَّ أَهْلَ الْجَنَّةِ لَيَنْظُرُونَ إِلَى مَنَازِلِ شَيْعَتِنَا كَمَا يَنْظُرُ الْإِنْسَانُ إِلَى الْكَوَاكِبِ فِي السَّمَاءِ. (۱۰۱) امیرالمومنین علیه السلام فرمودند: همانا اهل بهشت به منازل شیعیان ما نگاه می‌کنند همانگونه انسان به ستارگان آسمان نگاه می‌کند.

اگر شیعه علی علیه السلام نبود، مخالفین شیعه ابداً از خوبی بهره‌ای نمی‌بردند

امیرالمومنین علیه السلام به قنبر فرمود: بشارت باد شما را و خوشحال شوید، به خدا قسم رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم درگذشت در حالی که بر امتش خشمناک بود مگر گروه شیعیان، بدانید برای هر چیز شرفی است و شرف دین شیعه است، برای هر چیزی سروری است و سرور مجالس جایگاه شیعیان است و برای هر چیزی پیشوایی است و پیشوای زمین‌ها، زمینی است که شیعه در آن مأوی گزیند، بدانید، برای هر چیزی محبوبی هست و محبوب دنیا مسکنی است که شیعه ما در آن جای دارد. به خدا قسم اگر کسی از شما در زمین نبود مخالفین شما ابداً از خوبی و پاکیزگی بهره‌ای نمی‌بردند و در آخرت نصیبی نداشتند» (... ۱۰۲)

محب علی علیه السلام بر ملت ابراهیم علیه السلام است

عَنْ أَبِي ذَرٍّ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ: رَأَيْتُ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ قَدْ ضَرَبَ كَتِفَ عَلِيِّ بْنِ أَبِيطَالِبٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ بِيَدِهِ وَقَالَ يَا عَلِيُّ مَنْ أَحَبَّنَا فَهُوَ الْعَرَبِيُّ وَمَنْ أَبْغَضَنَا فَهُوَ الْعِلْجُ فَشَيْعَتُنَا أَهْلُ الْأُبْيُوتَاتِ وَالْمَعَادِنِ وَالشَّرَفِ وَمَنْ كَانَ مَوْلَاهُ صَاحِبًا وَمَا عَلِيٌّ مِلَّةٌ إِبْرَاهِيمَ عَلَيْهِ السَّلَامُ إِلَّا نَحْنُ وَشَيْعَتُنَا وَسَائِرُ النَّاسِ مِنْهَا بُرَاءٌ وَإِنَّ لِلَّهِ مَلَائِكَةً يَهْدُمُونَ سَيِّئَاتِ شَيْعَتِنَا كَمَا يَهْدُمُ الْقُدُومُ الْبُتْيَانَ (۱۰۳) ابوذر رضی الله عنه گوید: دیدم رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم بر کتف علی بن ابیطالب علیه السلام زد و فرمود: یا علی کسی که ما را دوست داشته باشد از عرب است (یعنی از ماست) و کسی که ما را دشمن داشته باشد بی دین است، شیعیان ما اصیل زاده و از خاندان شرفند و کسی که بر ملت ابراهیم علیه السلام نیست مگر ما و پیروان ما و سایر مردم از این راه بدورند.

منادی در عرصه قیامت، ندای آئین‌المحبوبین سر می‌دهد

وَرَوَى الْعَلَامَةُ الطَّبْرِيُّ رَحِمَهُ اللَّهُ عَلَيْهِ بِاسْنَادِهِ مِنْ طَرِيقِ الْعَامَةِ عَنْ فَرَّاشِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ، أَخْبَرَنَا أَنَسُ قَالَ: جَاءَ رَجُلٌ إِلَى رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ فَقَالَ: يَا رَسُولَ اللَّهِ! مَا حَالُ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ فَقَالَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ: تَسْأَلُنِي عَنْ عَلِيِّ بْنِ أَبِيطَالِبٍ يَوْمَ الْقِيَامَةِ عَلَى نَاقَةٍ مِنْ نَوَاقِ الْجَنَّةِ قَوَائِمُهَا مِنَ الرُّمُودِ الْأَخْضَرِ عَيْنَاهَا يَأْقُوتَتَانِ حَمْرَاوَانِ سِنَامُهَا مِنَ الْمَشِيكِ الْأَذْفَرِ مَمْزُوجٍ بِمَاءِ الْحَيَوَانِ عَلَيْهِ خَلْعَانِ مِنَ الثُّورِ مُمَرَّرٍ بِوَاحِدَةٍ وَمُوتِدٍ بِالْأُخْرَى يَبِيدُهُ لَوَاءُ الْحَمْدِ لَهُ أَرْبَعَةٌ شَمَمَةٌ لَمَلِثَتْ مَا بَيْنَ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ حَمْرَةٌ بِنُ عَيْدِ الْمُطَلَبِ عَنْ يَمِينِهِ وَجَعْفَرُ الطَّيَّارِ عَنْ يَسَارِهِ وَفَاطِمَةٌ مِنْ وَرَائِهِ وَالْحَسَنُ وَالْحُسَيْنُ فِيمَا بَيْنَهُمَا وَمُنَادٍ يُنَادِي فِي عَرَصَاتِ الْقِيَامَةِ أَيُّنَ الْمُحِبُّونَ وَ أَيُّنَ الْمُبْغِضُونَ؟ هَذَا عَلِيُّ بْنُ أَبِيطَالِبٍ كِتَابُهُ بِيَمِينِهِ حَتَّى يَدْخُلَ الْجَنَّةَ. (۱۰۴) علامه طبری نقل می‌کند از آنس

از طریق عامه (اهل سنت) از فراش بن عبدالله که گفت: مردی به نزد رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم آمد و گفت: ای رسول خدا علی بن ابیطالب علیه السلام چگونه است؟ حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند: سؤال می‌کنی از علی بن ابیطالب علیه السلام، همان کسی که روز قیامت در حالی وارد می‌شود که بر یکی از ناقه‌های بهشتی سوار است که پاهایش از زمرد سبز، دیدگانش از درّ و یاقوت سرخ خواهد بود، دم آن از مشک ناب آمیخته با آب حیات بر او دو جامه از نور است پای جامه‌ای و عبایی به دست او پرچم حمد است با چهار پاره (قسمت) که فاصله‌ی بین آسمان و زمین را پر کرده است. حمزه بن عبدالمطلب از سمت راست و جعفر طیار از سمت چپ و فاطمه سلام الله علیها از پشت سر و حسن و حسین علیهما السلام از پیش در حالی که منادی در عرصه و سرای قیامت ندا در می‌دهد: کجا هستند دوستاناران و کجا هستند دشمنان. این علی علیه السلام است در حالی که نامه‌اش به دست راست اوست داخل بهشت می‌شود.

حدیث ابوذر رضی الله عنه

رَوَى الْحَاكِمُ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ النَّيْسَابُورِيُّ فِي «الْمُسْتَدْرَكِ» قَالَ: حَدَّثَنَا أَبُو جَعْفَرٍ أَحْمَدُ بْنُ عُبَيْدِ الْحَافِظُ بِهَمْدَانَ بِإِسْنَادِهِ عَنْ أَبِي ذَرٍّ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ: مَا كُنَّا نَعْرِفُ الْمُنَافِقِينَ إِلَّا بِتَكْذِيبِهِمُ اللَّهُ وَرَسُولَهُ وَالتَّخْلُفِ عَنِ الصَّلَاةِ وَالبُغْضِ لِعَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ ثُمَّ قَالَ: هَذَا حَدِيثٌ صَحِيحٌ. (۱۰۵) ابو عبدالله نیشابوری در مستدرک روایت کرد که گفت: ابو جعفر احمد بن عبید حافظ به اسنادش از ابوذر نقل کرد، که گفت: ما منافقین را نمی‌شناسیم الا به تکذیب خدا و رسولش و تخلف از نمازهای پنج‌گانه و بغض علی بن ابیطالب علیه السلام. پس گفت: «این حدیث صحیح است.»

افضل عبادتها حب علی علیه السلام است

فِي الْمَحَاسِنِ: عَلِيُّ بْنُ الْحَكَمِ أَوْ غَيْرُهُ عَنْ حَفْصِ الدَّهَّانِ قَالَ قَالَ لِي أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: إِنَّ فَوْقَ كُلِّ عِبَادَةٍ عِبَادَةٌ وَحُبُّنَا أَهْلَ الْبَيْتِ أَفْضَلُ عِبَادَةٍ وَفِي خَيْرِ آخِرِ حُبِّ عَلِيِّ سَيِّدِ الْأَعْمَالِ. (۱۰۶) در محاسن از علی بن حکم از حفص دهان است که گفت: امام صادق علیه السلام فرمودند: به درستی که بالای هر عبادتی، عبادتی وجود دارد و حب ما اهل بیت بالاترین و افضل‌ترین عبادتهاست و در خبر دیگر است که: حب علی آقای تمام اعمال است.

دوست داشتن اهل بیت علیهم السلام شرط توحید

عَنْ جَابِرِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ الْأَنْصَارِيِّ قَالَ: جَاءَ أَعْرَابِيٌّ إِلَى النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ فَقَالَ يَا رَسُولَ اللَّهِ هَلْ لِلجَنَّةِ مِنْ تَمَنٍّ؟ قَالَ: نَعَمْ. قَالَ: مَا تَمَنُّهَا؟ قَالَ: لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ يَقُولُهَا الْعَبْدُ الصَّالِحُ مُخْلِصًا بِهَا. قَالَ: وَمَا إِخْلَاصُهَا؟ قَالَ: الْعَمَلُ بِمَا بُعِثْتُ بِهِ فِي حَقِّهِ وَحُبُّ أَهْلِ بَيْتِي قَالَ: وَحُبُّ أَهْلِ بَيْتِكَ لِمَنْ حَقَّقَهَا؟ قَالَ: أَجَلٌ، إِنَّ حُبَّهُمْ لَأَعْظَمُ حَقَّقَهَا. (۱۰۷) جابر بن عبدالله انصاری گفت: بادیه نشینی نزد پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم آمد و عرض کرد: ای رسول خدا! آیا بهشت، بهایی دارد؟ فرمود: «آری» عرض کرد: بهایش چیست؟ فرمود: کلمه‌ی «لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ» که بنده‌ی صالح آن را از روی اخلاص بگوید. عرض کرد: اخلاص آن چیست؟ فرمود: «عمل کردن به آنچه برای آن فرستاده شده‌ام و دوست داشتن اهل بیت من. عرض کرد: دوست داشتن اهل بیت شما از حقوق این کلمه است؟ فرمود: آری، دوست داشتن آنان، بزرگترین حق آن است.

اولین سوال قیامت درباره‌ی محبت به علی علیه السلام است

قَالَ حَنَانُ بْنُ سَيِّدِرٍ: حَدَّثَنِي أَبِي قَالَ: كُنْتُ عِنْدَ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَلَيْهِمَا السَّلَامُ فَقَدَّمَمَ إِلَيْنَا طَعَامًا مَا أَكَلْتُ طَعَامًا مِثْلَهُ قَطُّ، فَقَالَ لِي: يَا

سَدِيرٌ كَيْفَ رَأَيْتَ طَعَامَنَا هَذَا؟ قُلْتُ بِأَبِي أَنْتَ وَأُمِّي يَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ مَا أَكَلْتُ مِثْلَهُ قَطُّ وَلَا أَظُنُّ أَنِّي أَكَلْتُ أَيْدَاءَ مِثْلَهُ ثُمَّ إِنَّ عَيْنِي تَغَرَّعَتْ فَبَكَيْتُ فَقَالَ: يَا سَدِيرُ مَا يُبْكِيكَ؟ قُلْتُ: يَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ ذَكَرْتُ آيَةً فِي كِتَابِ اللَّهِ تَعَالَى. قَالَ: وَمَا هِيَ؟ قُلْتُ: قَوْلُ اللَّهِ فِي كِتَابِهِ: «ثُمَّ لَتَسْتَلُنَّ يَوْمَئِذٍ عَنِ النَّعِيمِ» فَخِفْتُ أَنْ يَكُونَ هَذَا الطَّعَامُ (من النعيم) الَّذِي يَسْأَلُنَا اللَّهُ عَنْهُ فَصَحِّحَكَ حَتَّى بَدَتْ نَوَاجِذُهُ ثُمَّ قَالَ يَا سَدِيرُ لَا تُسْأَلُ عَنْ طَعَامٍ طَيِّبٍ وَلَا تَوْبٍ لَيْتٍ وَلَا رَائِحَةٍ طَيِّبَةٍ بَلْ لَنَا خُلُقٌ وَ لَهُ خُلُقْنَا وَ لِنَعْمَلُ فِيهِ بِالطَّاعَةِ وَ قُلْتُ لَهُ يَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ فَمَا النَّعِيمُ قَالَ لِي حُبُّ عَلِيٍّ وَ عَتْرَتِهِ يَسْأَلُهُمُ اللَّهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ كَيْفَ كَانَ شُكْرُكُمْ لِي حِينَ أَنْعَمْتُ عَلَيْكُمْ بِحُبِّ عَلِيٍّ وَ عَتْرَتِهِ حَنَّانِ بْنِ سَدِيرٍ كَفْتُ: پدرم به من گفتم: نزد جعفر بن محمد علیهما السلام بودم. آن حضرت غذایی در برابرم نهاد که هرگز غذایی مانند آن نخورده بودم. پس به من فرمود: ای سَدِيرِ غذای ما را چگونه یافتی؟ عرض کردم: پدر و مادر فدایت ای پسر پیامبر خدا! تاکنون چنین غذایی نخورده‌ام و گمان هم نمی‌کنم که دیگر غذایی مانند آن بخورم. آنگاه چشمانم پر از اشک شد و گریستم فرمود: ای سَدِيرِ! چرا گریه می‌کنی؟ عرض کردم: یا بن رسول الله! آیه‌ای از کتاب خدا را به یاد آوردم. فرمود: کدام آیه؟ عرض کردم: این آیه: «پس در آن روز از نعمت بازخواست می‌شوید.» می‌ترسم این غذا جزء همان نعمتی باشد که خداوند درباره‌ی آن بازخواست می‌کند. حضرت خنده‌ای کرد به طوری که دندانهای عقلش نمایان شد. سپس فرمود: «ای سَدِيرِ! از تو، نه درباره‌ی خوراک لذیذ سؤال خواهد شد و نه درباره‌ی جامه‌ی نرم و نه درباره‌ی بوی خوش، بلکه اینها برای ما آفریده شده و ما برای استفاده از آنها خلق شده‌ایم و ما باید در آنها به طاعت خدا عمل کنیم» عرض کردم: پدر و مادرم فدایت ای پسر پیامبر خدا! پس آن نعمت کدام است؟ فرمود: دوستی علی و عترت او. در روز قیامت خداوند می‌پرسد: «در برابر نعمت دوستی علی و عترت او که آن را به شما عطا کردم، چگونه شکر مرا به جا آوردید؟»

محبت به علی علیه السلام محک نسب فرزندان

۱- قَالَ الصَّادِقُ عَلَيْهِ السَّلَامُ: وَاللَّهِ لَا يُجَبُّنَا مِنَ الْعَرَبِ وَالْعَجَمِ إِلَّا أَهْلُ الْبَيْتَاتِ وَالشَّرَفِ وَالْمَعْدِنِ وَلَا يُبْعَضُنَا مِنْ هَؤُلَاءِ وَ هَؤُلَاءِ إِلَّا كُلُّ دَنْسٍ مُلْصَقٍ (۱۰۸) به خدا سوگند که از عرب و عجم ما را دوست ندارند، مگر کسانی که خانواده‌دار و شریف و اصیل هستند و از این رو، از اینان و آنان ما را دشمن ندارد مگر کسی که آلوده و بی‌نسب باشد. ۲- عَبَادَةُ بْنُ صَامِتٍ مِی گوید: ما فرزندان خود را با محک دوستی علی بن ابیطالب علیه السلام می‌آزمودیم. اگر یکی از آنها را می‌دیدیم که علی بن ابیطالب علیه السلام را دوست ندارد، می‌فهمیدیم که از نطفه‌ی ما نیست و حرامزاده است. (۱۰۹)

پر نورترین افراد روز قیامت، محبین علی علیه السلام

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّمَ: أَكْثَرُكُمْ نُورًا يَوْمَ الْقِيَامَةِ أَكْثَرُكُمْ حُبًّا لِأَيِّ لَيْلٍ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّمَ (۱۱۰) پر نورترین شما در روز قیامت، کسی است که آل محمد صلی الله علیه و آله و سلم را بیشتر دوست بدارد.

محبت به علی علیه السلام، موجب تحقق حکمت بر زبان

قال الصادق عليه السلام: مَنْ أَحَبَّ أَهْلَ الْبَيْتِ وَ حَقَّقَ حُبَّنَا فِي قَلْبِهِ جَرَتْ يَتَابِعُ الْحِكْمَةَ عَلَى لِسَانِهِ وَ جُدَّدَ الْإِيمَانُ فِي قَلْبِهِ. امام صادق علیه السلام فرمودند: هر کس ما اهل بیت را دوست بدارد و دوستی ما را در قلبش تحقق بخشد، چشمه‌های حکمت بر زبانش جاری گردد و ایمان در دلش نو شود. (۱۱۱)

دست بریدگی دشمن علی علیه السلام روز قیامت

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ: لَا يُغِيضُنَا أَهْلَ الْبَيْتِ أَحَدٌ إِلَّا بَعَثَهُ اللَّهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ أُجْدَمَ (۱۱۲) پیامبر خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند: هیچ کس ما اهل بیت را دشمن ندارد، مگر اینکه خداوند در روز قیامت، او را دست بریده برانگیزد.

دشمن علی علیه السلام ملحق به جرگه یهود و نصاری

جابر بن عبد الله عَنْ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ: أَيُّهَا النَّاسُ مَنْ أَبْغَضَنَا أَهْلَ الْبَيْتِ حَشَرَهُ اللَّهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ يَهُودِيًّا قُلْتُ يَا رَسُولَ اللَّهِ وَإِنْ صَامَ وَصَلَّى فَقَالَ وَإِنْ صَامَ وَصَلَّى وَزَعَمَ أَنَّهُ مُسْلِمٌ جَابِرُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ مِنْ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ: «ای مردم! هر که ما اهل بیت را دشمن بدارد، خداوند در روز قیامت او را یهودی محشور می‌کند. عرض کردم: ای رسول خدا! هر چند روزه بگیرد و نماز بخواند؟ فرمود: «هر چند روزه بگیرد و نماز بخواند و خود را مسلمان بداند. (۱۱۳)

نابودی دشمنان علی علیه السلام

امام علی علیه السلام فرمودند: به خاطر من سه کس نابود می‌شوند و سه کس رستگار می‌گردند. لعنت کننده‌ی بر من، شنونده‌ی که بر آن صِحِّحَه می‌گذارد و گناهکاری که بار گناه را به دوش می‌کشد (یعنی پادشاه خوشگذرانی که به واسطه‌ی ناسزاگویی به من، به وی نزدیکی می‌جویند و در نزد وی، از دین من بی‌زاری جسته، بزرگی تبار مرا خوار می‌شمارند. به درستی که ریشه‌ی من ریشه‌ی پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم است و دین من همان دین پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم است. و سه کس به خاطر من رستگار می‌شوند: دوستدار پیرو، دشمنی آن که با من دشمن است و دوستدار آن که دوستدار من است، هر گاه بنده‌ای مرا دوست بدارد دوستدار مرا نیز دوست می‌دارد و با دشمن من دشمنی می‌کند و از من پیروی می‌کند. هر کس باید قلب خویش را بیازماید؛ زیرا خداوند در وجود یک نفر دو قلب قرار نداده تا با یک قلب دوست بدارد و با قلب دیگر دشمنی کند. هر کس قلبش را از مهر غیر ما سیراب کند، بر ضد ما تبانی کرده است پس بداند که خداوند عز و جل و جبرئیل و میکائیل دشمن اویند و خداوند دشمن کافران است. (۱۱۴)

نابینایی در روز قیامت

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله و سلم خطاب به مهاجران و انصار فرمود: علی را به خاطر محبت من دوست بدارید و به خاطر گرامی داشتن من گرامی‌اش بدارید، به خدا سوگند، این را از پیش خود به شما نگفتم؛ بلکه خداوند والا مرا به گفتن این مطلب فرمان داده است. ای جماعت عرب! هر کس پس از من، علی علیه السلام را دشمن بدارد خداوند در روز قیامت، او را نابینا محشور می‌کند و او حجتی نخواهد داشت. (۱۱۵)

سیر کردن دشمن امیرالمومنین علیه السلام!؟

مُعَلَّى بْنُ خُنَيْسٍ گوید: از امام صادق علیه السلام شنیدم که فرمود: «هر کس شکم یکی از دشمنان ما را سیر کند گویی که یکی از شیعیان ما را کشته باشد». (۱۱۶)

محروم شدن از باران به خاطر دشمنی با علی علیه السلام

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند: همان طور که خداوند از فرو فرستادن باران بر قوم بنی‌اسرائیل به خاطر بدرفتاری‌شان با پیامبرانشان امتناع کرد، از فرو فرستادن باران بر این امت نیز به خاطر دشمنی‌شان با علی بن ابیطالب علیه السلام امتناع کرد. (۱۱۷)

دشمنی با علی علیه السلام دشمنی خدا و پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم اوست

مجمع الزوائد به نقل از ابورافع نقل کرده است: پیامبر خدا علی علیه السلام را به یمن فرستاد. مردی از قبیله‌ی اَسَلَم که به وی عَمْرُو بن شَاس اَسَلَمی گفته می‌شد، همراه وی رفت. این مرد برگشت در حالی که از علی علیه السلام بدگویی و شُکوه می‌کرد پیامبر خدا صلی الله علیه و آله و سلم به دنبال وی فرستاد و آنگاه به وی فرمود: دور شو، ای عَمْرُو! آیا از علی ستمی در داوری دیدی، یا دیدی که او خود را در تقسیم بیت‌المال بر دیگران ترجیح دهد؟ گفت: به خدا خیر! فرمود: «پس برای چه این چیزهایی را که به من خبر داده‌اند، می‌گویی؟» گفت: نمی‌توانم از دشمنی با او خودداری کنم. پیامبر خدا چنان خشمناک شد که خشم از چهره‌اش هویدا بود. آنگاه فرمود: کسی که او را دشمن بدارد مرا دشمن داشته است و کسی که مرا دشمن بدارد خداوند را دشمن داشته است و دوستدار او دوستدار من است و دوستدار من دوستدار خداوند عز و جل است. (۱۱۸)

جایگاه اعراف مخصوص علی علیه السلام و شیعیانش

علی بن ابراهیم در تفسیر سوره‌ی اعراف ذیل آیه‌ی «وَعَلَى الْأَعْرَافِ رِجَالٌ» می‌گوید که: روایت کرد پدرم از حسن بن محبوب و از ابی ایوب و او از «بُرَیْد» و وی از امام هشتم ابا عبدالله علیه السلام که فرمودند: اعراف جایگاه بلند و زیبایی بین بهشت و دوزخ است و منظور از «رِجَالٌ» (مردان) علی علیه السلام و فرزندان او هستند که در کنار شیعیان خود در اعراف می‌ایستند در حالی که مؤمنان بدون حساب در بهشت بسر می‌برند ائمه‌ی اطهار علیهم السلام به شیعیان خود که مرتکب گناهانی شده‌اند می‌فرمایند به برادران خود نگاه کنید که بدون حساب به بهشت رفته‌اند و به دشمنان در دوزخ نظر بیفکنید و این است مفهوم فرموده خداوند در قرآن آنجا که می‌فرماید: اعرافیان بر بهشتیان سلام می‌کنند در حالی که داخل بهشت نشده‌اند ولی امیدوارند و توقع دارند که وارد آن شوند. (۱۱۹)

محافل و مجالس به واسطه‌ی حب علی علیه السلام زینت داده می‌شود

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ: «عَلِيٌّ مِنِّي وَ أَنَا مِنْ عَلِيٍّ مَنْ تَوَلَّى عَلِيًّا فَقَدْ تَوَلَّى نَبِيَّ حُبُّهُ نِعْمَةٌ وَ تَبَاغُهُ فَضِيلَةٌ لَمْ يَمْشِ عَلِيٌّ وَجْهَ الْأَرْضِ مَاشٍ أَكْرَمَ مِنْهُ بَعْدِي، أَنْزَلَ اللَّهُ عَلَيْهِ رِذَاءَ الْفَضْلِ وَ الْفَهْمَ وَ زَيْنَ بِهِ الْمَحَافِلِ وَ أَكْرَمَ بِهِ الْمُؤْمِنِينَ وَ نَصَرَ بِهِ الْعَسَاكِرَ وَ أَعَزَّ بِهِ الدِّينَ وَ أَحْصَبَ بِهِ الْبِلَادَ وَ أَعَزَّ بِهِ الْأَخْيَارَ» (۱۲۰) حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند: علی از من است و من از علی، هر کس علی را یاری کند مرا یاری کرده و حب علی نعمت بزرگی است و تبعیت و پیروی او فضیلت. بر زمین راه نرفت کسی جزء علی که بعد از من با کرامت‌ترین افراد باشد. و خداوند بر او لباس فضل و فهم و ادراک را نازل کرد و به واسطه‌ی علی علیه السلام مجالس و محافل را زینت بخشید و دین را به واسطه‌ی او عزیز کرده و شهرها را به واسطه‌ی او سرسبز و خرم کرده و خوبان به واسطه‌ی او عزت یافتند.

منابع و مأخذ:

- ۱) الیقین، سید بن طاووس، منشورات، موسسه‌ی دار الکتب، قم. ۲) فضائل الخمسه، حسینی فیروز آبادی، سید مرتضی، منشورات دارالکتب اسلامیه، تهران. ۳) الغدیر علامه امینی، منشورات امام امیرالمومنین علیه السلام، تهران. ۴) الصواعق المحرقة، احمد بن حجر هیثمی. ۵) بشاره المصطفی صلی الله علیه و آله و سلم شیخ ابوجعفر، محمد بن علی طبری، مکتبه حیدریه، نجف ۶) اثبات الهدایه، مرحوم شیخ حر عاملی، منشورات مطبوعه علمیه، قم. ۷) احقاق، سید نورالله حسینی مرعشی، کتابخانه‌ی آقای مرعشی، قم. ۸)

الارشاد، شیخ مفید، قم، نشر بصیرتی. ۹) فضول المهمه فی معرفه الائمه، نورالدین ابن صباغ مالکی، چاپ ایران. ۱۰) علی یا علی، مهدی فقیه ایمانی، چاپخانه امیر. ۱۱) القطره، سید احمد مستنبط، نشر حاذق. ۱۲) امام امیرالمومنین از دیدگاه خلفاء، مهدی فقیه ایمانی، نشر عطر عترت. ۱۳) حدیقه الشیعه، شیخ مقدس اردبیلی. ۱۴) اهل بیت، عرشیان فرش نشین، حسین انصاریان. ۱۵) علی قائد الغر المحجلین، سید فخرالدین موسوی، نشر بهار ۱۳۸۱ ش. ۱۶) روضه کافی، محمد بن یعقوب کلینی، نشر موعود السلام. ۱۷) أمالی الشیخ الطوسی، نشر دار الثقافه، قم ۱۴۱۴ ه. ۱۸) کنز العمال، تقی هندی، الرساله، بیروت. ۱۹) ینایع الموده، قندوزی، منشورات دارالکتب العراقیه. ۲۰) المناقب، ابن مغازلی، مکتبه اسلامیة، تهران. ۲۱) فرائد السمطین، حمونینی، نشر محمودی، بیروت. ۲۲) محاسن، احمد بن محمد برقی، منشورات مطبعه حیدریه. ۲۳) مائه منقبه: شیخ محمد بن احمد قمی معروف به ابن شاذان، موسسه الامام المهدی علیه السلام، قم. ۲۴) مدینه المعاجز، سید هاشم بحرانی، موسسه معارف اسلامیة، قم. ۲۵) مروج الذهب، ابوالحسن علی بن حسین مسعودی، منشورات دارالهجره، قم. ۲۶) مشارق أنوار یقین، حافظ رجب بُزْیَی منشورات، موسسه اعلمی، بیروت. ۲۷) المناقب، علامه الموفق بن احمد خوارزمی، نشر جامعه المدرسین، قم، چاپ دوم ۱۴۱۱ ه. ق. ۲۸) المناقب المرتضویه، میر محمد صالح کشفی صنفی. ۲۹) دخائر العقبی، محب الدین طبری، چاپ مصر، المکتبه المقدس. ۳۰) کنوز الحقایق، علامه المنادی، چاپ بولاق. ۳۱) مناقب آل ابیطالب علیهم السلام: ابن شهر آشوب، نشر موسسه انتشارات علامه، قم. ۳۲) مُسند احمد، احمد بن حنبل، نشر دار صادر، بیروت. ۳۳) بصائر الدرجات الکبری، محمد بن الحسن بن فروح الصفار، موسسه الاعلمی، طهران، ۱۴۰۴ ه. ق. ۳۴) صحیح بخاری، محمد بن اسماعیل البخاری، نشر دارالفکر، بیروت ۱۴۰۱ ه. ۳۵) صحیح مسلم، مسلم بن الحجاج النیشابوری، نشر دارالفکر، بیروت. ۳۶) علی علیه السلام إمامنا، محمد الرضی الرضوی، بی تا. ۳۷) نَهْجُ الايمان، زین الدین علی بن یوسف بن جبر، تحقیق سید احمد حسینی، نشر امام هادی، مشهد. ۳۸) اهل بیت در قرآن و حدیث، محمدی ری شهری، نشر دارالحدیث. ۳۹) الفصول العلیه فی مناقب امیرالمومنین علیه السلام شیخ عباس قمی، نشر موسسه در راه حق، قم. ۴۰) علی العالی، الشیخ مجتبی العراقی نشر السماحه المؤلف. ۴۱) فروغ هدایت، سید علی بهبهانی، ترجمه علی دوانی، چاپ علمیه قم. ۴۲) رساله الاربعین فی احوال النُصابِ و المخالفین، امیر فیض الله تفرشی، ترجمه سید ابوالفضائل مجتهدی، نشر مفید. ۴۳) معراج پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم، علی رضا زکی زاده، نشر جام جوان. ۴۴) حلیم، الابرار فی احوال محمد و آله الاطهار موسسه المعارف الاسلامیه، ۱۴۱۱ ه. ق. ۴۵) مقام الامام امیرالمومنین علی بن ابیطالب علیه السلام الطبعة الرابعه، النجف. ۴۶) تاریخ بغداد، للحطیب البغدادی، دارالکتب العلمیه، بیروت. ۴۷) طبقات الکبری، ابن سعد، دار بیروت. ۴۸) علی علیه السلام در کتب اهل تسنن، سید محمد باقر موسوی همدانی، تنظیم احمد رضا کشوری، نشر پورشاد، تهران. ۴۹) اربعین فی حب امیرالمومنین علیه السلام، ابو معاش، نشر انورالهدی.

پاورقی

(۱) - فضائل الخمسه من الصحاح الستة، ج ۱، ص ۱۶۷. (۲) - مستدرک الصحیحین، ج ۳، ص ۱۰۷. (۳) - الصواعق المحرقة ص ۷۶، نورالابصار ص ۷۳. (۴) - کشف الغمه، اربلی ج ۱، ص ۱۱۱، استرآبادی در تأویل الآیات، ج ۲، ص ۸۸۸. (۵) - رک، بحارالانوار، ج ۳۵، ص ۱۰. (۶) - بحار الانوار، ج ۳۵، ص ۱۲. (۷) - مناقب مرتضوی، ص ۱۷۲. (۸) - مناقب مرتضوی، باب سیم، ص ۱۷۰. (۹) - ارشاد القلوب إلى الصواب، ج ۲، ص ۲۱۲. (۱۰) - ارشاد القلوب إلى الصواب، ج ۲، ص ۲۳۴. (۱۱) - همان، ص ۲۳۷. (۱۲) - مدینه المعاجز، ص ۱۵۲. (۱۳) - مدینه المعاجز، ص ۱۵۱. (۱۴) - بحارالأنوار، ج ۲۴، ص ۱۹۸، ح ۲۵. التوحید: ص ۱۶۴ ح ۱. (۱۵) - مشارق الأنوار، ص ۲۱۸. (۱۶) - ترجمه القطره ج ۲ ص ۳۳۸، به نقل از اربعین ابن ابی الفوارس: ج ۳۲ مخطوط. (۱۷) - امالی صدوق، ص ۵۷ ح ۷ مجلس ۲، بحارالأنوار ج ۳۹ ص ۳۷، ح ۷ - انوار النعمانیة، ج ۱، ص ۲۴. (۱۸) - عیون اخبار الرضا علیه السلام ج ۲ ص ۲۶ - بحارالأنوار ج ۳۹ ص ۱۲۰، المناقب ج ۲ ص ۲۲۹. (۱۹) - مناقب مرتضوی، ص ۱۶۰. (۲۰) -

بشاره المصطفی ص ۵۳، امالی شیخ طوسی ح ۴۱ ص ۲۰۱، بحار الأنوار ج ۴۷ ص ۳۱۵ ح ۶. (۲۱) - كشف اليقين في فضائل اميرالمومنين عليه السلام، ص ۶. (فضائلی است که در تورات درباره‌ی آن حضرت بیان شده است) (۲۲) - مناقب خوارزمی، فصل نوزدهم، ص ۲۲۱، فرائد السمطين حمونینی، ج ۱ ص ۸۱ شماره ۵۲ - شواهد التنزیل ج ۲ ص ۱۵۶. (۲۳) - مناقب خوارزمی فصل چهاردهم ص ۹۰ - احقاق الحق ج ۴ ص ۸۹. (۲۴) - مناقب الامام علی بن ابیطالب علیه السلام، ابن مغزالی شافعی، ص ۹۴، نشر دارالأضواء. (۲۵) - الفصول العلیه، شیخ عباس قمی، ص ۴۶. (۲۶) - المستدرک علی الصحیحین ج ۳ ف ص ۱۲۳، فرائد السمطين ج ۱ ص ۲۹۹ ح ۸ و تاریخ دمشق ج ۲ ص ۲۶۸ و (... ۲۷) - تاریخ دمشق ج ۲ ص ۴۰۶ ح ۹۱۲ و مناقب ابن مغزالی ص ۱۰۷ ح ۱۴۹. (۲۸) - أسدالغابه ج ۴ ص ۳۱. (۲۹) - ینابیع الموده، ص ۲۲۹ - أرجح المطالب، عبدالله حنفی امام شناسی - علامه طهرانی ص ۷۲. (۳۰) - امام امیرالمومنین علی از دیدگاه خلفا، مهدی فقیه ایمانی ص ۴۸. (۳۱) - امام امیرالمومنین از دیدگاه خلفا، مهدی فقیه ایمانی ص ۱۴۶ به نقل از صواعق المحرقه ص ۱۰۶. (۳۲) - امام شناسی، علامه طهرانی، ج ۴، ص ۷۳، به نقل از مناقب ابن شهر آشوب ج ۱ ص ۴۸۱. (۳۳) - داستان عارفان، کاظم مقدم ص ۵۱. (۳۴) - مشارق الأنوار، ص ۱۷. (۳۵) - از اینجا ظاهراً کلام رَجَب بُرستی صاحب کتاب مشارق الانوار است. (۳۶) - ترجمه القطره، ج ۱ ص ۲۴۸ به نقل از مشارق الانوار ص ۱۵۱، الدمعه الساکبه ج ۲ ص ۵۶. (۳۷) - غایه المرام، ۷ ح ۱۲، المستدرک ۲/۷۱ کتر الفوائد: ۲۰۸ - بحار الانوار ج ۲۷ ص ۲۳۰. (۳۸) - علی یا علی، مهدی فقیه ایمانی ص ۳۳. (۳۹) - امام شناسی ج ۴، علامه سید محمد حسین حسینی طهرانی، مناقب این شهر آشوب ج ۱، ص ۴۴۸ و ۴۴۹. (۴۰) - القطره ج ۲ ص ۳۲۵، به نقل از المجموع الرائق ج ۲، ص ۳۲۰. (۴۱) - مناقب خوارزمی ۷۲ ح ۴۹، ینابیع الموده ص ۱۳۳، كشف الغمه ج ۱ ص ۱۰۳، بحار الأنوار ج ۳۸ ص ۳۳۵ ضمن ح ۱۰. (۴۲) - مائه منقبه، ص ۱۷۵ فضیلت ۸۸، بحار الأنوار ج ۲۶ ص ۳۴۹ ح ۲۲. (۴۳) - تفسیر امام حسن عسکری علیه السلام، ص ۴۵۲ ضمن ح ۲۹۷، بحار الأنوار ج ۹ ص ۲۸۶. (۴۴) - همان. (۴۵) - بحار الأنوار ج ۳۹ ص ۱۲۱، بیروت، نشر الوفاء. (۴۶) - یونس، آیه ۹۴. (۴۷) - بحار الأنوار ج ۳۶ ص ۹۴، نورالثقلین ج ۲ ص ۳۲ ح ۱۲۸. (۴۸) - علی و المناقب، عبدالعلی، گویا ص ۲۱۰ به نقل از ینابیع المعاجز و اصول الدلائل ص ۷۷. (۴۹) - المناقب، عبدالعلی گویا ص ۲۱۰ و ۲۱۱. (۵۰) - مناقب الامام علی بن ابیطالب علیه السلام ابن مغزالی، ترجمه سید محمد جواد، مرعشی نجفی ص ۱۳۰. (۵۱) - بحار الانوار، ج ۸ ص ۲۶، تأویل الآیات الظاهره ص ۸۲۱ ح ۳. (۵۲) - بحار الأنوار ج ۳۹ ص ۱۳۶ ح ۳. (۵۳) - بحار الانوار، ج ۲۷ ص ۱۱۵ ح ۹۰ - غایه المرام ۵۸۳ ح ۴۷. (۵۴) - بحار ج ۸ ص ۱۵۰. (۵۵) - معراج پیامبر (، علیرضا زکی زاده به نقل از عقائد الاسلامیه ص ۱۲۹ - اصول کافی ج ۱ ص ۲۳۶. (۵۶) - بحار ج ۳۶ ص ۱۴۶. (۵۷) - مائه منقبه، ابن شاذان ص ۳۳، فضیلت دوازدهم، بحار الانوار ج ۲۷ ص ۲۲۷ ح ۲۹. (۵۸) - مائه منقبه، ابن شاذان ص ۹۲ به نقل از غایه المرام ص ۲۰۷ ح ۱۱. (۵۹) - مدینه المعاجز، ۹۶ ح ۲۴۵، مناقب علی بن ابیطالب، ابن مغزالی ص ۹۴ و ۹۵. (۶۰) - مدینه المعاجز ص ۲۰۷. (۶۱) - همان ص ۷۸. (۶۲) - امام امیرالمومنین علیه السلام، مهدی فقیه ایمانی ص ۴۰ به نقل از مناقب علی ص ۱۵ ج ۱. (۶۳) - مناقب مرتضوی، ص ۲۰۳. (۶۴) - خصائص امیرالمؤمنین، احمد بن شعیب نسائی، نشر بوستان کتاب ص ۱۵۶. (۶۵) - خصائص امیرالمؤمنین، احمد بن شعیب نسائی ص ۱۶۰. (۶۶) - علی قائد الغرّ المحجلین ص ۱۱۷، به نقل از ترجمه ینابیع الموده ج ۲ ص ۴۰. (۶۷) - الأربعین فی حبّ امیرالمؤمنین علی علیه السلام، ص ۳۱. (۶۸) - کتر العمال ج ۶ ص ۱۵۶. (۶۹) - فضائل الخمسه من الصحاح الستة ج ۳ ص ۱۱۵، سید مرتضی فیروزآبادی. (۷۰) - شواهد التنزیل ج ۱ ص ۳۹۳، احقاق الحق ج ۲ ص ۳۸۴ و ج ۲۲ ص ۳۴۳. (۷۱) - کتاب علی قائد الغرّ المحجلین ص ۱۱۶ به نقل از: فیض الغدیر ج ۲ ص ۲۳۳، مناقب ابن مغزالی ص ۴۹. (۷۲) - کتاب علی قائد الغرّ المحجلین ص ۱۱۶ به نقل از: حدیث ۷۲ از کتاب مناقب ابن مغزالی ص ۷۲. (۷۳) - کفایه الطالب ص ۲۹۶. (۷۴) - علی قائد الغرّ المحجلین ص ۱۰۹. (۷۵) - ترجمه ینابیع الموده ج ۲ ص ۳۸. (۷۶) - ذخائرالعقبی ص ۲۰. (۷۷) - ترجمه ینابیع الموده ج ۲ ص ۳۸. (۷۸) - علی پیشوای روسفیدان ص ۱۰۸. (۷۹) - مناقب ابن مغزالی ص ۲۴۵. (۸۰) - اسدالغابه ج ۵ ص ۲۸۷. (۸۱) - فضائل ابن شاذان ص

۱۴۱، بحار الأنوار ج ۴۰ ص ۴۶. (۸۲) - مشارق الأنوار فی فضائل امیرالمؤمنین ص ۵۵. (۸۳) - همان ص ۱۸۷ ح ۱۰۳. (۸۴) - انساب النواصب ص ۲۴ به نقل از بحار الأنوار ج ۲ ص ۷۴. (۸۵) - فجر: ۴۷. (۸۶) - دو بال برای پرواز ص ۳۲، سید ابو محمد به نقل از گلگشت نور، چهارصد حدیث از روضه‌ی کافی ص ۳۶۸ ح ۱۷۹. (۸۷) - انساب النواصب ص ۲۸ به نقل از بحار ج ۶۸ ص ۲۸. (۸۸) - دو بال برای پرواز ص ۳۶، به نقل از امالی شیخ مفید ص ۱۹۳ ح ۵. (۸۹) - اسرار آل محمد (، ص ۵۱۶. (۹۰) - الحکم الزاهره، ترجمه انصاری ص ۱۸۰. (۹۱) - همان. (۹۲) - همان. (۹۳) - مراه الأبرار ص ۶۲، ترجمه احمد رضا آقاداتی. (۹۴) - اختصاص للمفید ص ۱۱۱. (۹۵) - وسائل الشیعه: ۲۴/۳۴۶. (۹۶) - بحار الأنوار ج ۶۸ ص ۹۰. (۹۷) - بصائر الدرجات ص ۱۷. (۹۸) - همان ص ۱۴. (۹۹) - بحار الأنوار ج ۶۸ ص ۱۴۲. (۱۰۰) - مرآة الأبرار ص ۱۲۸ ترجمه احمد رضا آقاداتی. (۱۰۱) - مرآة الأبرار ص ۲۱۶. (۱۰۲) - فضائل الشیعه ص ۱۱. (۱۰۳) - فضائل الشیعه ص ۱۲. (۱۰۴) - همان: ص ۱۵. (۱۰۵) - الأربعین فی حب امیرالمؤمنین ج ۱ ص ۶۱. (۱۰۶) - الأربعین ص ۷۱ به نقل از القطره ج ۲ ص ۲۳. (۱۰۷) - أمالی طوسی: ۵۸۳ / ۱۲۰۷. (۱۰۸) - اهل بیت (در قرآن و حدیث، ص ۶۱۲. (۱۰۹) - همان. (۱۱۰) - اهل بیت (در قرآن و حدیث، محمدی ری شهری ج ۲ ص ۶۵۴. (۱۱۱) - همان ص ۶۵۳ به نقل از المحاسن: ۱/۱۳۴. (۱۱۲) - ثواب الاعمال: ۲/۲۴۳، المحاسن: ۱/۱۷۴. (۱۱۳) - امالی صدوق ۲/۲۷۳. (۱۱۴) - دانشنامه امیرالمؤمنین علیه السلام، ری شهری، به نقل از الغارات ۵۸۹/۲، تفسیر فرات: ۲۴/۶۱. (۱۱۵) - همان، حدیث ۶۱۱۷۸ به نقل از شواهد التنزیل ۵۲۳/۴۹۵/۱. (۱۱۶) - دو بال برای پرواز ص ۳۷ ابو محمد به نقل از معانی الأخبار باب ۴۰۸. (۱۱۷) - تاریخ دمشق ۸۸۱۳/۲۸۲/۴۲. (۱۱۸) - دانشنامه امیرالمؤمنین علیه السلام به نقل از مجمع الزوائد ۱۴۷۳۷/۱۷۴/۹. (۱۱۹) - رساله الأربعین فی احوال النُّصَاب و المخالفین امیر فیض الله تفرشی، ص ۱۸۷. (۱۲۰) - الأربعین فی حب امیرالمؤمنین علیه السلام ج ۱ ص ۳۰، ابو معاش نشر، انوار الهدی.

درباره مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

بسم الله الرحمن الرحيم جَاهِدُوا بِأَمْوَالِكُمْ وَأَنْفُسِكُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَّكُمْ إِن كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ (سوره توبه آیه ۴۱) با اموال و جانهای خود، در راه خدا جهاد نمایید؛ این برای شما بهتر است اگر بدانید حضرت رضا (علیه السلام): خدا رحم نماید بنده‌ای که امر ما را زنده (و برپا) دارد... علوم و دانشهای ما را یاد گیرد و به مردم یاد دهد، زیرا مردم اگر سخنان نیکوی ما را (بی آنکه چیزی از آن کاسته و یا بر آن بیافزایند) بدانند هر آینه از ما پیروی (و طبق آن عمل) می کنند بنادر البحار-ترجمه و شرح خلاصه دو جلد بحار الانوار ص ۱۵۹ بنیانگذار مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان شهید آیت الله شمس آبادی (ره) یکی از علمای برجسته شهر اصفهان بودند که در دلدادگی به اهل بیت (علیهم السلام) بخصوص حضرت علی بن موسی الرضا (علیه السلام) و امام عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) شهره بوده و لذا با نظر و درایت خود در سال ۱۳۴۰ هجری شمسی بنیانگذار مرکز و راهی شد که هیچ وقت چراغ آن خاموش نشد و هر روز قوی تر و بهتر راهش را ادامه می دهند. مرکز تحقیقات قائمیه اصفهان از سال ۱۳۸۵ هجری شمسی تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن امامی (قدس سره الشریف) و با فعالیت خالصانه و شبانه روزی تیمی مرکب از فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مختلف مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است. اهداف: دفاع از حریم شیعه و بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البيت عليهم السلام) تقویت انگیزه جوانان و عامه مردم نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی، جایگزین کردن مطالب سودمند به جای بلوتوث های بی محتوا در تلفن های همراه و رایانه ها ایجاد بستر جامع مطالعاتی بر اساس معارف قرآن کریم و اهل بیت علیهم السلام با انگیزه نشر معارف، سرویس دهی به محققین و طلاب، گسترش فرهنگ مطالعه و غنی کردن اوقات فراغت علاقمندان به نرم افزار های علوم اسلامی، در دسترس بودن منابع لازم جهت سهولت رفع ابهام و شبهات منتشره در جامعه عدالت اجتماعی: با استفاده از ابزار نو می توان بصورت تصاعدی در نشر و پخش آن

همت گمارد و از طرفی عدالت اجتماعی در تزریق امکانات را در سطح کشور و باز از جهتی نشر فرهنگ اسلامی ایرانی را در سطح جهان سرعت بخشید. از جمله فعالیت‌های گسترده مرکز: الف) چاپ و نشر ده‌ها عنوان کتاب، جزوه و ماهنامه همراه با برگزاری مسابقه کتابخوانی ب) تولید صد‌ها نرم افزار تحقیقاتی و کتابخانه‌ای قابل اجرا در رایانه و گوشی تلفن همراه ج) تولید نمایشگاه‌های سه بعدی، پانوراما، انیمیشن، بازیهای رایانه‌ای و ... اماکن مذهبی، گردشگری و ... د) ایجاد سایت اینترنتی قائمیه www.ghaemiyeh.com جهت دانلود رایگان نرم افزارهای تلفن همراه و چندین سایت مذهبی دیگر ه) تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و ... جهت نمایش در شبکه‌های ماهواره‌ای و راه‌اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ‌گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی (خط ۲۳۵۰۵۲۴) ز) طراحی سیستم‌های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و ... ح) همکاری افتخاری با دهها مرکز حقیقی و حقوقی از جمله بیوت آیات عظام، حوزه‌های علمیه، دانشگاهها، اماکن مذهبی مانند مسجد جمکران و ... ط) برگزاری همایش‌ها، و اجرای طرح مهد، ویژه کودکان و نوجوانان شرکت کننده در جلسه ی) برگزاری دوره‌های آموزشی ویژه عموم و دوره‌های تربیت مربی (حضور و مجازی) در طول سال دفتر مرکزی: اصفهان/خ مسجد سید/حد فاصل خیابان پنج‌مضان و چهارراه و فائی /مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان تاریخ تأسیس: ۱۳۸۵ شماره ثبت: ۲۳۷۳ شناسه ملی: ۱۰۸۶۰۱۵۲۰۲۶ وب‌سایت: www.ghaemiyeh.com ایمیل: Info@ghaemiyeh.com فروشگاه اینترنتی: www.eslamshop.com تلفن ۲۵-۲۳۵۷۰۲۳-۰۳۱۱) فکس ۲۳۵۷۰۲۲-۰۳۱۱) دفتر تهران ۸۸۳۱۸۷۲۲ (۰۲۱) بازرگانی و فروش ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹ امور کاربران ۲۳۳۳۰۴۵-۰۳۱۱) نکته قابل توجه اینکه بودجه این مرکز؛ مردمی، غیر دولتی و غیر انتفاعی با همت عده‌ای خیر اندیش اداره و تامین گردیده و لی جوابگوی حجم رو به رشد و وسیع فعالیت مذهبی و علمی حاضر و طرح‌های توسعه‌ای فرهنگی نیست، از اینرو این مرکز به فضل و کرم صاحب اصلی این خانه (قائمیه) امید داشته و امیدواریم حضرت بقیه الله الاعظم عجل الله تعالی فرجه الشریف توفیق روزافزونی را شامل همگان بنماید تا در صورت امکان در این امر مهم ما را یاری نمایند انشاءالله. شماره حساب ۶۲۱۰۶۰۹۵۳، شماره کارت: ۶۲۷۳-۵۳۳۱-۱۹۷۳-۳۰۴۵ و شماره حساب شبا: ۵۳-۵۳۰۹-۰۶۲۱-۰۰۰۰-۰۰۰۰-۰۱۸۰-۰۱۹۰ IR به نام مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان نزد بانک تجارت شعبه اصفهان - خیابان مسجد سید ارزش کار فکری و عقیدتی الاحتجاج - به سندش، از امام حسین علیه السلام :- هر کس عهده دار یتیمی از ما شود که محنت غیبت ما، او را از ما جدا کرده است و از علوم ما که به دستش رسیده، به او سهمی دهد تا ارشاد و هدایتش کند، خداوند به او می‌فرماید: «ای بنده بزرگوار شریک کننده برادرش! من در گرم کردن، از تو سزاوارترم. فرشتگان من! برای او در بهشت، به عدد هر حرفی که یاد داده است، هزار هزار، کاخ قرار دهید و از دیگر نعمت‌ها، آنچه را که لایق اوست، به آنها ضمیمه کنید». التفسیر المنسوب إلى الإمام العسکری علیه السلام: امام حسین علیه السلام به مردی فرمود: «کدام یک را دوست‌تر می‌داری: مردی اراده کشتن بینوایی ضعیف را دارد و تو او را از دستش می‌رهانی، یا مردی ناصبی اراده گمراه کردن مؤمنی بینوا و ضعیف از پیروان ما را دارد، امّا تو دریچه‌ای [از علم] را بر او می‌گشایی که آن بینوا، خود را بدان، نگاه می‌دارد و با حجت‌های خدای متعال، خصم خویش را ساکت می‌سازد و او را می‌شکند؟». [سپس] فرمود: «حتماً رهاندن این مؤمن بینوا از دست آن ناصبی. بی‌گمان، خدای متعال می‌فرماید: «و هر که او را زنده کند، گویی همه مردم را زنده کرده است»؛ یعنی هر که او را زنده کند و از کفر به ایمان، ارشاد کند، گویی همه مردم را زنده کرده است، پیش از آن که آنان را با شمشیرهای تیز بکشد». مسند زید: امام حسین علیه السلام فرمود: «هر کس انسانی را از گمراهی به معرفت حق، فرا بخواند و او اجابت کند، اجری مانند آزاد کردن بنده دارد».